



شمار قربانیان کرونا در ایران رکورد زد و فقط روز گذشته ۱۶۲ نفر جان باختند

ماسک بزنیم

رئیس کمیسیون بهداشت مجلس: دولت برای رواج استفاده از **ماسک** باید یارانه بدهد.

فقط ۱۱ درصد از شهروندان خود را مقید به رعایت پروتکل‌های بهداشتی و استفاده از **ماسک** می‌دانند.

در یک نظرسنجی، ۹۰ درصد مردم گفته‌اند موافق اجباری شدن **ماسک** هستند.

احتمال جریمه نقدی و حبس برای افرادی که **ماسک** نزنند وجود دارد.

استفاده از **ماسک**، ۸۵ درصد احتمال انتقال ویروس را کم می‌کند. اگر همه ایرانی‌ها **ماسک** بزنند، آمار مبتلایان و کشته‌های کرونا نصف می‌شود.

ماسک ۱۵۰۰ تومانی شاید گران باشد، اما بسیاری از

مردم نه به دلیل گران بودن، بلکه به خاطر بی‌توجهی به کرونا سرانگش نمی‌روند.

دروغ‌ها و شایعاتی درباره **ماسک** زدن هست که نباید باور کنیم: **ماسک** فایده ندارد، **ماسک** گران بهتر است، **ماسک** قابل شست‌وشو نیست، بینی را نباید با **ماسک** پوشاند و **ماسک** زدن به تنهایی کافی است.

[۱۹۱۸]

بیشتر بخوانید |

چرا قیمت مرغ که تا همین چند روز پیش زیر ۱۰ هزار تومان بود حالا دو برابر شده است؟

پرواز مرغ‌ها

گوشت مرغ به عنوان یکی از اقلام پرمصرف سبد غذایی ایرانی‌ها به شمار می‌رود. میزان سرانه مصرف گوشت مرغ در ایران چیزی حدود ۳۰ کیلوگرم است که میانگین سرانه مصرف این محصول در دنیا چیزی حدود ۱۵ کیلوگرم است.

[۳]

آیا ترکیه موفق به ثبت هنر خوشنویسی به نام خود می‌شود؟

خط خطی مان نکنند!



[۱۰]

گفت‌وگو با دکتر محمدحسین عزیزی، مدیرکل فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی سازمان غذا و دارو

امنیت غذایی؛ اسیر تبلیغات

[۱۴]

عدنان منصور، وزیر خارجه پیشین لبنان در گفت‌وگو با جام جم:

آمریکا جایی در لبنان ندارد

[۸]

در روز صنعت و معدن رفته‌ایم سراغ خانواده معدنچینی که زندگی‌شان سخت‌تر از کار در معادن زغال‌سنگ است

زندگی خاکستری

[۱۶]



نکته |

ظرفیت بازار سرمایه برای تامین منابع مالی دولت

شیوع ویروس کرونای شش ماه اخیر باعث شده حدود ۸۰ درصد مشاغل و کسب و کارها تحت تاثیر قرار گیرند و با مسائلی چون تعدیل نیرو، کاهش تولید یا افزایش هزینه‌ها مواجه شوند و گاهی میزان موجودی آنها در انبار افزایش یابد. براساس برآوردها حدود ۲۰ درصد مشاغل نه تنها از کرونا آسیبی ندیده‌اند بلکه بازار و کسب و کار آنها بعد از شیوع کرونا رونق نیز گرفته است. بسیاری از کسب و کارهای آسیب دیده از کرونا به دلیل تبعات شیوع این ویروس نتوانستند بدهی‌ها و تسهیلاتی را که از نظام بانکی دریافت کرده بودند بازپرداخت کنند. از سوی دیگر، تبعات شیوع این بیماری همزمان با بدترین شرایط اقتصاد ایران به کشور تحمیل شد. تنگنای شدید منابع مالی دولت از یک سو و همزمانی آغاز این بیماری با اسفند و فروردین به عنوان ماه‌هایی که بیشترین گردش مالی را در بازار کسب و کار و مشاغل خرد و متوسط ایران دارد، موجب شد تا یافتن تبعات شیوع این ویروس بر اقتصاد ایران شده است.

عمده تاثیرات اقتصادی این بیماری بر مشاغل خرد و بنگاه‌های توزیعی یا خدمات توزیعی مانند فروشندگان بوده است. در این شرایط لازم بود دولت با روش‌های مختلف از بیمه بیکاری تا اعطای تسهیلات از این مشاغل حمایت کند که مهم‌ترین نمونه آن تسهیلات ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی بود که قرار شد دو سوم آن برای تقویت طرف عرضه یعنی بنگاه‌های تولیدی و یک سوم آن برای تقویت طرف تقاضا و قدرت خرید مردم اختصاص یابد. دولت در شرایط حاضر که تبعات شیوع کرونا موجب تعمیق رکود اقتصادی در کشور شده است، باید تامین منابع مالی لازم را برای پرداخت بیمه بیکاری و حمایت از کسب و کارها در اولویت قرار دهد. اگر چه دولت مدعی است منابع مالی محدودی دارد و در تامین منابع مالی با مشکلاتی مواجه است، اما واقعیت این است دولت در حال حاضر دارای اموال مازاد زیادی است که با توجه به رونق بازار سرمایه می‌تواند با واگذاری این اموال و عرضه شرکت‌های دولتی، بخش قابل توجهی از تنگنای منابع مالی اش را از طریق این کانال تامین کند. طبیعتاً شرط اول تحقق این موضوع، افزایش سرعت دولت و از دست ندادن زمان برای اجرای این کار است؛ چرا که برخی مسائل و موضوعات باید در زمان خودش انجام شود و هرگونه تاخیر در زمان اجرا، موجب تشدید مشکلات و مسائل موجود می‌شود. باید توجه داشت بسیاری از کسانی که تحت تاثیر شیوع ویروس کرونا دچار مشکل شده‌اند افرادی هستند که با حداقل دستمزد درآمد گذران زندگی می‌کنند و این بیماری بیشتر دهک‌های پایین درآمدی و طبقه کارگری را تحت تاثیر قرار داده است. از این نظر تقویت قدرت خرید دهک‌های کم درآمد به افزایش تقاضا انجامیده و به تبع آن موجب رونق بنگاه‌های اقتصادی می‌شود. [



وحید شقایق شهری

رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی

چشم‌انداز |

حوزه هنری و تحول دیجیتال

ما در چهار دهه گذشته نمود یافته در ساختار حوزه هنری و محصولات و تولیدات آن شکل عیان‌تری داشته است. به بیان دیگر، حوزه هنری همواره در محتوا پرچمدار مفاهیم و ارزش‌های انقلابی بوده است اما در استفاده از ظرفیت‌های نوین و شکل ارائه محتوا توانسته جلوتر از هنرمندان حرکت و راهبری کند یا هم‌پای بخش خصوصی و جوانان پیش بیاید. اگر بخواهم مثال‌هایی بزنم می‌توان موارد زیر را برشمرد:

اقدام دیر هنگام در راه‌اندازی حوزه هنری دیجیتال که هم‌اکنون هم فعالیت‌ش خاصی را نمی‌توان برایش برشمرد.

کم توجهی به ایجاد مراکز نوآوری فرهنگی و هنری و قطع بودن ارتباط حوزه با اکوسیستم نوآوری و استارت‌آپ‌ی بچه‌های انقلابی در دانشگاه‌های معتبر کشور

عدم ورود به فضاهای نوین تصویری مانند IPTV و VOD و اصرار بر سینماداری به شکل سنتی

حضور کم‌رنگ و گاه بی‌رنگ حوزه و محصولات خوب و موفق آن در social media و به طور کلی اصرار بر زنجیره سنتی اطلاع‌رسانی

تصمیم‌مدیریتی درست مبنی بر تعطیلی مجلات موفق همچون شعر، صحنه، ادبیات داستانی و... و البته عدم ارائه جایگزین مناسب برای آنها در رسانه‌های نوین

بی توجهی به دیجیتال مارکتینگ داخلی و بین‌المللی برای محصولات موفق حوزه هنری در تمام عرصه‌ها به خصوص بازارهای جهانی هنرهای تجسمی و تصویری

و ...

مواردی که ذکر شد تنها بخش کوچکی از اتفاقات بزرگی است که می‌توانست و می‌تواند در درون حوزه تحولی شگرف ایجاد کند. اگرچه این موارد نافی تلاش‌های محسن مومنی شریف عزیز و تیم همکاران او نیست - که اغلب از دوستان صمیمی من هستند - و می‌دانم در تمام ۱۰ سال گذشته دغدغه‌ای جز تعالی هنر و هنر انقلابی - مردمی نداشته و ندارند.

امیدوارم مدیریت جدید حوزه هنری به تحول دیجیتال و بهره‌گیری از ظرفیت عظیم بسترهای نوآوری و فناوری برای خدمت به هنر انقلابی باور داشته باشد که اگر این باور نباشد به قول صائب شبینم از نظاره‌گرل به آفتاب نمی‌رسد.*

*دلیل عشق حقیقی است عشق‌های مجاز به آفتاب رسد شبینم از نظاره‌گرل [

با آن کاپشن خاکی رنگ و شال گردنی که همیشه روی صورتش می‌کشد، سوار بر موتور وارد حیاط می‌شود، چرخ دور حوضچه خوشترنگ حوزه می‌زند و کنار دیوار آینه‌کاری شده، موتورش را تکیه می‌دهد، عینک ته استکانی اش را با انگشت بالا می‌دهد و دستی به سبیل سیاهش می‌کشد و می‌رود گوشه پله‌ها کنار قیصر می‌نشیند و با سیگار و چاق سلامتی، صحبت‌شان گل می‌اندازد. کمی بعد با پیوستن حسین، رسول، سلمان، سیدحسن و ابوالفضل جمع‌شان جمع‌تر می‌آیند.

آن طرف تر، کنار اتاق‌های آجری که داخل هرکدام یک میز کوچک و سماور و چایی تازه دم ریاست، درست کنار باغچه، بچه‌ها هم دنبال توپ دولا به پلاستیکی‌شان می‌دوند، محمد و روح... از بین‌شان بیشتر به چشم می‌آیند.

چند خط بلائیک‌روزی معمولی در دهه ۶۰ حوزه هنری است؛ وقتی هنوز آن ۱۳ نفر معروف اخراج نشده بودند. وقتی هنوز «قیصر» امین پورو «رسول» ملاقلی پور نفس‌شان به هنر جلا می‌داد و «محسن» مخملباف کاپشن خاکی می‌پوشید نه کت فراگ!

وقتی «روح...» زم به جای توپخانه رسانه‌ای، دنبال توپ دولا به می‌دوید و «حسین» خسرو جردی هم لندن نشین نشده بود. وقتی «محمد» سرشار نمی‌دانست قرار است یک مدیر فرهنگی موفق در تراز انقلاب باشد. وقتی سانحه رانندگی ابوالفضل عالی و

سکته قلبی سیدحسن حسینی را از هنر انقلاب نگرفته بود. داستان حوزه هنری که از امروز نام جدیدی روی سرپرگ امضا‌های حوزه ریاستش ثبت می‌شود همین قدر ریشه دار و البته پیچیده است. سازمانی که همقد انقلاب اسلامی پیشینه دارد و اگر بخواهیم گعده‌های هنرمندان انقلابی حسینیه ارشاد در زمان پهلوی را هم به این تاریخچه اضافه کنیم شاید به نیم قرن بیشتر هم برسد.

حوزه هنری در تمام این سال‌ها و در دوران مدیریتی اش با همه حواشی، ریزش و رویش‌های گاه بی‌بدلیش در دو نکته مشترک بوده است:

[۱] پرچمداری هنر مردمی (انقلابی)

[۲] کم توجهی به حوزه نوآوری و فناوری

که این دومی یعنی کم توجهی به فضا‌های نوآورانه شاید به دلیل برداشت ناخواسته و گاه ناآگاهانه از مفهوم انقلاب باشد که در دهه ۶۰ نوعی رجعت به گذشته و ارزش‌های پیشین را در خود نهفته داشت و این رجعت که در قالب‌های گوناگون فرهنگ و هنر



سینا علیمحمدی

روزنامه نگار



ابوالفضل آبرابری

نماینده نجف‌آباد در مجلس

طرحی برای پیشگیری از فسادهای گسترده

یکی از راه‌های بسیار مهم در زمینه مبارزه با فساد، شفافیت حداکثری است. در دنیا نیز چنین شفافیتی بهترین راه مبارزه با فساد شناخته شده است. در عین حال در کنار این شفافیت بهتر است فسادهایی که حین انجام کار کشف می‌شود اعلام و حق‌الکشف نیز به افشاکنندگان پرداخت شود. کشورهایی که تا ۴۰ درصد کشف فساد در سیستم‌های نظام اداری‌شان از طریق طرح سوت‌زنی انجام می‌شود، در زمینه کشف جرایم فساد و مبارزه با آن بسیار موفق بوده‌اند. با وجود این تاکنون در کشورمان به طور مستقیم چنین قانونی نداشته‌ایم. البته در مواردی از جمله کشف قاچاق برای کارکنان نیروی انتظامی، حق‌الکشف در نظر گرفته شده است؛ اما چنین رویه‌ای برای مردم عادی وجود نداشته و ردیف بودجه‌ای هم برای آن در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل، در حال حاضر مجلس یازدهم در صدد قانونی کردن این موضوع و تعیین ردیف بودجه برای این موضوع است؛ چرا که یکی از مظاهر فسادستیزی، تشویق مردم برای نقش داشتن در مبارزه با فساد است. لذا این طرح ارائه شده تا مردم هنگام مشاهده فساد، دیگران را مطلع کنند.

طرح حمایت از افشاکنندگان مفاسد اقتصادی (موسوم به طرح سوت‌زنی) به دنبال حمایت مالی، حقوقی و امنیتی از افشاکنندگان فساد است. اگر اشخاصی که اطلاعات مربوط به شکل‌گیری فساد را در اختیار دستگاه‌های ذی‌ربط می‌گذارند و در حقیقت مفاسد را افشای می‌کنند مورد حمایت مالی، حقوقی و امنیتی قرار بگیرند، از فسادهای گسترده پیشگیری می‌شود و البته این افراد نیز احساس امنیت و آرامش می‌کنند. در این طرح، مشوق‌های مالی برای اشخاصی که مفاسد را برملا کنند در نظر گرفته شده و درصدی از مبلغ فساد که توسط فرد افشا شود به عنوان مشوق به وی اعطا می‌شود. البته درصد مشوق در نظر گرفته شده در این باره هنوز به طور دقیق تعیین نشده و موضوع همچنان در حال رسیدگی است.

در حال حاضر این طرح به کمیسیون قضایی ارجاع شده و امیدواریم در ادامه با طی مراحل قانونی به تصویب برسد. [

جمهوری اسلامی ایران
وزارت نیرو

آگهی دعوت به همکاری

وزارت نیرو، در راستای راهبرد شایسته‌گزینی در دولت دوازدهم و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد دارای صلاحیت‌های عمومی و تخصصی خدمتگزاری، از متخصصین داوطلب واجد شرایط برای همکاری در سمت‌های زیر دعوت به اعلام آمادگی می‌نماید:

۱- مدیر کل دفتر آموزش، تحقیقات و فن آوری
۲- رئیس موسسه تحقیقات آب

برای کسب اطلاع از شرایط احراز و وظایف مربوطه و همچنین تکمیل فرم درخواست، لطفاً از تاریخ ۹۹/۰۴/۰۱ لغایت ۹۹/۰۴/۱۵ به آدرس www.moe.gov.ir مراجعه فرمائید.

وزارت نیرو

بانک صادرات ایران

آگهی مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای ۹۹/۱
بانک صادرات ایران
شرح در صفحه ۲

نیازمندی استان‌های قم و اصفهان
ضمیمه رایگان امروز

شماره تلفن‌های پذیرش | ۴۹۱۰۵۰۰۰
۲۳۰۰۴۰۳۲

امور آگهی‌های روزنامه جام جم



۶

سریال در دسر والدین پس از ۲۰ سال دوباره روی آنتن رفته است
و عشق آسان نمود اول!

**سفیر آمریکا حق دخالت
در امور داخلی لبنان را ندارد**



۸

**بازگشت سینما یک
به تلویزیون**



رسانه

سه شنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۹۳



بینید و بشنوید

شبکه یک	درامتداد فلق
۹۰:۳۵	سیمای خانواده
۱۱:۳۵	تشریف
۱۶:۵۷	مسابقه سبقت
۱۸	پایش
۱۹:۳۵	مجموعه داستانی «دخترم ترکس»
۲۲:۱۰	

شبکه دو	دورگفت مناجات
۴	نمادو
۱۱:۱۵	میخچه
۱۹:۳۰	سریال «شاهرگ»
۲۱:۳۰	تازجیره
۲۳:۳۰	گام دو
۰۰:۱۵	

شبکه سه	سلام صبح بخیر
۷:۰۵	طیب
۱۱	سمت خدا
۱۳:۳۰	استوا
۱۵:۴۰	هشتک عصر جدید، پشت صحنه و خوانی هر قسمت از برنامه عصر جدید با اجرای ایمان قیاسی
۱۶:۴۰	چراغانی
۱۸:۰۵	جلسه غیر علنی
۱۹:۴۵	سریال ایرانی «آخر خط»
۲۰:۵۰	

شبکه چهار	صهبا تسنیم
۶:۱۵	فیلم خانه (فریب بزرگ)
۱۰:۳۰	کتاب باز
۱۴	یادگیری آسان
۱۶:۳۰	نغمه‌ها (کیوان پهلوان)
۱۷	سریال ایرانی «خورشید شب»
۱۸	سفر به بهشت اندیشه
۱۹	چهار سوی علم (بی نهایت آفریقا)
۲۲	

شبکه پنج	فیلم سینمایی «علامت سیاه»
۱۰:۰۵	اکسپرنز
۱۱:۲۵	شکلات تلخ: این برنامه با موضوع آسیب‌های اجتماعی شنیده و سه‌شنبه هر هفته از شبکه پنج پخش می‌شود.
۱۶:۴۵	سریال «هشدار برای کبری ۱۱»
۲۰:۵۵	ساخت ایران
۲۳	

شبکه آموزش	صبحی دیگر
۹:۳۰	معلم
۱۳:۱۰	دکتر سلام
۱۷:۳۰	مسیر برتر
۱۹:۵۵	قصه‌های مجید کاوش
۲۲:۲۰	

شبکه قرآن	مسئد و اکرای ۱
۱۴	حوزه برنامه دهه کرمت از مرحوم مطهر رضوی
۱۵	منم بچه مسلمان
۱۷	یاد خدا
۱۹:۱۵	بیکران
۲۲	

شبکه نمایش	آخرین مجرد
۱۳	مینوس
۱۵	امن
۱۷	یاقی یک
۱۹	اسلحه بزرگ
۲۱	تنهای یک نفس
۲۳	

رادیو	رادیو جوان / بیست بیست
۶	رادیو صبا / راپورتاژ
۱۱:۳۰	رادیو ورزش / ورزش و جامعه
۱۲	رادیو پیام / بخش عصرگاهی
۱۴	رادیو معارف / نسیم وصل
۲۱:۲۵	رادیو ایران / تالار آینه
۲۲:۰۵	رادیو نمایش / احمد امین
۲۳:۴۵	

مستند مسابقه بومگرد در قاسم آباد

مستند مسابقه بومگرد به کارگردانی توج کلافتی و امیر منیری تولید شده است



بومگرد پنجشنبه ساعت ۲۲ از شبکه مستند پخش می‌شود / عکس: روابط عمومی شبکه مستند

نشست خبری تبیین رویکردهای نوین امور بین الملل برای حضور در جشنواره‌های بین المللی برگزار شد

فرصتی برای بروز توانایی‌های صداوسیما

بیشتر آشنا می‌شوند. این يك فرصت بی‌بدیل است که امکانات و توانایی‌های قابلیت‌های جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی شناخته شود.

حضور پررنگ مراکز استان‌ها در ABU

فهمیدانند در ادامه عنوان کرد: امسال دبیرخانه‌ای در امور بین الملل صداوسیما ایجاد کرده‌ایم و تولیدات رادیویی و تلویزیونی بین المللی توسط يك گروه آشنا به اتمسفر بین المللی مورد بازبینی

برنامه‌سازی‌های مطلوب و حضور پررنگ رسانه ملی در عرصه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی، در داخل کشور و تلاش‌هایی که برای جذب مخاطب حداکثری است را نشان می‌دهد؛ یکی از نمونه‌های آن حضور در جشنواره بین المللی است که مردم خاص در خارج از کشور از توانایی آن آشنا باشند و آشنایی با برنامه‌سازی رسانه ملی یکی از تاثیرات آن است که برنامه‌های خود را روی آنتن شبکه‌های خارجی می‌بینیم. ضمن این‌که با برنامه‌های ما با فرهنگ ایران و گفتمان عالی جمهوری اسلامی در عرصه هنری

استفاده از تجربه‌های موفق گذشته

مدیرکل امور بین الملل همچنین درباره آثار ارائه شده نیز توضیح داد: آثار ارائه شده مربوط به سال ۹۸ و سه ماه اول سال ۹۹ است که در این بازه زمانی تولید شده‌اند. همچنین از میان استان‌ها آثار ارائه شده مربوط به استان‌های گلستان، گیلان، کرمانشاه و لرستان است. همچنین شبکه يك، سیما فیلم و الکتور. این جشنواره احتمالا در آذرماه برگزار خواهد شد که البته به دلیل کرونا هنوز مشخص نیست این جشنواره به صورت مجازی برگزار خواهد شد یا فیزیکی. وی تاکید کرد: آموزش فرهنگ تولید آثار داخلی به افراد و برگزار دوره‌های تخصصی و انتقال تجربه در برنامه‌سازی و همچنین حضور و به کارگیری از تجربه برنامه‌سازان موفق یکی از اهداف ماست. تلاش ما این است در جشنواره‌های بین المللی به سمت تجاری‌سازی برویم و حتی از تجربه‌های گذشته خود نیز استفاده و هم‌افزایی به دیگر نهادها داشتیم.

ارتقای کیفی در تولید دنباله‌ها

تلویزیون و رادیوی ما در بحث اطلاع‌رسانی فارغ از رنگ‌وبوی سیاسی سعی کرده‌اند به لحظه عمل کنند و مثلا اخبار ورزشی یا گزارش رویدادهای ورزشی یا گزارش حوادث غیرمترقبه را خیلی فوری به مخاطب ارائه کنند.

در ماه‌های اخیر که درگیر بحران کرونا شده‌ایم بازهم شاهد فعالیت به‌روز و به لحظه بخش‌های خبری مختلف تلویزیون و ارائه محتواهای روزآمد خبری بوده‌ایم و کنارش تحلیل‌های مختلفی غالبا با جنبه آموزشی را در رسانه ملی شاهد بوده‌ایم.

در بحث تولید سریال هم تلاش‌های خوبی صورت گرفته و حتی کار تولید سریال‌ها در دل کرونا هم ادامه‌دار شده تا مخاطبان در شرایط بحرانی بازهم محتوای سرگرم‌کننده برای تماشا در اختیار داشته باشند، یعنی از نظر کمیته‌ی فعالیت تلویزیون محسوس و موفق بوده است.

از نظر کیفی اگر بخواهیم بسنجیم به واسطه شرایط مالی پیش آمده، دست تلویزیون واقعا خالی مانده و سریال‌هایی که در این مدت از تلویزیون پخش شد جز چند مورد نتوانست نظر مخاطب را به خودش جلب کند و به خصوص دو یا سه سریالی که کاملا موفق بودند ادامه‌هایی بر فصول قبلی سریال‌ها بودند که مردم هم از آنها استقبال کردند.

کاری به این نداریم که این سریال‌ها هم نسبت به کارهای قبلی سازندگان شان آثار متوسطی بودند و چون سایر آثار کیفیت خوبی نداشته‌اند بیشتر دیده شدند ولی آنچه اهمیت دارد این‌که تلویزیون به جایی رسیده که يك سریال را تا چند فصل ادامه می‌دهد و همچنان مخاطب دارد.

این، خیلی خوب است که تلویزیون بتواند برندسازی و از آنها محافظت کند تا به سودآوری بالاتر برسد. برندسازی سخت است ولی از آن سخت‌تر، محافظت از برندهاست که نیاز دارد به کار پژوهشی مداوم و به‌روز کردن تیم نویسندگان و ایده‌پردازان سریال‌ها.

البته هدف از تولید يك سریال در درجه اول نه برندسازی بلکه تولید محصول غنی برای مخاطب باید باشد چون اگر از همان اول بخواهیم قرار بگذاریم که می‌خواهیم داستان را تا چند فصل ادامه دهیم بی‌بربرگرد به دام آب‌بندی می‌افتیم و مجبوریم مدام حفره برای داستان ایجاد کنیم به این خیال که در فصول بعدی حفره‌ها را پر خواهیم کرد.

هر فصل از يك سریال باید به‌عنوان يك سریال مستقل دیده شود تا تمام پرداخت داستانی و شخصیتی به کمال و نتیجه برسد و بعد اگر جای کار داشت در فصول بعدی سراغ ادامه داستان کاراکترها یا وارد کردن کاراکترها و داستان‌های جدید به دل زندگی کاراکترهای پیشین برویم. اگر این اتفاق بیفتد حتما در تولید دنباله‌ها نیز به ارتقای کیفی خواهیم رسید.

- ۴۱۶ اثر به دبیرخانه ارائه شده
- ۹ اثر رادیویی انتخاب شده
- ۸ اثر تلویزیونی انتخاب شده
- ۴ تهیه‌کننده و برنامه‌ساز رادیویی خانم
- یک برنامه‌ساز تلویزیونی

قرار دادند و مواردی که قابلیت عرضه در فضای بین الملل داشته را جمع‌آوری کردیم و برخی از آنها که در جشنواره‌های بین المللی می‌شد عرضه کرد اما محک زده و انتخاب کرده‌ایم. ضمن این‌که از برگزیدگان هم تقدیر به عمل خواهد آمد. وی همچنین افزود: تم جدید این جشنواره احترام و شناخت توانایی و پذیرفتن خود و دیگران است. آثاری که انتخاب شد چند وصف قابل توجه داشته. در تلویزیونی آثار کودک، مستند، سرگرمی، ورزشی و... در رادیو جایزه بهترین محتوای دیجیتال، مستند نمایشی و... خواهیم داشت. فهمیدانند در ادامه درباره حضور پررنگ برنامه‌سازهای مراکز استان‌ها نیز گفت: یکی از شاخص‌ترین آثار این جشنواره بخش عمده‌ای از تولیدات تلویزیونی است که از مراکز استان‌ها انتخاب شده است. ضمن این‌که حضور جوان‌ها و برنامه‌سازان و تهیه‌کننده‌های خانم نیز چشمگیر است. برنامه‌هایی نیز برای سایر ادیان و همچنین موضوع‌هایی چون محیط‌زیست نیز در این جشنواره خواهیم داشت.

همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان

وی در پاسخ به سؤال دیگر جام‌جم در خصوص این‌که اصولا آثاری که در جشنواره‌های داخلی برگزیده شده‌اند را به جشنواره ABU ارائه کرده‌اید یا نه هم توضیح داد: دید ما بر این اساس است که از فیلمسازهای جوان و بانگیزه‌مان حمایت کنیم تا آثارشان در عرصه‌های بین المللی دیده شود و این خیلی مطلوب است. به‌عنوان مثال سریالی انتخاب شده که در آن زیبایی‌های یکی از روستاهای شمالی به تصویر کشیده شده و همچنین بخشی از فرهنگ زیبای ایرانی یا مستندی انتخاب شد که درباره يك ورزشکار سوئدی است که به ایران سفر کرده بود. بنابراین بحث محیط‌زیست، کرونا و همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان جزو نکات مهمی است که در انتخاب‌هایمان مدنظر داشتیم. در رویکرد نوین قصد داریم حضور مستمر، هوشمندانه و فعال در تمام جشنواره‌های بین المللی داشته باشیم. از این رو در جشنواره‌هایی که در کشورهای چون ژاپن، روسیه، استونی، آلمان، بلژیک و کره برگزار می‌شود، حضور خواهیم داشت، چون فرصت بسیار ضروری است که صداوسیما در عرصه بین الملل بتواند توانایی خودش را نشان بدهد.

برای خوشایند داوران سیاه‌نمایی نمی‌کنیم

فهمیدانند در پاسخ به سؤال جام‌جم مبنی بر این‌که از آنجا که داوران و مخاطبان خارجی مجذوب فیلم‌های تلخ در جشنواره‌های بین المللی می‌شوند، چه آثاری انتخاب شده تا هم به مذاق داوران خوش بیاید و هم سیاه‌نمایی از ایران نباشد، گفت: ما تلاش داریم انتخابی باشد که فنی و با استانداردهای بین المللی تطابق داشته باشد. اما در ماهیت هم این نکته قابل تأمل است. یکی از وظایف مهم سازمان صداوسیما در عرصه داخلی بحث نشاط است. شما به صورت معدود می‌توانید فیلمی پیدا کنید که تولید صداوسیما باشد و خدای ناکرده سیاه‌نمایی داشته باشد و نشاط را از مردم بگیرد و امیدشان را نسبت به آینده کمزنگ کند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب تاکید کردند نشاط را گسترش بدهیم و امید به آینده را در مردم افزایش بدهیم. نشان بدهیم که ملت ایران راه پرزنت‌مدارانه‌ای را در پیش دارد. برنامه‌هایی هم که تولید می‌شود در این قالب است. البته این نافی وظیفه ما نیست برای این‌که مشکلات و معضلات کشور را به مسؤولان منتقل نکنیم و در این زمینه‌ها صدای مردم نباشیم. اما در دید کلی پیگیری معضلات و مشکلات به گونه‌ای نیست که سیاه‌نمایی شود. کارهایی هم که ارائه داده‌ایم با همین هدف بوده. علاوه بر این‌که تم جشنواره هم امسال بر پایه احترام، شناخت و پذیرفتن تفاوت‌های خود با دیگران است. بنابراین در این موضوع خود ABU هم دنبال سیاه‌نمایی نیست و جشنواره‌ای نیست که سیاسی باشد. بنابراین آثاری انتخاب شد که نشاط و امید به زندگی در آن لحاظ شده باشد. به‌عنوان مثال یکی از فیلم‌های ورزشی درباره یکی از قهرمانان ورزشی است که دچار مایه‌بخا شده، اما در عرصه‌های بین الملل حضور دارد.



چه خبر؟

ضرب‌المثل‌های ایرانی در «روز خوش»



برنامه «روز خوش» امروز با بخش‌های مختلف از جمله پرداختن به ضرب‌المثل، تغذیه و خلایق، میزبان مخاطبان شبکه جام جم سیما خواهد بود.

به گزارش جام جم، حمیدرضا امیرافضلی، شاعر و نویسنده امروز به موضوع ضرب‌المثل‌های فارسی می‌پردازد. همچنین در این برنامه به بررسی و استفاده درست از ضرب‌المثل «پیش قاضی و معلق بازی» پرداخته می‌شود.

در بخشی دیگر، علیرضا زمانی کارشناس برنامه، ایده‌پردازی، خلایق و تغییر زاویه دید در سبک زندگی را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین پاسخ به پرسش تغذیه در دوران کرونا چگونه باید باشد، موضوعی است که در برنامه سه‌شنبه روز خوش درباره آن گفت‌وگو می‌شود.

برنامه روز خوش با نگاه به زندگی از منظر سبک زندگی ایرانی - اسلامی با اجرای محمدمین نبی‌اللهی و مریم م‌هور روی آنتن می‌رود. در این برنامه اطلاعات، اخبار و رویدادهای امیدبخش به ویژه نمایش پیشرفت‌های غرورانگیز ایرانیان توسط مهدی آقاییگی به سمع و نظر مخاطبان می‌رسد.

مجله صبحگاهی روز خوش از دوشنبه تا جمعه ساعت ۵ صبح به وقت تهران به تهیه‌کنندگی حسین علیاری از شبکه جهانی جام جم پخش می‌شود.

وارسته: «افسانه هزار پایان» و کمدی اعجازگوست



نویسنده سریال «افسانه هزار پایان» گفت: در افسانه هزار پایان ارجاعاتی به فیلم و سریال‌های شاخصی داشتیم که قبلا پخش و در ذهن مردم ماندگار شده‌اند.

حسن وارسته، نویسنده این سریال در گفت‌وگو با فارس، گفت: ژانر این سریال از معدود کمدی‌های پارودی یا نقیصه‌گویی و اعجازگویی براساس اعجاز آشناسنت که در ایران کمتر ساخته شده‌است. تابه حال کمدی‌های مختلفی دیدیم ازجمله کمدی کلامی و موقعیت‌اما افسانه هزار پایان ازجمله کمدی‌هایی است که خودم دغدغه جدید بود آن را در ذائقه مخاطب داشتم.

وی ادامه داد: در پارودی قصه‌ای می‌نویسند و ارجاعاتی به فضای قدیمی فیلم و سریال‌هایی می‌کنند که در ذهن مردم نهادینه شده‌است و در افسانه هزار پایان هم از چند فیلم و سریال شاخص این چنینی استفاده کردیم. اگر مخاطب آن فیلم شاخص را بشناسد، سریال راه‌واسطه نوستالژی ذهنی‌اش دوست دارد و می‌بیند.

این نویسنده همچنین بیان داشت: سری قبل که این سریال از شبکه نسیم پخش شد با شتاب‌زدگی تدوین شد و به پخش رسید. من در نظر داشتم در ویرتین کمدی‌هایی که در ایران پخش می‌شود یک کمدی جدیدی هم به مخاطب تقدیم کنم و به فکر نکند همه کمدی‌ها را دیده‌است.

افسانه هزار پایان در ۵۲ قسمت به کارگردانی شهاب عباسی از شبکه سه سیما در حال پخش است. نسرین مقانلو، رضا توکلی، رامین راستانا، رامین ناصر نصیر، علی اوسپوند، تورج نصر، بیوک میرزایی، ابراهیم شیعی و... در این مجموعه تلویزیونی به ایفای نقش پرداختند.



آخرین وضعیت محسن قاضی‌مرادی به روایت همسرش

مهوش وقاری آخرین وضعیت جسمانی محسن قاضی‌مرادی، همسرش را تشریح کرد. مهوش وقاری، همسر محسن قاضی‌مرادی، بازیگر پیشکسوت درگفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، درباره آخرین وضعیت جسمی قاضی‌مرادی گفت: در دو هفته گذشته حالتی غیرطبیعی داشتند و دچار

سریال «دردسر والدین» پس از نزدیک به ۲۰ سال دوباره روی آنتن رفته است

وعشق آسان نمود اول!



نوشین مجلسی

رسانه

«سال ۸۰ سریالی با قصه‌ای تازه و متفاوت روی آنتن شبکه سه سیما رفت و قصه پیوند دردسرساز دو خانواده از طبقه متوسط روایت می‌کرد. ایران یزدان پناه با روحیه‌ای منضبط و دارای سه فرزند، با علی پورحاتم که زندگی را ساده‌تر می‌انگارد و چهار فرزند دارد، ازدواج می‌کند و خانواده جدید و پرجمعیت آنان با انواع مشکلات اقتصادی، تربیتی و... مواجه می‌شود. حضور مهران مدیری، کم‌دین تلویزیونی به عنوان ایفاگر نقش پدر خانواده یکی از ویژگی‌هایی بود که بسیاری را برای دیدن سریال ترغیب می‌کرد و قصه ساده و روان آن نیز مخاطبان پیکیری داشت.

«دردسر والدین» به تهیه‌کنندگی بیژن امکانیان این روزها از شبکه آی فیلم پخش می‌شود، به همین خاطر نگاهی به سرنوشت بازیگران کودک و نوجوان این مجموعه انداختیم و سراغ مسعود نوابی، کارگردانی که این روزها کمتر فعال است و فریدون فرهودی، یکی از نویسندگان آن رفتیم.

مسعود نوابی، کارگردان «دردسر والدین» از این سریال می‌گوید

مدیری هیچ ایده‌ای را به ما تحمیل نکرد

و احمد خداکرم نوشته شده بود، متوجه شدم با فیلمنامه کامل و یکدستی روبه‌رو هستم به‌گونه‌ای که احتیاجی به کم یا اضافه کردن یک واو هم ندارد. البته این موقعیت کمتر پیش می‌آید که فیلمساز با چنین فیلمنامه کامل و یکدستی مواجه شود.

به خاطر حسن نوستالژیک هم که شده بسیاری مایلند همچنان سریال‌راندینال کنند.

طبق آمارها دردسر والدین در همان زمان پخش هم بالای ۸۰ درصد مخاطب داشت و این میزان استقبال برای کمتر سریالی به وجود می‌آید. الان هم که سریال در حال بازپخش است از شنیدن بازخوردهای مثبت مخاطبان بسیار خوشحال شده‌ام و یاد خاطرات خوب ساخت این سریال در ابتدای دهه ۸۰ با یک گروه



تب شدند خیلی نسبت به این شرایط ترسیدم. اما خوشبختانه حالشان نسبت به روزهای گذشته بهتراست. وی ادامه داد: قرار بود در بیمارستان بستری شوند، اما به دلیل شیوع کرونا ترجیح دادم در خانه تحت درمان باشنند.

حرفه‌ای افتادم. حرفه‌ای‌گری هیچ‌گاه پیر نمی‌شود و همین است که سریالی ماندگار می‌سازد.

دردسر والدین در بزنگاه‌های درستی از درام بهره می‌برد و در جاهایی هم روی طنز تاکید می‌کند.

در دسرهای اداره کردن یک زندگی، توسط پدر کارمندی که همسرش را از دست داده و مجبور است ضمن کار کردن سه فرزندش را هم مدیریت کند هنوز هم گره خوبی است. از آن طرف ماجرا هم مادری که همسرش را از دست داده مجبور است برای تأمین معاش خانواده کار کند و در ضمن وظایف پدری را هم انجام بدهد. چالش علاقه مرد به زن اوج درام داستان دردسر والدین بود و واکنش فرزندان آن زن و مرد برای خیلی از مخاطبان کودک و نوجوان بسیار جالب بود. در فضای داستانی فیلم ضمن نشان دادن چالش‌های زندگی طبقه متوسط و کارمند با فضای شاد و پر از امید و شادی مواجه هستیم و همین‌ها بود که عزم من را برای ساخت سریال جدی‌تر کرد.

یکی از ویژگی‌های سریال شما بازی مهران مدیری در آن است. بازیگری که همواره پیشنهادهای کمی را می‌پذیرد و در آن سال‌ها بیشتر به عنوان یک کم‌دین شناخته می‌شد.

مهران مدیری، بازیگر بسیار توانمند و خوبی است و طنز و کم‌دی را درست می‌شناسد و بازی‌اش در این لحظات عالی است. موقعی که بازی در سریال به او پیشنهاد شد از شخصیت علی پورحاتم و ویژگی‌های اخلاقی‌اش خوشش آمد و در سریال بازی کرد.

در کار با مدیری چالش خاصی نداشتید؟

مدیری در حین کار خیلی با من همراه بود و با توجه به پس‌زمینه کارگردان بوداش اصلا تلاش نکرد نظر یا ایده‌ای را به من تحمیل کند و در طول کار مثل یک بازیگر حرفه‌ای بازی‌اش را منطبق با فیلمنامه به بهترین شکل ممکن انجام داد و برای همین هیچ

گفتنی است محسن قاضی‌مرادی به دلیل بیماری پارکینسون چند سالی است قادر به راه رفتن و تحرک زیاد نیست.

این بازیگر در سریال‌هایی مثل صاحب‌دلان، شمع‌دونی، چهارچرخ، عید امسال، همه بچه‌های من، طلاق در وقت اضافه، پاتوق و... بازی کرده است.



اغراقی در کارش به چشم نمی‌خورد.

البته چهره‌های مشهور دیگری هم بودند و در کنار آنان بازیگرانی هم داشتید که پس از این سریال دیده‌شدند.

همین طور است. در کنار مهران مدیری، حضور فاطمه گودرزی هم جزو نقاط قوت کار بود. زنده‌یاد حمیده خیرآبادی (نادره) هم حضورش بسیار مؤثر بود. علی صادقی هم بعد از بازی در این سریال به بازیگر پرکار و شناخته‌شده‌ای تبدیل شد.

در کارنامه کاری شما، ساخت کارهای کم‌دی مثل «کلاهی برای باران» و «قلقلک» و همچنین آثار درام و رئالیستی مثل «آهوی ماه نهم» و «سایه» دیده می‌شود. به نظر می‌رسد به تنوع ژانری علاقه دارید؟

سال‌ها برای تلویزیون کارهای اجتماعی و ملودرام ساختم. من عاشق ملودرام هستم و در دهه ۷۰ اولین فیلمم «سال‌های بیقراری» یک ملودرام بود و فروش خوبی هم داشت، اما به خاطر سلیقه مخاطب که به‌تدریج به سمت کم‌دی می‌رفت من نیز تلاش کردم فیلم و سریال‌های کم‌دی خوب و خوش ساختی بسازم.

اگر قدرت انتخاب داشتید چطور؟ کم‌دی یا ملودرام؟

اگر قدرت انتخاب داشته باشم ترجیح می‌دهم آثار جدی و اجتماعی بسازم. در سینما و تلویزیون ایران فیلمساز هرچقدر فیلم کم‌دی درجه یک، متفاوت و خوب بسازد باز اسوی مردم و منتقدان چندان جدی گرفته نمی‌شود. نسوا این ویژگی من به ژانر ملودرام و درگیری‌های دراماتیکی که در آن وجود دارد، علاقه دارم. در تلویزیون دردسر والدین را داشتیم که مردم دوستش دارند و در سینما هم فیلم پر فروش و پر مخاطبی مثل کلاهی برای باران را ساختم که کم‌دی موفق بود. الان هم مشغول بازنویسی نهایی فیلمنامه‌ای کم‌دی هستم که در پاییز آن را می‌سازم.

گفت‌وگو با فریدون فرهودی، نویسنده سریال

دردسرهای این ازدواج شیرین است

اما عنوان سریال و ماجراهای دردسرسازی که بعد از ازدواج این دو نفر شاهدش هستیم، خلاف این موضوع را ثابت می‌کند.

این را باید پای طنز داستان گذاشت، و اقعاً دردسر می‌شود، ولی در پایان قرار است نقطه تفاهمی شکل بگیرد. اصلا داستان نمایشی اگر پایان خوشی دارد، باید در نقطه پایان، ختم بخیر شدن را ببینیم و در طول قصه این چالش‌ها را ایجاد کنیم. اگر این مشکلات نباشد دیگر قصه‌ای در کار نیست. به نوعی می‌توان گفت دردسرهای این ازدواج شیرین است.

روزهای تصویربرداری در صحنه حضور داشتید؟

خاطرم هست در آن زمان درگیر کارهای متعددی بودیم. کارگاه فیلمنامه‌نویسی و چند فیلمنامه در دست داشتم و برای همین به صحنه نمی‌رفتم. با آقای امکانیان، آقای نوابی و دیگر افراد گروه آشنایی و دوستی قبلی داشتم برای همین نیازی نبود ما هم سر صحنه باشیم. آنها خودشان کار را پیش می‌بردند.

تا جایی که خاطرم هست بیژن امکانیان بعد از آن به عنوان تهیه‌کننده در تلویزیون دیده‌نشد.

به‌طور کلی در بازیگری و تهیه‌کنندگی گزیده‌کار است. از سینما به تلویزیون آمد، بعد از آن هم بر سینما متمرکز شد.

در انتخاب بازیگران هم نظری داشتید؟

در گروه بازیگران، حضور مهران مدیری در نقش پدر خانواده متفاوت بود که آن زمان و هنوز هم برای برخی جای سوال است.

این حوزه جزو اختیارات کارگردان و تهیه‌کننده است که به نظرم با توجه به امکانات تهیه‌کننده و کارگردان و اقتضات روز، انتخاب بسیار خوبی بود. در این کار وژنه سنگین زبان طنز کار بر دوش آقای مدیری است. با شرایط فعلی آقای مدیری کار ندارم، ولی اگر آن زمان را در نظر بگیریم زبان کار را خیلی خوب درآورد. آن موقع دامنه کاری آقای مدیری نسبت به الان خیلی محدودتر بود ولی خیلی خوب از پشش برآمد. باید در نظر داشت که شخصیت مادر کمتر از شخصیت پدر می‌تواند بار طنز را حفظ کند و تقابل این دو با هم این زبان را ایجاد کرده بود.

البته سکانس‌هایی که زبانی طنز دارد، بیشتر در ابتدای آشنایی است و بعد می‌بینم شخصیت پدر با مشکلات جدی در شرکت دست‌وپنجه نرم می‌کند.

این طبیعی است. هر آدمی این دو وجه را در زندگی‌اش دارد.

پس نمی‌شود گفت این شخصیت فقط بار طنز را به دوش می‌کشد و به نظر می‌آید بازی مدیری در صحنه‌های جدی به خوبی بخش کم‌دی نیست.

به نظرم آقای مدیری به طور کلی از پس این نقش برآمدند. الا آن کار اجرا و... هم می‌کند، اما آن زمان به عنوان یک بازیگر خیلی خوب بود. آن موقع که سریال را دیدم به نظر آمد تفاوت و تقابل لحظه‌های متفاوت زندگی این آدم در کار به خوبی درآمده است.



دوست داشته باشند.

از بچه‌ها چه خبر؟

اشکان پارسا

سریال مجتمعی مسکونی فرخ و فرج به کارگردانی اصغر فرهادی و سال ۷۹ در سریال مریم مقدس ایفای نقش کرد و کارش را سال ۸۰ با بازی در این مجموعه ادامه داد، اما بعد از آن دیگر در تلویزیون دیده نشد.

روژان آریامنش

(مهشید): دختر کوچک خانواده بود که در آن سال‌ها نقش فرزند را در بسیاری از آثار نمایشی بازی می‌کرد. او در سریال مختارنامه هم ایفای نقش کرد، ولی چند سالی است در این حوزه به‌صورت جدی دیده نشده است.

مریم بیلالی مقدم

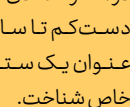
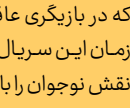
(مینا): بازیگر فیلم خوابگاه دختران و سریال تب سرد در

«دردسر والدین» نقش مینا، دختر بزرگ خانواده را داشت که بعد از آن در چند فیلم و سریال بازی کرد، اما ظاهراً برای ادامه تحصیل به کشوری دیگر رفته و سال‌هاست او را در قاف تصویر ندیده‌ایم.

علی صادقی (سعید):

در میان فرزندان خانواده پورحاتم و تکویی، علی صادقی بود

که در بازیگری عاقبت بخیر شد. او در زمان این سریال ۲۱ سال داشت ولی نقش نوجوان را بازی می‌کرد و بعد از آن در آثار کم‌دی دیگر دیده شد و دست‌کم تا سال‌ها می‌شد او را به عنوان یک ستاره کم‌دی با سبکی خاص شناخت.



ملودی‌های «نفوذ» نواخته می‌شود

تصویربرداری سکانس‌های باقیمانده سریال «نفوذ» به کارگردانی و نویسندگی جواد شمقدری و تهیه‌کنندگی محسن علی‌اکبری به سفارش سیمافیلم به پایان رسید و مراحل فنی مجموعه در حال انجام است.

به گزارش جام جم، محسن علی‌اکبری، تهیه‌کننده سریال «نفوذ» با اعلام خبر



فیلمبرداری از صحنه‌های سریال «نفوذ» در جزیره کیش

مستند مسابقه بومگرد در قاسم‌آباد

مستند مسابقه بومگرد به کارگردانی تورج کلانتری و امیر منیری تولید شده است

رژوئیتی صحت‌آوردگردشگری می‌شود، ویژگی‌های هر بخش از ایران زیباییان اعم از چهار فصل رنگارنگ، جغرافیا، بناهای تاریخی، فرهنگ، آداب و رسوم، صنایع دستی، تنوع غذاها، ظرفیت‌های اقتصادی توریستی و… مطرح می‌شود. بنابراین هر یک از این موضوعات می‌تواند دستمایه ساخت مستند و آثار نمایشی متنوع شود که تا به امروز شاهد این اتفاق ویژه در آثار مختلف رسانه ملی بوده‌ایم. از سوی دیگر فرهنگ ایران زمین به حدی متنوع است که هرچه گفته شود، کم است و باز هم جای پرداخت به چنین موضوعاتی وجود دارد. همین دغدغه‌ها باعث شد تا تورج کلانتری و امیر منیری، مستندسازان دست به کار شوند و یک مستند مسابقه به نام بومگرد را طراحی

کنند. البته آنها بارها روی طرح‌شان کار کردند و بعد در نهایت به این نتیجه رسیدند که فصل اول از این مستند مسابقه را به استان گیلان اختصاص بدهند. به‌همین دلیل برای مرکزیت کارشان، روستای قاسم‌آباد را انتخاب کردند. در هر فصل از مستند مسابقه بومگرد سه خانواده براساس آیت‌هایی متناسب با زیست بوم انتخاب شده و با هم به رقابت می‌پردازند. درباره جزئیات این مستند مسابقه که شب‌های پنجشنبه ساعت ۲۲ از شبکه مستند پخش می‌شود، با تورج کلانتری به‌گپ و گفت نشستیم و او درباره جزئیات آن صحبت کرده است.

شروع شکل‌گیری قصه

این مستند با سرفصل گردشگری و با محوریت بومگردی و اقتضانات فرهنگی هر منطقه، اشتغال و کسب و کار روستایی با در نظر گرفتن ظرفیت‌های مغفول و در نهایت ارزش بخشی به سنت‌ها و آداب و رسوم هر منطقه و هویت بخشی به هر بوم و قومیت تولید شده است. ساخت این مستند بر مبنای طراحی خودم و امیر منیری انجام شده است. دغدغه من و آقای منیری از اینجا شروع شد که ما مثل بقیه مردم، ایران را دوست داریم و نسبت به محیط‌زیست و فرهنگ روستایی‌مان دغدغه‌مند هستیم. از آنجا که ما در حوزه رسانه کار می‌کنیم، به همین دلیل این دغدغه نقش بیشتری به خودش می‌گیرد و تصمیم گرفتیم با ساخت یک مستند مسابقه جذاب با فرهنگ جذاب بخشی از روستاهای ایران بپردازیم. برای ساخت این مستند مسابقه علاوه بر این‌که به موضوع اشتغال زایی توجه کرده بودیم، تلاش کردیم به گونه‌ای عمل کنیم که به روستاهایمان لطمه نخورد و هویت آنها حفظ شود. البته چندین بار طرح این مستند مسابقه بومگرد را مورد بررسی قرار

سفر از خراسان تا گیلان



ما برای ساخت این مستند مسابقه چند نقطه را در نظر گرفتیم. تحقیقاتی درباره همدان و خراسان شمالی انجام دادیم تا این‌که بحث گیلان برایمان شکل گرفت. بعد از بررسی‌های انجام شده برای ساخت فصل اول از این مستند مسابقه به استان گیلان رسیدیم که از نظر فرهنگی بسیار هم گسترده است. متأسفانه استان مازندران فرهنگ بومی روستایی‌اش را از دست داده است. همه این موضوعات دست به دست هم داد ما تا به انتخاب استان گیلان رسیدیم. ما به مناطقی از این خطه همچون چاپکسر، روستای قاسم‌آباد، اطراف لنگرود و… پرداخته‌ایم و خانواده‌ها در خطه‌های متفاوت استان گیلان با هم رقابت می‌کنند.

فوق افزود: تصویربرداری سکانس‌های باقیمانده در قزوین، شهرک غزالی، ورامین و روبه روی لانه جاسوسی با حضور بازیگران به پایان رسید.

وی درباره انجام مراحل فنی مجموعه گفت: بهزاد عبدی آهنگسازی مجموعه را انجام می‌دهد و آرش قاسمی هم صداگذاری کار را به عهده گرفته‌است. بخش

خانواده‌های کاملاً معمولی

ما برای انتخاب شرکت‌کنندگان در این برنامه مثل خیلی از تولیدات دیگر که شرکت‌کننده دارند، فراخوانی را منتشر کردیم؛ در ادامه بعد از این اتفاق ۳۵۰ گروه برای مصاحبه آمدند. ما هم از بین این تعداد بنا به ظریفیت و توانایی که هرکدام داشتند، سه گروه را انتخاب کردیم. خانواده‌هایی که همه از دل همین جامعه و مردم هستند. مثلاً یکی از آنها کاسب است، دیگری تازه ازدواج کرده و می‌خواهد به سربرازی برود، آن یکی در حوزه مرمت آثار تاریخی و عکاسی مشغول است و خلاصه اعضای هر کدام از گروه‌ها در حرفه‌ای مشغول به کارند. فضاهایی که برای مردم هم آشناست. به همین دلیل مخاطبان می‌توانند به راحتی به‌واسطه همین ماجرا با شرکت‌کنندگان ارتباط بیشتری برقرار کنند و به آنها نزدیک‌تر شوند. این موضوع باعث می‌شود که خیلی اوقات بینندگان حس کنند با افرادی مثل خودشان طرف هستند و این برنامه برای همه ساخته شده نه گروه و قشر خاصی.

گروه‌ها کجایی اند و به کجا می‌روند؟



در این سری همه خانواده‌ها از تهران هستند. در طول این بومگردی، برای دوره‌های بعد ما از هر منطقه‌ای آنها را به جایی که نبودند و ندیدند، می‌بریم. چرا؟ چون بومگردی یعنی من از منطقه خودم به مقصدی می‌روم که در آن تجربه‌های زیستی که اهالی آنجا دارند را در کنارشان تجربه می‌کنم و با حال و هوایی که وجود دارد، همراه می‌شوم. در این برنامه هم به‌واسطه سر زدن به مناطق مختلف همین اتفاق قرار است بیفتد و خانواده‌ها در طول این سفرها با ماجراهایی روبه‌رو می‌شوند که بخش‌های مختلف بومگردی ما را شکل می‌دهند. تلاش برای انعکاس معنای واقعی بومگردی یکی از اهدافی است که در این برنامه آن را دنبال می‌کنیم. در کنار این موضوع، معرفی مناطق مناسب بومگردی و چگونگی همراه شدن با این شیوه سفر هم از دیگر مواردی است که در دل قصه رخ می‌دهد.

یک هیجان برنامه‌ریزی شده

برای این برنامه در بخش‌های مختلف با بهتر است بگوییم همه قسمت‌هایی که می‌بینید، از رویایی خانواده‌ها با گله دام‌ها گرفته تا دیگر اتفاقات، همه برنامه‌ریزی و برای آنها فکر شده است. در واقع ما برای هر بخشی از قبل طراحی کرده بودیم که هر خانواده قرار است با چه چیزی روبه‌رو شود. علاوه بر اینها در این مسیر هر خانواده یک مربی دارد که از دل همان منطقه و روستایی است که به آنجا می‌رویم. برای هماهنگی بیشتر، ما با تلک تلک این مربی‌ها صحبت کردیم و در کنار آشنایی بیشتر با منطقه و تعامل با آنها، تصمیم گرفتیم آیت‌هایی را در نظر بگیریم که به‌واسطه آنها هر گروهی بتواند امتیاز بگیرد. در اصل خانواده‌ها در این بومگردی در عین آشنایی با زیست بوم هر منطقه درگیر رقابتی می‌شوند که به هیجان ماجرا اضافه می‌کند. هرکدام از این بخش‌ها هم به شکلی طراحی شده که قدم به قدم با همان ماجرای بومگردی پیش می‌رود، یعنی همگام با پیش رفتن در هر منطقه و نمایش جذابیت‌های آن، رقابتی برای گذشتن از هر بخش شکل می‌گیرد که باعث تلاش بیشتر خانواده‌ها برای عبور هر چه بهتر از این مراحل می‌شود. این رقابت علاوه بر هیجانی که از آن گتفیم، می‌تواند باعث شود تا بیننده هر چه بیشتر با این گشت و گذارها همراه شود و به قولی به شکل پیکرتری برنامه را پی بگیرد.

جلوه‌های گرافیکی در دل رقابت‌ها

ما برای بحث امتیازدهی و این‌که بتوانیم از نظر بصری کار را ارتقا دهیم، از موشن‌ها و انیمیشن‌هایی استفاده کردیم که کاراکترهای آن خود شرکت‌کنندگان هستند، نه شخصیت‌های آماده و… به همین دلیل ابتدا چهره اعضای هر گروه را طراحی کردیم و در ادامه آن را به شکل انیمیشنی درآوردیم. این هم اتفاق دیگری است که می‌تواند برای من بیننده جالب باشد و البته خانواده‌ها هم با دیدن آن به وجد بیایند.

این برنامه پنجشنبه‌ها ساعت ۲۲ از شبکه مستند روی آنتن می‌رود و بعد هم تکرار آن جمعه ساعت ۳ بامداد، ۱۰ و ۱۷ پخش می‌شود.



جلد اول کتاب «تاریخ انقلاب»

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹ • شماره ۵۶۹۳



جام جم

خبر

تصویب بودجه مستقل

برای برون مرزی‌ها

احمد علیرضایبگی، نماینده مردم تبریز و عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس با اشاره به این‌که شبکه‌های برون‌مرزی صدای مقاومت مردم ایران در جهانند، تصریح کرد: شبکه‌های برون‌مرزی سازمان صداوسیما نمایندۀ نظام جمهوری اسلامی در دنیا هستند و صدای مظلومیت انقلاب و مردم را منعکس می‌کنند. در مقطع زمانی امروز، صدای این رسانه‌ها باید رساتر و تصویرشان فراگیرتر و واضح‌تر از همیشه پخش شود.

به گزارش تسنیم، وی با اشاره به قطع برنامه‌های شبکه‌های پرس‌تی‌وی، الکوثر، آی فیلم انگلیسی و کانال اردوی شبکه جهانی سحر از ماهواره تأکید کرد:مجلس اجازه نمی‌دهد صدای مقاومت مردم ایران، مظلومان جهان و آزادگان دنیا به محاق برود.

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس با اشاره به بیانیه حمایت‌نمایندگان مجلس یازدهم از شبکه‌های برون‌مرزی گفت:ازدولت محترم و متولیان امری خواهیم بدون مطلق و در اولین فرصت با تخصیص بودجه ارزی شبکه‌های برون‌مرزی، مانع قطع پخش برنامه این شبکه‌ها از ماهواره شوند.

علیرضاییگی یادآور شد: در عین حال از مدیران سازمان صداوسیما هم می‌خواهیم با اتخاذ تدابیر مناسب، برنامه‌ریزی درست و استفاده بهینه از منابع، مانع تعطیلی شبکه‌های برون مرزی شوند و این فرآیند را به تأخیر بیندازند.



نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: مجلس یازدهم به دنبال تصویب بودجه مستقل برای شبکه‌های برون‌مرزی است.

وی درباره اقدامات عملی مجلس شورای اسلامی برای تأمین بودجه شبکه‌های برون‌مرزی توضیح داد: مجلس نهایت فشار قانونی خود را به دولت خواهد آورد تا نگاهی ویژه به شبکه‌های برون مرزی داشته باشد و بودجه این رسانه‌ها را سر وقت و به موقع تأمین کند.

علیرضاییگی با تأکید بر تعامل و تلاش دوجانبه دولت و سازمان صداوسیما برای رفع موانع پخش شبکه‌های برون‌مرزی از ماهواره تصریح کرد: امروزه در همه حوزه‌ها مشکل کمبود منابع و نقدینگی مشاهده می‌شود و همه دستگاه‌ها با این معضل مواجه‌اند.اما بایدیک اولویت‌بندی در این خصوص صورت بگیرد. این نماینده مجلس فعالیت شبکه‌های برون‌مرزی را ضروری دانست و گفت: شبکه‌های برون‌مرزی صدای انقلاب، مقاومت و مظلومیت مردم ایرانند. امروزه افکار عمومی دنیا توسط رسانه‌ها مهندسی می‌شود و جایگاه حق و باطل را معضل رسانه‌های معاند جابه‌جا شده است.

علیرضاییگی خاطر نشان کرد: با چنین شرایطی که بر جهان حاکم است، حضور و فعالیت شبکه‌های برون مرزی ضرورت دارد. مجلس شورای اسلامی و نمایندگان نیز از این منظر بر تقویت این رسانه‌ها تأکید دارند.

استودیو ۸ رادیو نمایش

و بازگشایی «تئاتر مستقل»

در برنامه زنده رادیویی «استودیو ۸» رادیو نمایش، وضعیت بازگشایی و استقبال از «تئاتر مستقل» در گفت‌وگو با مدیراین مجموعه، ارزیابی شد. به گزارش روابط عمومی رادیو نمایش، مصطفی کوشکی کارگردان، بازیگر و مدیر تئاتر مستقل درگفت‌وگو با «استودیو ۸» در مورد بازگشایی تماشاخانه‌ها و استقبال تماشاچیان گفت: انگار دولت مسؤولیت‌ها را چه خوب چه بد به خود مردم سپرده‌ها هم سلامت‌شان را حفظ و هم اقتصادشان را تأمین کنند.کوشکی ادامه داد: چهار ماه تعطیلی به نظر کافی بود تا از فرهنگ و هنر دور باشیم بنابراین از همان روز اول سعی کردیم فعالیت‌ها را از سر بگیریم و از مرکز هنرهای نمایشی، خانه تئاتر و حتی بازیگران انتظار داشتیم که همه در کنار هم برای بازگشایی سینما، تئاتر و موسیقی اطلاع‌رسانی کنند.



مجری برنامه سینما یک

قرار است با شکل و شمایل و طراحی جدید مجدداً روی آنتن شبکه یک برود



مجری برنامه سینما یک

قرار است با شکل و شمایل جدید اجرا از او باشیم؟ نکته دیگر در مورد برنامه «سینما یک» با مختصات جدیدش آن است که برنامه «هفت» هم تقریباً در بخش سینمای ایران همین کارکرد را دارد و تا همین چند وقت پیش هم برنامه «نقد سینما» از شبکه پنج



باید منتظر شکل و شمایل جدید اجرا از او باشیم؟ نکته دیگر در مورد برنامه «سینما یک» با مختصات جدیدش آن است که برنامه «هفت» هم تقریباً در بخش سینمای ایران همین کارکرد را دارد و تا همین چند وقت پیش هم برنامه «نقد سینما» از شبکه پنج

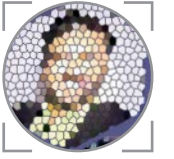
بازگشت سینما یک به تلویزیون

احتمالاً همین یکی دو دهه پیش شما هم شب‌های جمعه که می‌شد پای شبکه یک می‌نشستید و منتظر می‌ماندید تا یکی از فیلم‌های سینمایی جذاب دنیا در «سینما یک» بعد از نقد و بررسی پخش شود و در زمانی که خبری از دانلود و سامانه‌های آنلاین فیلم نبود، بتوانید فیلم مورد قه‌تان که تعریفش را زیاد شنیده بودید، ببینید. این برنامه به‌یادماندنی از سال ۸۲ روی آنتن تلویزیون بود و به مدت ۱۴ سال، هر هفته یک فیلم ماندگار سینما را برای مخاطبان پخش می‌کرد تا این‌که در

سال ۹۶ آخرین فصل آن نیز پخش شد و به انتهای راه رسید. حالا آن‌طور که شنیده شده این برنامه قرار است با شکل و شمایل و طراحی جدید مجدداً روی آنتن شبکه یک

تکرار هفت؟

فریدون جیرانی، کارگردان معروفی در سینمای ایران است. کارگردان ۶۹ ساله‌ای که فیلم‌هایش معمولاً سر و صدای کمی



۱۱

باز سرگیری کنسرت‌ها در دوران پساکرونا

مردم با افزایش چشمگیر قیمت بلیت اجراهای موسیقی روبه‌رو شده‌اند

جبران از جیب مردم!

راسل کرو که جایزه اسکار بازیگری را برای فیلم «گلادیاتور» دریافت کرده می‌گوید فیلمنامه‌اش اقتضاح بود

فیلمنامه گلادیاتور اقتضاح بود

«جو جو خرگوشه» توانسته در گیشه و میان منتقدان به موفقیت نسبتاً خوبی دست پیدا کند

جنگ خنده!

فرهنگ

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۹۳



۱۲

جاذبه



حذف نام یک اسطوره

حزب دموکرات اورنج‌کانتی با تصویب یک قطعنامه اضطراری از شورای شهر اورنج‌کانتی خواست تا نام فرودگاه جان وین را تغییر دهند. اگر از شنیدن این خبر شوکه شده‌اید، بد نیست اظهارات جان وین را در یکی از مصاحبه‌هایش در سال ۱۹۷۱ بخوانید و با دیدگاهش درباره سرخپوستان و سیاهپوستان آشنا شوید.

جان وین که اسطوره سینمای وسترن آمریکاست و یکی از قهرمانان پرشور این کشور، تقریباً ۵۰ سال پیش در مصاحبه‌ای تاکید کرده بود که به برتری سفیدپوستان باور دارد و از این که پنج تا ۱۰ نسل پیش از این، سیاهپوستان برده بودند، احساس گناه نمی‌کند.

حرف‌هایی که او در این مصاحبه گفته بود و مهر به نقل از واریتی منتشر کرده، دقیقاً اینهاست: به برتری سفید اعتقاد دارم تا وقتی که سیاهپوستان به حد مسؤولیت‌پذیری تربیت شوند، به دادن اختیار و جایگاه رهبری و قضاوت به این افراد غیرمسئول اصلاً باور ندارم. حسن نمی‌کنم با راندن سرخپوستان از این کشور پهنوار اشتباه کرده باشیم.

حذف نام یک اسطوره

حذف نام یک اسطوره

حذف نام یک اسطوره

جبران آغاز شد

اسماعیل عقیقه و حسن فتحی، سریال‌های ماندگار که نساخته‌اند. هم عقیقه به عنوان تهیه‌کننده کارنامه پربرای دارد و هم حسن فتحی به عنوان کارگردان. آنها به زودی ساخت سریال جبران را برای پخش در شبکه نمایش خانگی آغاز خواهند کرد. این دو در کارهای مشترکشان هم گل کاشته‌اند و سریال‌هایی ساخته‌اند که در فهرست بهترین سریال‌های تاریخ تلویزیون جای می‌گیرند.

فقط یکی از سه سریال میوه ممنوعه، در مسیر زاینده‌رود و زمانه که حاصل همکاری مشترک اسماعیل عقیقه و حسن فتحی بوده، کافی است که به سریال جبران امیدوار باشیم و منتظر پخش سریال جبران بمانیم.

بر اساس توضیحات عقیقه، سال گذشته مجوز ساخت آن صادر شد و بازیگران هم انتخاب شده بودند اما طولانی شدن روند پیش‌تولید و تاخیر در آغاز فیلمبرداری به ساخت دکور مربوط است. در واقع شیوع کرونا یکی از دلایل تاخیر ساخت این پروژه بود.

جبران یک سریال تاریخی است و ساخت دکور برای سریال‌های تاریخی زمان می‌برد.

عقیقه می‌گوید: داستان این مجموعه درباره یکی از زنان ناصرالدین شاه است

و پرنیز ایزدیار از اولین بازیگرانی است که برای این سریال انتخاب شده بود.

پیش‌تولید سریال به مراحل پایانی رسیده و به زودی تصویربرداری آن آغاز می‌شود.



نمایشگاه خوشنویسی در استانبول، آنها به خاطر هنرشان در خوشنویسی از سازمان کلتورسی اسلامی آنجا دعوت به نمایش جهان اسلام شدند



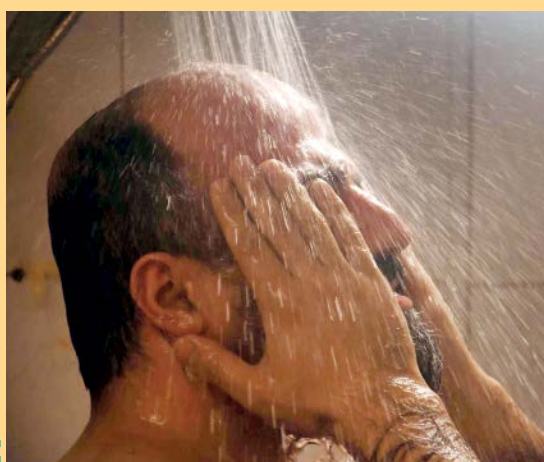
حجت‌ا... ابوبی، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران از شایعات ثبت هنر خوشنویسی توسط ترکیه می‌گوید

خط خطی مان نکنند!



و ناعدالتی برای همه!

گلایه‌های اخیر رهبری درباره فیلم‌های مساله‌دار مرتبط با دستگاه قضا، ناظر به چه نکاتی است؟



امید رحمانی، فرهنگ و هنر

اگرچه بخش مهمی از سینما، مبتنی بر قصه‌پردازی و سرگرمی است، اما نمی‌توان تأثیر و تأثرات آن در مواجهه با واقعیت‌های جامعه را نادیده گرفت. چه داستان‌هایی که با تکیه بر واقعیت بنا نشده و شکل‌نگرفته و چه واقعیت‌هایی که ما را یاد

فیلم‌هایی انداخته‌اند. پیرو همین تعریف، گاهی کلیت برخی فیلم‌ها می‌تواند به منزله یک نگاه و پیام تلقی شود. اگر هم این نگاه و رویکرد تداوم داشته باشد و در فیلم‌های دیگری تکرار شود، می‌شود سوال‌هایی را در این خصوص مطرح کرد و به تحلیل و بررسی و احیاناً آسیب‌شناسی آن پرداخت. در چنین مواقعی، دیگر توجیهاتی چون «این فقط یک فیلم است» چندان پذیرفته نیست و حتی می‌توان در نگاهی کارشناسانه و نظارتی، این آثار را به شکل جدی مورد پرسش قرار داد. چون اگر قائل به تأثیرگذاری سینما بر جامعه و مردم باشیم، ضررهای برداشت‌های نادرست و تعبیر و تفسیرهای خط‌جبران‌ناپذیر خواهد بود.

یکی از مصداق‌های این نگرانی، تصویر غالبی است که سینمای ایران خواسته یا ناخواسته درباره دستگاه قضای جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده و فراتر از نگاه متعده‌انه و دغدغه‌مند و دلسوزانه درباره کم و کاستی‌ها و اشتباهات موجود، پاس‌گل‌هایی را به دشمنان نظام داده و دشمن‌شاه شده‌اند.

فرمایشات اخیر رهبر معظم انقلاب و گلایه ایشان از تصویر بعضاً ناخوشایند دستگاه قضایی در برخی فیلم‌های ایرانی و مهم‌تر از آن انفعال حوزه‌های نظارتی در سینما، باردیگر قصور و کاهلی سینمای ایران در این زمینه را یادآوری کرد. رهبر انقلاب در گفت‌وگوی اخیر تصویری که با همایش سراسری قوه قضاییه که به مناسبت سالروز شهادت شهید بهشتی داشتند، در بخشی از فرمایشات خود فرمودند:

«متأسفانه با غفلت برخی مسؤولان مربوط در عرصه نظارت بر فیلم‌ها، شاهد نمایش فیلم‌هایی هستیم که اساس و مبانی قضایی جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برند. غربی‌ها برخلاف واقعیت، در فیلم‌های سینمایی، دادگاه‌های خود را عرصه عدالت محض نشان می‌دهند، ولی ما حتی در ارائه واقعیات کشور از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای بهره نمی‌گیریم و گاهی برعکس نشان می‌دهیم.»

چه نکته‌هایی در این گلایه رهبری نهفته است و سینمای ایران چگونه می‌تواند برای رفع آنها اقدام کند؟

ضدسیستم قضایی نظام نسخه می‌پیچد؛ روایتی که بسیار به مذاق غربی‌ها و مسؤولان جشنواره فیلم برلین هم خوش می‌آید و جایزه اصلی‌شان را تقدیم به این فیلم می‌کنند. در فیلم قسم ساخته محسن تانبنده هم شکل روایت طوری است که قسامه به عنوان یکی از راه‌های اثبات وقوع جنایت در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران، شکل رعب‌آوری پیدا می‌کند. وقتی هم در پایان معلوم می‌شود قاتل شخص دیگری است و آن ۵۰ قسم قرار بود سر بیگناهی را بالای دار ببرد، ناخوشایندی قسامه تشدید می‌شود.

در فیلم قصیده گاو سفید، ساخته بهتاش صناعی‌ها، خطای انسانی یک قاضی، بیگناهی را به کام مرگ می‌فرستد. این ایده اگرچه چالشی دراماتیک دارد و به درد قصه‌پردازی می‌خورد، اما قصاص و اعدام در ایران رازیر سوال می‌برد و به طور ضمنی عنوان می‌کند اگر چنین مجازاتی وجود نداشت، خطای انسانی قاضی در صدور مجازات اعدام هم اتفاق نمی‌افتاد. در همین باره دخترهای فریاد نمی‌زنند ساخته پوران درخشنده و من مادر هستم ساخته فریدون جیرانی، دختران جوانی با نیت مقابله با تجاوز، دست به قتل می‌زنند و هر دو در پایان قصه اعدام می‌شوند. روند محاکمه و حکم‌نهایی طوری است که تماشاگر را متأثر می‌کند و او را به لحاظ حسی، مقابل قانون مجازات اسلامی قرار می‌دهد.

عدالت محض غربی‌ها در سینما!

هرچند فیلم‌های شاخصی را در سینمای جهان سراغ داریم که ظاهراً بی‌عدالتی را هم در فیلم‌ها به نمایش گذاشته‌اند نظیر مسیر سبز و عدالت برای همه، رقصنده در تاریکی، کشتن مرغ مقلد و پایپون، اما حتی در همین فیلم‌ها هم خوب‌های تمام‌عیاری را در سیستم قضایی به تصویر کشیده‌اند. نمونه بارز آن وکیل در دستکار و عدالت برای همه و وکیل سفیدپوست سفیدپوش کشتن مرغ مقلد که در دفاع از یک سیاهپوست بی‌گناه به آب و آتش می‌زند. با این حال برخی فیلم‌های غربی هم دادگاه‌های خود را برخلاف واقعیت و ناعدالتی موجود، عرصه عدالت محض نشان می‌دهند. در آقای لینکلن جوان، لینکلن وکیل برجسته‌ای است که با رفتار عدالتخواهانه در دادگاه‌های مختلف، راهش را برای موفقیت در آینده هموار می‌کند. در ۱۲ مرد خشمگین، با وجود رای ۱۱ نفر از اعضای هیات منصفه مبنی بر گناهکار بودن متهم، سرانجام زور یک نفر مخالف می‌چربد و متهم از اعدام رهایی می‌یابد. در دادگاه نورنبرگ که براساس محاکمات واقعی سران نازی ساخته شد، سعی در القای یک عدالت حقیقی می‌شود، اما بسیاری از همین قوانین بین‌المللی درباره جنایات جنگی که طی همین دادگاه به تصویب رسید، در ادامه به هیچ‌وجه رعایت نشد و روسیاهی داعیه عدالت ماند برای غربی‌ها، از این نمونه فیلم‌ها باز هم در سینمای غرب و آمریکا یافت می‌شود که قیافه حق به جانب و عدالتخواهانه می‌گیرند.

بی‌اعتنایی به ظرفیت دراماتیک

سینمای ایران، ظرفیت بالقوه و درخشان فیلم‌های دادگاهی را دست‌کم گرفته و معمولاً اگر سراغی هم از دادگاه و دستگاه قضا می‌گیرد، نگاه تخریبی و تقابلی دارد؛ درحالی‌که می‌توان برای تقویت سیستم قضایی و کمک برای مشکلاتی که بعضاً وجود دارد، قصه‌های تأثیرگذاری خلق کرد و موارد مثبت دستگاه قضا و احقاق حقوق و مبارزه قوه قضاییه با مفساد و جرایم مختلف را هم به تصویر کشید و ناامیدی مردم را به امید تبدیل کرد.

گلایه اخیر رهبری با این‌که ناظر بر فیلم‌هایی درباره دستگاه قضاست، اما می‌توان غفلت برخی مسؤولان در عرصه نظارت بر فیلم‌ها را به حوزه‌های دیگر نیز تعمیم داد و کلی‌تر به ماجرا نگریست. وقتی هر اثری با هر میزان از بدبینی یا بدخواهی پروانه ساخت می‌گیرد و بدون کنترل و نظارت دقیق و نگاهی مسامحه‌آمیز و چه بسا سهل‌انگاران مجوز اکران و پروانه نمایش دریافت می‌کند، فیلم‌هایی هم پیدا می‌شوند که اساس و مبانی قضایی نظام را زیر سوال می‌برند. آثاری به پهنه سرگرمی مردم، روانه پرده سینما می‌شوند که نشانی از پاکیزگی اخلاقی در آنها نیست و

مصداق‌های احتمالی گلایه

انتقاد رهبری به‌طور کلی انجام شد و نام فیلم خاصی به میان نیامد. هرچند برای یافتن مصداق‌های احتمالی این گلایه میان سینمایی‌ها که آثار چندانی در زمینه فیلم‌های دادگاهی و قضایی ندارد، می‌توان نمونه‌هایی را حدس زد. این فیلم‌ها البته الزاماً مصادیق هشدار رهبر انقلاب نیستند، اما نوع نگاه آنها به دستگاه قضا قابل تأمل است. بیشتر فیلم‌های دادگاهی در سینمای ایران، چندان نگاه سیاسی نداشته‌اند و اغلب پای قصه‌هایشان را با موضوعاتی چون طلاق یا قتل به دادگاه کشانده‌اند، اما فیلم‌هایی هم داشتیم که با تمرکز روی قصاص و اعدام، به مسیری رفته‌اند که بحث شرع و مبانی قضایی نظام را هم پیش کشیده‌اند. متنازرتین نمونه، فیلم شیطان وجود ندارد، ساخته محمد رسول‌اف است که به شکل علنی با اعدام و قصاص مخالفت می‌کند و در فیلمی تاریک، بدبینانه و یکسویه بدون این‌که به دلیل این اجرای قانون و علت مجرمیت و محکومیت مجازات شوندگان بپردازد،

هنری قائم‌مقام ۱۲ مرد خشمگین، مظهر عدالت آمریکایی است.



ضمایر [من]

فیلمنامه گلدایاتور
افتضاح بود

راسل کرو که جایزه اسکار بازیگری را برای فیلم «گلدایاتور» دریافت کرده، می‌گوید فیلمنامه‌اش افتضاح بود

یک فیلم تاریخی که ریدلی اسکات کارگردانی کرده باشد، راسل کروه و واکین فینیکس در آن بازی کرده باشند و نیز موسیقی فیلم را هانس زیمر ساخته باشد، حتما باید یکی از آثار باشکوه تاریخ سینمای جهان باشد، اما بازیگر اصلی فیلم و کسی که برای بازی در آن جایزه برده، می‌گوید فیلمنامه‌اش افتضاح بود.

راسل کرو اسکارش را سال ۲۰۰۰ میلادی برای بازی در فیلم گلدایاتور و در نقش فرمانده رومی، ماکسیموس دسیموس مریدوس دریافت کرد اما تا‌گهی‌ها گفته است، فیلمنامه این اثر افتضاح بود. این را سینما سینما به نقل از ایندیندنت، منتشر کرده و ماجرا از این قرار بوده که فیلم گلدایاتور-که ماه گذشته ۲۰ساله شد-بهبانه‌اش شد برای گفت‌گو با کرو. جیمی فالون، مجری و کم‌دین معروف نشسته رویه‌روی راسل کرو و درباره گلدایاتور حرف زده و کرو هم گفته این تجربه منحصر به فرد بوده است. این گفت‌وگو پیش رفته و رسیده به آنجا که راسل کرو، اظهار می‌کند فیلمنامه اولیه این اثر خیلی بد بوده است.

ستاره نقش ماکسیموس در این باره تصریح کرده: فیلمنامه اولیه خیلی بد بود. تهیه‌کننده نمی‌دانست **چرا** می‌توانم یک کپی از آن فیلمنامه را برای خودم بردارم، اما چیزی که او به من گفت این بود، نمی‌خواهم فیلمنامه را برایت بفروشم چون واکنشی نسبت به آن نشان نخواهی داد، اما می‌خواهم تو را برای ملاقات با ریدلی اسکات تشویق کنم.

در ادامه کرو درباره دیدارش با کارگردان فیلم توضیح می‌دهد: ریدلی اسکات خیلی آماده بود، او تصاویری را به من نشان داد که در آن دیگر مجبور نبود برای فیلمبرداری در کلوستوم کل آن را بسازد.

راسل کرو اوایل امسال نیز در مصاحبه‌ای گفت، ابتدا قصد داشته این نقش را رد کند، اما ریدلی اسکات او را برای بازی در فیلم متقاعد کرد. فیلم گلدایاتور را ریدلی اسکات براساس فیلمنامه‌ای از دیوید فرانزونی، جان لوگان و ویلیام نیکلسون کارگردانی کرد.

این فیلم هیچ دستاوردی اگر نمی‌داشت که داشت جایزه اسکار بازیگری را برای راسل کرو به ارمغان آورد و همین است که اظهارات او را عجیب جلوه می‌دهد.



صحت و آزادی‌ور با «لحظه‌ای و دیگر هیچ»

فیلمبرداری فیلم سینمایی «لحظه‌ای و دیگر هیچ» که خرداد ماه آغاز شده بود به پایان رسید. این فیلم به کارگردانی کاوه قهرمان و تهیه‌کنندگی سید غلامرضا موسوی تولید شده و رعنا آزادی‌ور، مهدی پاکدل، سروش صحت، نازنین فرحانی، مجید نوروزی، معصومه بیگی، مهدی بزرگ‌زاده، سعید آجرلو و مهلا عرب بازیگران آن هستند. / ایسنا



جایزه شهید سلیمانی در جشنواره تئاتر مقاومت

دبیر هفدهمین جشنواره سراسری تئاتر مقاومت از اهدای جایزه ویژه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در مراسم اختتامیه این جشنواره خبر داد. حمید نبلی در این باره گفت: قرار است این جایزه برای دوره‌های بعدی جشنواره تئاتر مقاومت نیز نهادینه و تثبیت شود و پس از این در پایان هر دوره از جشنواره، این جایزه ویژه به یک اثر برگزیده تعلق گیرد تا به نوعی ادای دین به این سردار آسمانی باشد. / مهر

حجت‌ا... ایوبی، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران از شایعات ثبت هنر خوشنویسی توسط ترکیه می‌گوید

خط خطی‌مان نکنند؟!



تصویر مربوط به برگزاری نمایشگاه آثار زنان کتابت قرآن دستی دارند در حالی که نستعلیق

چندی پیش رسانه‌های محلی ترکیه خبر دادند برای ثبت پرونده هنر خوشنویسی به عنوان میراث ناملموس این کشور در یونسکو اقدام کرده‌اند؛ خبری که باز هم برق از سر ما پراند و داغ دل‌ها را که هنوز از چند زخم قبلی مشابه سنگین بود، تازه کرد. حالا البته پس از گذشت چند روز از انتشار خبر اولیه در ترکیه، مسوولان وطنی می‌گویند آنها هم اقدام کرده‌اند و حتی ادعا می‌کنند پیش از ترکیه، پرونده را به یونسکو ارسال کرده‌اند. اما نمی‌دانیم چرا هر کاری می‌کنیم نمی‌توانیم چنین ادعایی را به راحتی بپذیریم، ما را ببخشید؛ زخم خورده سهیل انگاری‌ها و دست روی دست گذاشتن‌ها، محمدحسن طالبیان، معاون وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور چند روز پیش در گفت‌وگویی تلویزیونی این‌طور واکنش نشان داده: «اگر ترکیه پرونده میراث ناملموس خوشنویسی را هم تهیه کرده‌باشد برای سال ۲۰۲۰ مطرح نمی‌کند. ضمن این‌که فروردین امسال پرونده خوشنویسی ایران به یونسکو ارسال شد. خبری از قول دبلی صباح ترکیه نوشته شده که پرونده خوشنویسی را برای سال ۲۰۲۰ فرستاده‌اند، اما برای ما این موضوع مبهم بود. بلافاصله در سایت یونسکو نگاه کردیم و متوجه شدیم ترکیه در فهرست میراث جهانی سه پرونده دارد که یکی از آنها مشترک است و در بین آنها اصلاً خوشنویسی مطرح نیست. ممکن است این پرونده را تهیه کرده باشند، اما برای سال ۲۰۲۰ نیست. حتی فیلمی که برای خوشنویسی فرآئی و اسلامی وجود دارد مقدمه‌ماتی در وزارت فرهنگ آنهاست و همه اینها در حد یک خبر بوده است پس برای ۲۰۲۰ چنین پرونده‌ای ندارند. از طرف دیگر پرونده خوشنویسی ایران در ایام نوروز چهار پرونده دیگر به یونسکو فرستاده شده تا برای سال ۲۰۲۱ یا ۲۰۲۲ مطرح شود. هر کشوری بین دو تا سه سال یک سهمیه ملی دارد، پس اگر پرونده‌ای را می‌نویسیم برای آنهایی است که مشترک هستند. ما فرهنگ مشترک داریم. هر کشوری که روی یکی از این فرهنگ‌ها دست می‌گذارد، جزو پرونده‌های مشترک می‌شود. اکنون سهمیه ملی ما با پرونده یلدایا پرو و با پرونده خوشنویسی و زیارت رضوی فرستاده شده است». در این ارتباط ابتدا با حجت‌ا... ایوبی حرف زدیم، البته او خیال ما را تا حدودی راحت کرده و از نگرانی اولیه‌مان کاسته است، اما واقعا هنوز نمی‌توان نگران نبود. از همین رو رفته‌ایم سراغ چند پرونده ثبت میراث ناملموس فرهنگی در سال‌های اخیر که طی آنها ما با دیگر کشورها رقابت و بازی را واگذار کرده‌ایم یا هنوز موفق به ثبت نشده‌ایم. البته در این موارد، فقط آنها را مد نظر قرار داده‌ایم که به هنر و ادبیات ربطی داشته‌اند.



صابر محمدی

ادبیات و هنر

حجت‌ا... ایوبی

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران به جام جم می‌گوید: پروژه ثبت خوشنویسی در یونسکو را ترک‌ها کلید زده‌اند، نه برای ۲۰۲۰، نه برای ۲۰۲۱

بخت در بازی رسانه‌ای

حتی اگر ادعای معاون وزارت میراث فرهنگی درست هم باشد مبنی بر این‌که ادعای ترک‌ها درست نیست و ما چند ماه پیش، پرونده هنر خوشنویسی را برای ثبت به یونسکو فرستاده‌باشیم، سوال اینجاست چرا رقابت رسانه‌ای را در این باره واگذار کرده‌ایم؟ اگر در فروردین این پرونده را ارسال کرده‌ایم، چرا در رسانه‌ای کردن آن تعلل ورزیده‌ایم؟ مگر نه این است که بازی رسانه‌ای، بخش عمده و مهمی از رقابت‌هایی از این دست است؟ نشان به آن نشان که حالا ما به عنوان اهالی رسانه، وقتی به این ماجرا حساس شده‌ایم که بازی رسانه‌ای در رابطه با آن آغاز شده است، آن هم متأسفانه نه از سوی ما بلکه از جانب کشوری دیگر.

حالا هم مسوولان به جای پاسخگویی درباره این تعلل، در حال پاک‌کردن صورت‌مساله هستند. مثلا مصطفی پورعلی، دبیرکل دفتر ثبت آثار، حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی به هنرآنلاین گفته ثبت میراث ناملموس انحصاری نیست و هر کشوری که خوشنویسی دارد می‌تواند این هنر را ثبت کند. عجب!

ترکیه هم می‌تواند ثبت کند؟

ابتدا بیایید از همین پاسخ سهل‌انگارانه مدیر کل دفتر ثبت آثار شروع کنیم و واقعا ببینیم آنچه ترک‌ها به عنوان هنر خوشنویسی مطرح می‌کنند همین خوشنویسی مد نظر ماست یا نه؟ خب بدیهی است استانبول همواره یکی از مراکز هنر خوشنویسی بوده و هست، اما آنها بیشتر در خطوط نسخ و کتاتب قرآن کریم موفق عمل کرده‌اند و پیش از سده نهم و به قدرت رسیدن عثمانی نیز سابقه‌ای در این هنر ندارند. حالا این را در نظر بگیرید که بر هنرمندان خوشنویس جهان اسلام پوشیده نیست که قاعده‌مند کردن خطوط شش‌گانه، توسط ایرانیان صورت گرفته و نستعلیق و شکسته‌نستعلیق خطوط خاص ایرانیان است و خوشنویسی از ایران به جهان اسلام گسترش یافته و این شاگردان میرعماد (خوشنویس عهد صفوی) بودند که از هند تا مصر به پرورش شاگرد پرداختند. این را هنرمندان می‌دانند، اما ظاهرا مسوولان ما برای سرپوش گذاشتن بر کاهلی‌شان این را نمی‌دانند و می‌گویند ترکیه هم خوشنویسی دارد و هر کس خوشنویسی دارد می‌تواند آن را ثبت کند!

به یونسکو ربطی ندارد

حجت‌ا... ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران گفته باید خوشحال باشم که ترکیه به خط ایرانی و عربی بها می‌دهد و هر سال جشنواره بزرگ

خوشنویسی برگزار می‌کند. راستش را بخواهید ما از شنیدن این حرف‌ها از زبان مدیری فهمیده و کارگشته تعجب کردیم. البته می‌دانیم ترک‌ها از حب ما نیست که چنین می‌کنند، بلکه می‌خواهند این هنر را مصادره کنند به نام خودشان.

حالا البته ایوبی پس از این‌که در ابتدا می‌گوید نمی‌خواهد در این باره حرف بزند، نهایتا در گفت‌وگو با جام جم نکته دیگری می‌گوید. او می‌گوید: «اساسا ثبت هنر خوشنویسی به نام ترکیه مطرح نبوده است و این ماجرا هنر خوشنویسی مربوط نیست. این ماجرا ربطی به یونسکو ندارد. ترک‌ها به سازمان کنفرانس اسلامی پیشنهاد داده‌اند که یکی از شهرهایشان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شود ظاهرا با عنوان خوشنویسی. انتخاب پایتخت فرهنگی که چند شهر ما نیز پیش از این به عنوان رسیده‌اند، مربوط به سازمان کنفرانس اسلامی است. این‌که این سازمان به خاطر خوشنویسی، مثلا استانبول را به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در فلان سال اعلام کند به معنای ثبت خوشنویسی به عنوان میراث فرهنگی کشور ترکیه نیست. اینها دو مقوله متفاوتند. پروژه ثبت خوشنویسی در یونسکو را آنها مطرح نکرده‌اند، نه برای ۲۰۲۰، نه برای ۲۰۲۱. خبر نادرست است.»

به ایوبی می‌گوییم چرا بازی رسانه‌ای را همیشه می‌بازیم؟ چرا ما که می‌گوییم فروردین ماه پرونده تقاضای ثبت را ارسال کرده‌ایم، ماجرا را رسانهای نکرده‌ایم در حالی که ترک‌ها که ما ادعا می‌کنیم ثبت نکرده‌اند حالا می‌گویند اقدام کرده‌اند؟ چرا همان فروردین ماه اعلام نکردیم. دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران در این باره معتقد است نباید اعلام رسانه‌ای شود: «هنر خوشنویسی ما در لیست انتظار قرار گرفته به عنوان اقدامات پاسدارانه برای این هنر. بقیه اخبار و حرف‌ها باید بماند برای موقع ثبت.»

به آقای دبیرکل می‌گوییم حرف شما درست است! گیریم که ترکیه نه به یونسکو بلکه به سازمان کنفرانس اسلامی چنین درخواستی داده... پروژه‌های مشابه نشان می‌دهد که کشورهای همسایه ابتدا چنین خیزهایی برمی‌دارند و سپس وارد رقابت اصلی می‌شوند؛ رقابتی که ما در دهه اخیر کمتر از آن پیروز بیرون آمده‌ایم.

خواندنی

گورکن در شانگهای

فیلم سینمایی «گورکن» به کارگردانی کاظم ملایی به بیست و سومین جشنواره فیلم شانگهای در کشور چین دعوت شد. این جشنواره پس از تغییر تاریخ به دلیل شیوع ویروس کرونا قرار است در تاریخ جدید ۱۸ تا ۱۷ جولای (۲۸ تیر تا ۶ مرداد) برگزار شود و گورکن در بخش استعدادهای جدید آسیایی این جشنواره نمایش خواهد داشت. / جام جم دبلی

عدد اول

دوربین اولین فیلم رنگی سینمای ایران

یک دوربین ۸۰ ساله که اولین فیلم رنگی سینمای ایران را با آن فیلمبرداری کرده‌اند در موزه سینما به نمایش درآمده است. این دوربین اوریکون ۱۶ میلی‌متری ساخت آمریکابری تولید فیلم «گرداب» نخستین فیلم رنگی سینمای ایران ساخته حسن خرمند در سال ۱۳۳۱ استفاده شده و عنایت... فمین به عنوان فیلمبردار از آن استفاده کرده است. / مهر

عدد دوم

انتشار کتاب شعری درباره شهید سلیمانی

کتاب شعری منتشر شده به نام «ققنوس قدس» که شعرهایی درباره سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی را شامل می‌شود. علی داوودی و کاظم رستمی آن را گردآوری کرده‌اند و انتشارات خط مقدم آن را منتشر کرده است. کتاب ۱۲۶ صفحه دارد و شعرهایی با قالب‌های متفاوت از محمدرضا طهماسبی، علی داوودی، علیرضا قزو و مهدی جهاندار در آن به چشم می‌خورد. / ایسنا

سینمای جهان [راش]

بازگشت «بیگانه» با حال و هوای تازه

طرح‌های تازه ریدلی اسکات برای احیای فیلم موفق خود

شکوفایی دوباره بیگانه را مطرح کرده است. این در حالی است که حدود ۳۵ سال از زمان نمایش عمومی اولین قسمت این درام پرتنش ترسناک می‌گذرد. با این وجود، فیلمساز کهنه‌کار انگلیسی بر این باور است که این داستان را می‌توان در اشکال جدیدی تعریف کرد. ظاهرا تلاش‌های او در زمان ساخت «پرومتیوس» در سال ۲۰۱۲، کافی نبوده و او حالا قصد دارد تلاش متفاوت دیگری انجام دهد.

اسکات در گفت‌وگو با رسانه‌ها چنین می‌گوید: «هنوز هم به این مجموعه فکر می‌کنم و تصورم بر این است که مقدار زیادی مسافت پیموده نشده در داستان این فیلم وجود

اگر یک مجموعه فیلم سینمایی هم بین منتقدان و هم بین تماشاگران محبوب است، پس می‌توان دست به احیای دوباره آن زد و با حال و هوایی تازه و متفاوت، آن را بازخوانی کرد. این همان اتفاقی است که قرار است برای اکشن علمی-تخیلی و دلهره‌آور «بیگانه» ریدلی اسکات بیفتد. این روزها که هنرمندان خانه‌نشین شده و در قرنطینه به سر می‌برند، زمان خوبی برای فکر کردن به ایده‌های تازه است. اسکات ۸۲ ساله هم بی‌کار ننشسته و ایده‌ها و احیا

کیک‌ووس زیاری

سینمای جهان



منتشر کرده‌اند. برای مثال، قبل از شیوع کرونا قرار بود اسکات درام تاریخی «آخرین دوئل» براساس فیلمنامه بن افلک و مت دیمن جلوی دوربین ببرد. او بازیگران فیلم (دیمن، افلک، آدام درایور و جودی کومر) و محل‌های فیلمبرداری را هم انتخاب کرده بود، اما کرونا مثل تمام چیزهای دیگر، تولید آخرین دوئل را نیز در هاله‌ای از ابهام فرو برد. داستان مجموعه دلهره‌آور بیگانه، درباره یک موجود بیگانه فضایی است که سرنشینان یک سفینه فضایی را از بین می‌برد و تلاش می‌کند مکان امنی برای تخم‌هایی فراهم کند، که هر یک می‌توانند تبدیل به یک موجود بیگانه فضایی برحوم و آدمکش شوند. فیلم اسکات خیلی زود الهام بخش تعداد زیادی فیلم دیگر شد که در آنها موجوداتی شبیه بیگانه‌های فضایی فیلم او، دست به کشتار آدم‌ها در فضای لایتناهی می‌زنند. / هالیوود ریپورتر

عصر طویلیگی در راه است

نمایش «عصر طویلیگی» به نویسندگی علیرضا غفاری، تولید جدید گروه تئاتر «سولو» به طراحی و کارگردانی عماد سالکی برای اجرا آماده می‌شود.تمرین این نمایش سال گذشته به دلیل اعمال محدودیت‌های کرونایی و تعطیلی سالن‌های نمایشی متوقف شده بود. امیر کاوه آهنین جان به همراه نادیا حسام، مجری طرح و مشاوران کارگردان نمایش عصرطویلیگی هستند. / مهر



نشاط فضای اجتماعی با سرامیکا!

مدیرکل دفتر هنرهای تجسمی در نشست خبری یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران، برگزارچی چنین رویدادی را برای بهبود فضای اجتماعی و ایجاد نشاط عمومی مفید دانست. دیروز هادی مظفری توضیح داد: با کاهش شیوع کرونا شاهد دوسالانه سرامیک و مجسمه‌سازی خواهیم بود. دوسالانه ملی سرامیک ایران از ۹ تا ۱۷ آذر در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. / جام جم دیلی



فرهنگ

ادبیات و هنر

جدا

ضمایر [اوا]

وقت قهوه قجری

نیست

آتیلا پسپانی اجرای نمایشی را که پیش از شروع ویروس کرونا روی صحنه بود به بعد موکول کرد

زمستان ۹۸ قبل از این‌که ویروس کرونا از راه برسد و ترمز جهان را بکشد، سینما می‌رفتیم، کنسرت‌ها برقرار بود و نمایش‌هایی روی صحنه بودند از جمله «قهوه قجری» که آتیلا پسپانی بعد از ۲۰ سال دوباره آن را به صحنه برده بود، اما کرونا آمد و خیلی چیزها متوقف شد از جمله این نمایش.

حالا که خبرهایی از بازگشایی سالن‌های سینما و تئاتر به گوش می‌رسد، امید بود که نمایش قهوه قجری دوباره به صحنه برود، اما سرانجام پس از مدتی بررسی و گفت‌وگو با اداره کل هنرهای نمایشی، آتیلا پسپانی به این نتیجه رسید که اجرای تئاترش را به زمانی دیگر موکول کند.

او این نمایشنامه را با نگاهی به هملت ویلیام شکسپیر نوشته و نوید محمدزاده، هوتن شکیبا، اصغر پیران، نوید جهان‌زاده و روح ... حق‌گوی لسان بازگراش هستند.

امیرحسین دوانی که در این نمایش به عنوان دستیار کارگردان حضور دارد به ایسنا گفته است، اجرای نمایش فعلا منتفی است و ترجیح می‌دهند آن را به زمانی دیگر که شرایط بهتر شده باشد، موکول کنند. دوانسی با اشاره به پروتکل اداره کل هنرهای نمایشی

برای بازگشایی تئاتر در دوران کرونا گفت: در این پروتکل اعلام شده نیمی از ظرفیت سالن باید خالی بماند، ولی هیچ‌کس مسؤولیت زبانی را که به گروه‌ها وارد می‌شود، به عهده نمی‌گیرد. بیشتر مذاکراتی در مورد کسر بخشی از ۲۰ درصد سهم انجمن هنرهای نمایشی از فروش این نمایش، کمک هزینه اجرا و خسارت کرونا برقرار بود، ولی هنوز در این موارد به نتیجه قطعی نرسیده‌اند و اگر و اماهای بسیار دارند. از آنجا که با تصمیمات قطعی اداره کل هنرهای نمایشی درباره جبران خسارت گروه‌های تئاتری روبه‌رو نیستیم، بهتر دیدیم اجرای خود را به زمانی دیگر که شرایط بهتری وجود داشته باشد، موکول کنیم.

این چنین شد که قهوه قجری به زمانی دیگر موکول شد؛ لایند به زمانی که ویروس کرونا غلبه کرده باشیم یا راهی پیدا شود که تمام سالن پر شود از تماشاگر.

با آغاز دوباره کنسرت‌ها شوک بزرگی به علاقه‌مندان موسیقی پاپ وارد شده است؛ پلیت ۲۶۵ هزار تومانی!

۳۳

با آغاز دوباره کنسرت‌ها شوک بزرگی به علاقه‌مندان موسیقی پاپ وارد شده است؛ پلیت ۲۶۵ هزار تومانی!

باز سرگیری کنسرت‌ها در دوران پسا کرونا، مردم با افزایش چشمگیر قیمت بلیت اجراهای موسیقی روبه‌رو شده‌اند

جبران از جیب مردم!



۳ بهار سال ۹۸ بود که قانونی در مجلس تصویب شد با این مضمون که ۱۰ درصد از درآمد اجراهای صحنه‌ای به نفع دولت کسر خواهد شد. این مسأله با حواشی و عکس‌العمل‌های فراوان از سمت جامعه موسیقی روبه‌رو و سبب شد که تهیه‌کنندگان قیمت بلیت کنسرت‌ها را افزایش دهند تا این برداشت ۱۰ درصدی دولت از کنسرت‌ها را جبران کنند. پس از مدتی با بالا رفتن اعتراضات و عواقب بدی که این تصمیم به همراه داشت، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد اعلام کرد که اجراهای موسیقی ایرانی، موسیقی نواحی و موسیقی کلاسیک را از قانون کسر ۱۰ درصد جدا می‌کند. بهار امسال نیز برای مخاطبان موسیقی خالی از خبر بد نبود. موسیقی، بهاری بی‌کنسرت را پشت‌سر گذاشت و در عین حال اتفاق چندانی هم در حوزه تولید و انتشار قطعات تازه روی نداد. اما در تازه‌ترین اتفاقی که خاطر مخاطبان موسیقی را آزرده، رونمایی از قیمت جدید بلیت کنسرت‌هاست که به نوعی به جامعه موسیقی شوک بزرگی وارد کرده. در این گزارش چگونگی، علت یا علت‌های این پدیده را بررسی کرده‌ایم.



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

هر دقیقه ۳۰۰۰ تومان!

به‌تازگی در سایت‌های فروش بلیت کنسرت‌های موسیقی، خبر برگزاری چهار اجرای زنده در تالار وزارت کشور اعلام شده است. نزدیک‌ترین این اجراها از حیث زمانی، کنسرت ۲۵ تیرماه فرزاد فرزین و اجرای بعدی کنسرت محسن ابراهیم‌زاده است که در تاریخ یکم مرداد برگزار خواهد شد. امید حاجیلی سومین اجرا را در دوم مردادماه روی صحنه می‌برد و در نهایت مهدی احمدوند ۱۹مرداد را برای اجرا در این تالار برگزیده است. از بین این چهار اجرا، بلیت‌فروشی کنسرت‌های «فرزاد فرزین» و «امید حاجیلی» آغاز شده و قرار است این دو خواننده در تاریخ‌های اعلام شده، دو ستائس اجرای زنده را روی صحنه ببرند. اما نکته جالب توجه قیمت اجراهاست. قیمت بلیت هر دوی این کنسرت‌ها، از ۷۰ هزار تومان تا ۲۶۵ هزار تومان اعلام شده است! سقف ۲۶۵ هزار تومان برای یک اجرای موسیقی (که به‌طور متوسط ۹۰ دقیقه زمان دارد) یعنی مخاطب این اجراها به طور تقریبی دارد هر دقیقه ۳۰۰۰ تومان (دو هزار و نهصد و چهل و چهار تومان) برای هر اجرای موسیقی پرداخت می‌کند! با شرایط مشابهی که در دو کنسرت وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود دو کنسرتی که هنوز قیمت‌هایشان اعلام نشده نیز همین رویه را در پیش بگیرند.

هرسال دریغ از پارسال

افزایش نامتعارف کنسرت‌های این دو خواننده به‌گونه‌ای است که اگر نسبت این افزایش قیمت را با آخرین کنسرت‌شان در سال گذشته بسنجیم، به عمق این رویداد و عواقب آن بیشتر پی خواهیم برد. قیمت بلیت آخرین کنسرت حاجیلی در سال گذشته در ۱۴ و ۱۵ اسفندماه در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران، از ۷۰ تا ۱۸۵ هزار تومان اعلام شده بود. آخرین کنسرت فرزاد فرزین در سال گذشته نیز مربوط به اجرای ۲۳ و ۲۴ اسفند در هتل اسپیناس پالاس است که قیمت پلیت

آن از ۶۰ الی ۱۹۰ هزار تومان مقرر شده بود. این یعنی افزایش ۸۰ هزار تومانی را در سال جدید شاهد بوده‌ایم. این در حالی است که محمد الهیاری، رئیس دفتر موسیقی چندی پیش در گفت‌وگویی در پاسخ به گمانه‌زنی‌های افزایش قیمت کنسرت چنین گفته بود: «در جلسه‌ای که دفتر موسیقی با مدیران سالن‌ها داشت، به این نکته که با پذیرش ۵۰ درصد از تماشاچی‌ها، درآمد سالن‌ها و برگزارکنندگان کنسرت و هنرمندان کاهش خواهد یافت، توجه کردیم. توافق شد که سالن‌ها برای اجاره‌بهای خود نسبت به سال گذشته تا ۵۰ درصد تخفیف قائل شوند و هیچ‌گونه افزایش قیمت بلیت نداشته باشیم تا مردم در شرایطی که هم بیماری کرونا هست؛ هم در مضیقه اقتصادی هستند، برای حضور در کنسرت انگیزه داشته باشند.»

تهیه‌کنندگان چه می‌گویند؟

محمد حسین توتونچیان، از تهیه‌کنندگان حوزه موسیقی چندی پیش در گفت‌وگویی درباره خسارت‌هایی که به موسیقی در چند ماه گذشته وارد شده است، چنین گفت: «نخستین گروه‌ها شرکت‌های برگزارکننده موسیقی هستند که از این راه کسب درآمد دارند و صدمات مالی بسیاری را متقبل شده‌اند و علی‌الظاهر تا به امروز مبلغی دریافت نکرده‌اند. ضرر دوم شامل خانواده هنرمندان است که از این طریق امرار معاش می‌کردند یعنی حداقل ۳۰۰ خانواده به صورت مستقیم و غیرمستقیم از درآمدهای حاصل از برگزاری کنسرت‌ها امورات زندگی خود را می‌گذرانند و همچنین تمام کسانی که در پشت صحنه برگزاری کنسرت هستند به‌صورت غیرمستقیم از گردش صنعت موسیقی محروم می‌شوند.»

از سویی دیگر طبق خبری که پیش از این اعلام شده بود، وجه تمامی بلیت‌های فروخته شده کنسرت‌های اسفند ماه به مردم

بیرون از ایران چه خبر است؟

به‌طور متوسط بلیت هر اجرای زنده موسیقی در کشورهای اروپایی ۹۶ دلار است که در مقایسه با بلیت تماشای یک فیلم در سینما (۹ دلار) ده برابر گران‌تر است. این نسبت در کشور ما نیز تا پیش از این در همین حدود بود (با در نظر گرفتن بلیت سینمای ۱۵ تا ۲۰ هزار تومانی و حداکثر بلیت ۲۰۰ هزار تومانی در کنسرت‌ها) اما بدون شک با افزایش قیمت کنسرت‌ها این نسبت به‌طور کامل برهم خواهد خورد.

همچنین با احتساب ۹۶ دلار برای هر اجرای موسیقی و نیز دلار ۱۹ هزار و ۵۰ تومانی (قیمت مصوب دیروز)، قیمت متوسط هر بلیت کنسرت در خارج از کشور یک میلیون و ۸۲۸ هزار و ۸۰۰ تومان خواهد بود، یعنی چیزی حدود هفت برابر قیمت کنسرت‌ها در کشور خودمان. اما باید دانست که حداقل حقوق یک کارگر در کشوری مثل آمریکا ۱۶۰۰ دلار است که با احتساب دلار ۱۹ هزار و ۵۰۰ تومانی (قیمت مصوب دیروز)، برابر ۳۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است که در مقایسه با حقوق دومیلیون و ۶۰۰ هزار تومانی یک کارگر در ایران، دارای نسبت ۱۲ برابر است! از این منظر به طور کل می‌توان گفت گرچه قیمت کنسرت‌ها در کشورهای خارجی چندین برابر کشور ماست، اما میزان درآمد مردم نیز در کشورهای مذکور با نسبت عجیب و غریبی از ایران بالاتر است. کارگری با درآمد دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی، اگر قرار باشد ۲۶۵ هزار تومان برای یک اجرای موسیقی هزینه کند، یعنی می‌بایست یک‌دهم درآمد خود را برای یک اجرای یک ساعت و نیمه از دست بدهد!

سکانس آخر: لغو غیرمنتظره بلیت‌فروشی‌ها!

البته دیروز خبری مبنی بر توقف بلیت‌فروشی کنسرت چهار خواننده یادشده منتشر شد. در این اتفاق ابتدا بلیت‌فروشی کنسرت امید حاجیلی به بخش «به‌زودی» سامانه انتقال و بلیت‌فروشی کنسرت سه‌خواننده دیگر نیز در این بخش قرار گرفت و به‌طور کامل حذف شد.

عدد سوم

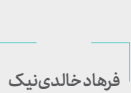
عکس‌های درخت گردو

فرصت کمی نیست، اما تا چشم بگذارید تمام می‌شود؛ فقط تا ۲۳ تیرماه فرصت دارید که به خانه هنرمندان بروید و عکس‌های فیلم سینمایی درخت گردو که محمدحسین مهدویان ساخته را ببینید. این عکس‌ها را مجید طالبی گرفته و از سالروز بمباران سردشت در گالری زمستان خامه هنرمندان به نمایش گذاشته شده‌است.

سینما [نقد]

نگاهی به فیلم سینمایی «کشتارگاه» ساخته عباس امینی

ظرفیت ازدست‌رفته



فرهاد خالدي نیک

سینما

۳ «کشتارگاه» شروعی میخکوب‌کننده دارد. قضیه پیدا کردن جنازه‌ها و انتقال و دفن شبانه آنها به‌سرعت بیننده را وارد فضایی سرشار از تعلیق می‌کند. تعلیقی که انتظار می‌رود به کل زمان فیلم سرایت کند چراکه مشاهده همان چند سکانس آغازین، از وجود پتانسیلی مناسب جهت بسط و گسترش ماجرا حکایت می‌کند. با این حال هرچه از زمان فیلم می‌گذرد، نه‌تنها توقعات بحق ایجاد شده برآورده نمی‌شود بلکه قصه فیلم و مسیر شخصیت اصلی‌اش وارد وادی دیگری شده به‌طوری‌که تغییر و چرخش شخصیتی قهرمان فیلم یکی از نشانه‌های ضعف در فیلم‌نامه اثر به‌حساب می‌آید. امیر (امیرحسین فتحی) شخصیتی که در ابتدا جسور، رام‌نشدنی و مطالبه‌گر می‌نماید در ادامه تبدیل به کاراکتری مطیع و فرمانبردار می‌شود که به‌سادگی تن

به خواسته‌های جاه‌طلبانه متولی (مانی حقیقی) می‌دهد. شاید بتوان گفت مشکلات فراوان امیر در ماجرای پناهندگی‌اش به فرانسه، از او شخصیتی چنین سست و شکننده ساخته است ولی فیلم جز چند دیالوگ کوتاه، اطلاعاتی برای درک و تحلیل بهتر موضوع در اختیار مخاطب قرار نمی‌دهد.

از سوی دیگر فیلم به جای تمرکز بر شخصیت‌های اصلی و دغدغه‌های آنها، سراغ موضوعات و داستاتک‌های دیگری نظیر قاچاق گوسفند زنده به کشورهای همسایه، سوداگری در بازار ارز و زیاده‌خواهی‌های آدم‌هایی نظیر متولی می‌رود. وقتی فیلم به سکانس پایانی می‌رسد گویی از فصل ابتدایی به پایان‌بندی پرتاب شد‌ایم و در پرده دوم و بخش‌های میانی، چیز دندان‌گیری نصیب‌مان نشده‌است. هرچند سکانس پایانی نیز به‌نوبه‌خود عجیب و سوال‌برانگیز به‌نظرمی‌رسد، چه این‌که در صحنه‌ای از فیلم، شاهد معدوم کردن دستگاه ضبط تصاویر دوربین مداربسته کشتارگاه توسط متولی هستیم و از نقطه‌نظر سایر شخصیت‌های فیلم، دلیلی مبنی بر خطا کار بودن وی در قتل هاشم و پسرعموهایش به چشم نمی‌آید. این‌که سرآخر همه شخصیت‌های اصلی و فرعی فیلم، متولی را مقصر دانسته و برای ازمیان برداشتن او به نوعی متحد می‌شوند، نکته جیبیی

شنیدنی

روزی روزگاری ایران همراه با افغانستان

فیلمبرداری فیلم سینمایی «روزی روزگاری ایران» محصول مشترک سینمای ایران و افغانستان آغاز شد. این فیلم به نویسندگی و کارگردانی غلامرضا جعفری و تهیه‌کنندگی امیر زمستانی و غلامرضا جعفری در تهران تصویربرداری می‌شود و داستان خانواده‌ای افغان را که در یک ویلا سرایدار هستند، روایت می‌کند. / مهر



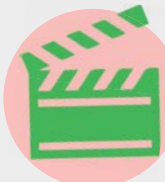


«راننده و روباه» در جشنواره روسیه

فیلم مستند «راننده و روباه» به کارگردانی آرش لاهوتی، از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی مستند «فلاهرتینا» روسیه روی پرده می‌رود. مسؤلان و برنامه‌ریزان جشنواره «فلاهرتینا» فیلم‌هایی که موفق به دریافت جایزه بزرگ «نانوک طلائی» این فستیوال شده‌اند را یک مجموعه ویژه به نمایش می‌گذارند. / ایرنا

«چرت و پرت» بهترین انیمیشن جشنواره فیلم هند

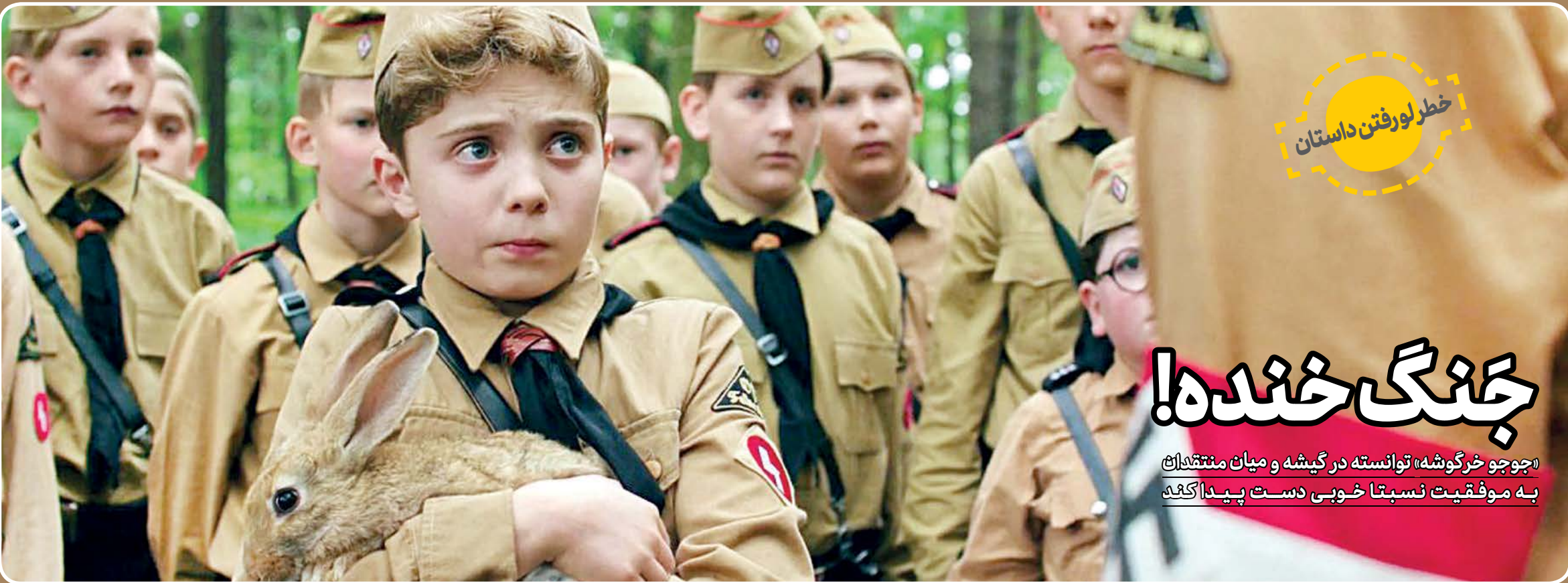
اولین جشنواره بین‌المللی فیلم هند در مورد ویروس کرونا به صورت مجازی در ایالت اودیسای هند برگزار شد و در مجموع ۲۰ اثر از ۲۳ کشور جهان در این جشنواره به رقابت پرداختند. هدف از برگزاری این جشنواره تبادل تجربه، دانش، اطلاعات و ایده‌های فیلمسازان سراسر دنیاست. استاپ‌موشین «چرت و پرت» قسمت «درخانه‌بمانید» به کارگردانی رامین‌المحمدی برنده بهترین کارگردانی و انیمیشن برتر این جشنواره بین‌المللی شد. / ایرنا



خطر لورفتن داستان

جنگ خنده!

«جوو خرگوشه» توانسته در گیشه و میان منتقدان به موفقیت نسبتاً خوبی دست پیدا کند



رومن گریفین دیویس در نمایشی از جوو خرگوشه

کیکاووس زیاری

سینمای جهان

صنعت سینما سال‌هاست که درام‌های جنگی تولید می‌کند. نه تنها دو جنگ بزرگ جهانی اول و دوم که بسیاری از جنگ‌های منطقه‌ای (و به‌ویژه جنگ ویتنام) همیشه سوژه‌هایی مناسب برای فیلمسازان و تهیه‌کنندگان بوده‌اند. هنرمندان در کارهای جنگی خود با سرآغ بیان واقعیت‌ها و مصیبت‌های جنگ رفته‌اند یا سرآغ اکشن‌سازی و قهرمان‌پروری. هر دوی این نوع فیلم‌ها هم اغلب مواقع، با برخورد مثبت تماشاگران و استقبال آنها همراه بوده است. بی دلیل نیست که بسیاری از منتقدان می‌گویند صنعت سینما باید ممنون جنگ‌افروزان جهانی باشد، چرا که آنها خوراک خوبی برای تولید محصولات سالانه آنان فراهم کرده‌اند! نگاه هنرمندان به جنگ‌ها و مصائب آن، متفاوت و متنوع بوده است.

در حالی که برخی تنها به آتش‌افروزی روی پرده سینما و نمایش کشت و کشتار آدم‌ها پرداخته‌اند، گروهی دیگر جنگ را بهانه‌ای برای ارائه پیام‌های ضد جنگ و صلح‌طلبانه‌شان قرار داده‌اند. در این بین، البته جای چیزی به نام کمدی جنگی خالی بوده است. اما در چند سال اخیر، فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان سرآغ تعریف جنگ به زبان تازه‌ای رفته‌اند. این نگاه و تعریف تازه، گرچه هنوز به طور کامل جا نیفتاده، اما با استقبال منتقدان و تماشاگران روبه‌رو شده است.

«جوو خرگوشه» یکی از همین فیلم‌هاست که رویکردی متفاوت به رویدادهای جنگ جهانی دوم دارد. این نگاه تازه، داستان و روایت خود را به زبانی طنز و کمدی بیان می‌کند. این زبان کمدی در حالی برای فیلمی جنگی به کار گرفته شده که نام جنگ مترادف با ویرانی، خرابی و قتل عام مردم بی‌گناه است. اما به نظر می‌رسد حتی در دل چنین ویرانی و خرابی می‌توان رگه‌هایی از طنز و خنده را پیدا کرد و این کاری است که تایکا وایتیتی، کارگردان جوو خرگوشه انجام داده است. البته قبل از او چند فیلمساز دیگر هم تلاش‌هایی در ارائه یک کمدی جنگی داشته‌اند، اما با موفقیت زیادی همراه نبوده است. مهم‌ترین آنها «کج» ۲۲ «مایک نیکولز در اواسط دهه ۷۰ میلادی است که نگاهی طنزآمیز به رخدادهای جنگ ویتنام داشت. جالب این که، این فیلم (که داستانش را از یک نول بسیار موفق و پرخواننده گرفته بود) به تازگی توسط جورج کلونی به صورت یک مینی‌سریز تولید شده است.

آخرین روزهای جنگ

جوو خرگوشه داستان آخرین روزهای جنگ جهانی دوم را تعریف می‌کند و جوو یک پسر بچه کوچولو (رومن گریفین دیویس) را در محور ماجراهایش دارد. او عضو سازمان جوانان حزب نازی است و با مادر مجردش (اسکارلت جوهانسون) زندگی می‌کند. جوو بی‌دست و پا در روپاهایش هیتلر (تایکا وایتیتی) را به عنوان دوست خیالی خود دارد. هیتلر مدام در حال شست‌وشوی مغزی جوو و بچه‌های هم‌سن‌وسال اوست. جوو دنیا را از دریچه چشمان پیشوا می‌بیند و اهمیت چندانی به واقعیت‌های زندگی روزمره نمی‌دهد.

مادر جوو که پنهانی با نهضت مقاومت همکاری دارد، دختر نوجوانی را در گوشه‌ای از خانه پنهان کرده است. دوستی جوو با دختر، نگاه او را به زندگی کم‌کم تغییر می‌دهد و اعدام مادر به خاطر همکاری با نیروهای ضدفاشیست، چشمان پسر بچه را به روی واقعیت‌های تلخ محیط پیرامونش باز می‌کند. با ورود ارتش شوروی به آلمان و سقوط حزب نازی، جوو و دختر بچه و بقیه اهالی شهر، جشن می‌گیرند. لحن شوخ‌طبعانه فیلم، با تصویر کاریکاتورگونه‌ای که از هیتلر ارائه می‌شود تکمیل می‌شود. هیتلر وایتیتی شباهت بسیار زیادی به هیتلر «دیکتاتور بزرگ» چارلی چاپلین دارد. این در حالی است که بقیه افسران اس‌اس هم حال و هوایی شبیه پیشوای خود دارند و یک جوهرایی مست و ملنگ به نظر می‌رسند. اما با وجود چنین شخصیت‌پردازی شوخ و شنگی، صحنه‌های اعدام و درگیری نیروهای اس‌اس با مردم عادی و مبارزان به وفور در داستان فیلم دیده می‌شود. تمام آدم‌های معمولی داستان فیلم، تیپ هستند و در این میان، تنها مادر جوو و دختر بچه هستند که تیپ به نظر نمی‌رسند. فیلمساز با کمک همین تیپ‌سازی است که موفق می‌شود به تدریج لحن داستان را عوض کرده و از طنز و شوخ‌طبعی، به طرف تلخی و درد و رنج ببرد. هر فیلمی که درباره جنگ و مصائب آن ساخته می‌شود، هر قدر هم شوخ باشد در نهایت به تلخی می‌رسد و جوو خرگوشه هم از این امر مستثنا نیست. اما تغییر لحن فیلم، آن‌گونه نیست که تماشاچی انتظار دارد و وایتیتی غافلگیری‌های زیادی برای تماشاگرانش دارد. او با اتفاقاتی که برای شخصیت‌های داستان فیلمش می‌افتد، مدام به تماشاچی یادآوری می‌کند که با وجود فانتری سرشار داخل داستان، قرار نیست واقعیت‌های تلخ ماجرا نادیده گرفته شوند. زمانی که وایتیتی در اوایل سال ۲۰۱۸ اعلام کرد قصد کارگردانی کمدی درامی جنگی با محوریت شخصیت

اسکارلت جوهانسون، درباره جوو خرگوشه می‌گوید:

نقش و حس و حال مادرانه

پیدا کنند. برای من بازی در داستان ازدواج و جوو خرگوشه، نوعی انجام وظیفه در مقام یک مادر بود. تا پیش از این، در هیچ فیلم سینمایی نقش یک مادر را بازی نکرده و فرزند روی پرده سینما نداشتم. احساس می‌کردم وقت آن رسیده که چنین اتفاقی بیفتد و ناگهان می‌بینید که پشت سر هم در دو فیلم ظاهر می‌شوم که در آنها فرزندان ۱۰ و ۱۱ ساله دارم. باید بگویم بسیار راضی و خوشنودم که بخشی از این فیلم‌های خانوادگی هستم.

بازی در چنین نقش‌هایی راضی‌تان می‌کند؟

تصورم بر این است که برای بازیگران راه‌هایی وجود دارد که خودشان را به سمت و سویی ببرند که نیازمند آن هستند. مادر شدن به من کمک کرد که خودم را بهتر بشناسم و تقسم را در دو فیلم جدید بهتر درک و بازی کنم. با هر دو نقش در فیلم‌های تازه، احساس همراهی و همدردی می‌کنم. در داستان ازدواج، او مادری است که عاشق بازیگری است. او را موجود و شخصیتی دوست‌داشتنی می‌دیدم که تلاش دارد به زندگی خانوادگی و هنری‌اش سروسامانی بدهد. فضای حاکم بر جوو خرگوشه تلخ و محنت‌زاست. اما شخصیت من در آن، آدمی سرزنده و امیدوار است که در تضاد با آن فضای کلی قرار می‌گیرد. برآیم تلاش این شخصیت که می‌خواست در دل آن همه مصیبت پیام امید و شادایی بدهد، بسیار ارزشمند بود.

برای بازی در این نقش، مشاوره زیادی با کارگردان داشتید؟

خیلی زیاد! من و وایتیتی خیلی درباره گذشته شخصیت صحبت کردیم و این که چه مسیری را تا اینجا طی کرده است. در شروع جنگ، این زن در میانه زندگی خود قرار دارد و مهم بود تصور دقیقی از تفکرات او را در چنین زمانی داشته باشم. انرژی بسیار زیاد این شخصیت از میل او برای محافظت از فرزندش در یک دنیای سرشار از ترس ناشی می‌شود. مادر شدن هم کمک زیادی برای درک بهتر نقش کرد. شاید اگر جوو خرگوشه را ده سال قبل بازی می‌کردم، نمی‌توانستم حس و حال امروز را وارد آن کنم. در حقیقت، مادر بودن الهام‌بخش من در ایفای نقش بود.

از آن دسته بازیگرانی است که هم منتقدان و هم تماشاگران بازی‌هایش را دوست دارند. اسکارلت جوهانسون بازیگری را از نوجوانی شروع کرد و خیلی زود تبدیل به یکی از چهره‌های مطرح روز سینما شد. در حالی که خودش را برای بازی در فیلم مستقل «پلک ویدو / بیوه سیاه» آماده می‌کند تا یک ایرقهرمان زن باشد، بازی در درام‌های مستقل را ادامه می‌دهد. در دو فیلم موفق چند ماه اخیر خود «داستان ازدواج» و «جوو خرگوشه»، نقش مادری را به عهده گرفت که درگیر مبارزات فردی و اجتماعی هستند و برای هر دو فیلم هم نامزد دریافت جایزه اسکار شد. جوهانسون که خود دختری پنج ساله دارد و این روزها یکی از گران‌ترین بازیگران سینماست، درباره حس مادر بودن و وظایف مادرانه حرف می‌زند و ارتباطش با سینما را توضیح می‌دهد.

در دو فیلم تازه، در نقش یک مادر متعهد و دلسوز بازی کرده‌اید. دلیل خاصی دارد؟

این وظیفه والدین است که از فرزندان خود حمایت کنند. در نیای واقعی کسی مثل جوو در خانه آدم وجود ندارد، اما بچه‌ها رویا بافی خودشان را دارند. باید آنها را فهمید و کمک کرد تا به وسیله رویاهایشان، واقعیت‌های زندگی را کشف و



چرا ظرف مرا بشکست؟!

تولید کمدی‌های جنگی چیزی شبیه حرکت روی لبه تیغ است. مگر می‌توان در جایی که فقط رگبار و شلیک گلوله است و بوی مرگ از آن می‌آید، خنده بر لبان تماشاچی آورد؟ به صورت طبیعی، جواب منفی است. اما از دست صنعت سینما، هر چه بگوییم برمی‌آید! بر همین اساس است که نوع و گونه تازه‌ای از فیلم‌سازی رونق می‌گیرد که یک داستان جنگی را با لحنی شوخ و طنزآمیز تعریف می‌کند.

البته نباید انتظار داشت که فهرست بلندبالایی از فیلم‌هایی در این گونه سینمایی ارائه شود. چه در سینمای ایران و چه در سینمای جهان، جنگ همیشه نوعی قداست داشته و هرگونه شوخی و مزاج با رویدادها و رخدادهای آن، به نوعی تابو محسوب می‌شده است. اما با رضایتی که تماشاگران از این تابوشکنی داشته‌اند، می‌توان منتظر تولید تعداد بیشتری کمدی جنگی در آینده بود.

سینمای ایران هم از این نوع و گونه مهجور سینمایی، بی‌نصیب نمانده و سازنده چند کار موفق و پرسروصدا در این رابطه بوده است. چند سال قبل، کمال تبریزی در «لیلی با من است» (۱۳۲۴)، سرآغ این‌گونه رفت و داستان مردی را به تصویر کشید که برخلاف میل باطنی‌اش، سراز جبهه جنگ درمی‌آورد.

فیلمنامه فیلم در چهاردهمین دوره جشنواره فیلم فجر، جایزه بهترین فیلمنامه را گرفت. کمی بعد از او، مسعود ده‌نمکی که سابقه کار حرفه‌ای سینمایی نداشت

تأ آن زمان، او فقط دو مستند ساخته بود) و سردبیری یک هفته‌نامه را در کارنامه فرهنگی خود داشت، اولین فیلم بلند داستانی خود «اخراجی‌ها» (۱۳۸۶) را می‌سازد که نشان‌دهنده داستان گروهی از آدم‌های حاشیه‌نشین شهر است که مثل شخصیت اصلی داستان فیلم تبریزی، ناخواسته سراز جبهه‌های جنگ درمی‌آوند. استقبال تماشاگران از هر دو فیلم، بسیار بالا بود و آنها را تبدیل به دو تا از موفق‌ترین محصولات کل تاریخ سینمای ایران کرد.



اگر لیلی با من است و اخراجی‌ها نتوانستند نظر داوران جشنواره فجر را جلب کرده و جایزه اصلی آن یعنی بهترین فیلم سال را با خود به خانه ببرند، «صد گلوله» (۱۳۹۰) مصطفی کیانی هم به نوعی موفق به انجام این کار شد. این فیلم در سری دوره جشنواره فجر، دیپلم افتخار بهترین فیلم را از آن خود کرد. البته داوران جشنواره، جایزه بهترین فیلمنامه را هم به این فیلم دادند. داستان فیلم شباهت زیادی به لیلی با من است داشت و به نظر می‌رسد، جوابی‌ای به این فیلم بوده است. این فیلم هم جواب خوبی از مخاطبان خود در جدول گیشه نمایش سینماها گرفت، هر چند که نتوانست موفقیت کلان مالی آنها را تکرار کند. «پیک نیک» در میدان جنگ» (۱۳۸۳) به کارگردانی سیدرحیم حسینی هم، شخصیت‌هایش را روانه میدان جنگ می‌کند تا یکسری ماجراجویی‌های خنده‌دار خلق کند. اما این فیلم با بازی علی صادقی که از کمدین‌های سرشناس تلویزیونی است، در حد و اندازه سه فیلم ذکر شده نیست.



۱۴

امنیت غذایی؛ اسیر هیاهوی تبلیغات

در نخستین روز از چهاردهمین سال ورود آیفون به زندگی ما، ببینیم آیفون به عنوان پرچمدار گوشی‌های هوشمند چطور دنیای مان را زیر و رو کرد

این سیب ۱۳ ساله

۱۵



۱۶

در روز صنعت و معدن رفته‌ایم سراغ خانواده معدنچینی که زندگی شان سخت‌تر از کار در معادن زغال سنگ است

زندگی خاکستری

زندگی

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۹۳



۱۳ جام جم



info@jamejamdaily.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۲

بازنشسته - شرمنده

چهاری از اندیمشک: بازنشستگان برای تامین زندگی با مشکلات زیادی رو به رو هستند، چرا دولت‌ها فقط وعده حمایت از ما را مطرح می‌کنند؟ چرا ما باید جلوی فرزندان و نوه‌هایمان شرمنده باشیم؟

کرونا - مترو

اشکریز از تهران: چرا دولت و شهرداری برای افزایش ظرفیت مترو اقدامی نمی‌کنند؟ افزایش استفاده شهروندان از مترو امکان شیوع کرونا را دوچندان کرده‌است.

مرغ - پرواز

خسروی از خوزستان: سفره مردم هر روز کوچک‌تر می‌شود. قیمت مرغ به ۲۰ هزار تومان نزدیک شده‌است. مسؤولان مردم را فراموش کرده‌اند.

زاینده - رود

الطافی از اصفهان: حجم آب زاینده رود هر روز کاهش می‌یابد، کاش مسؤولان شرایطی ایجاد کنند تا زاینده رود همیشه جاری باشد.

گرما - بهداشت

خسروشاهی از تهران: با افزایش دمای هوا ماوران بهداشت باید بیشتر بر بازار نظارت کنند. کسبه بازار ماهی فروشان واقعا این مساله را رعایت نمی‌کنند و یخ کافی برای خنک نگه داشتن ماهی‌ها ندارند. این درحالی است که این مواد غذایی خیلی زود خراب می‌شود.

الوند - همدان

ایچازی از همدان: برخی افراد سودجو تصمیم دارند با تخریب دامنه کوه الوند پولی به جیب بزنند. از مسؤولان تقاضا دارم با نظارت مانع تخریب منابع طبیعی کشور شوند.

شهرداری - آسفالت

بیگلری از تهران: شهرداری خیابان‌هایی را که به دلیل فاضلاب کنده شده به حال خود رها کرده‌است. برای نمونه آسفالت ضلع جنوبی خیابان میرداماد مدتی است کنده شده، اما برای ترمیم آن اقدامی نشده‌است.

سرعت - اینترنت

محمدی از بیرجند: سرعت اینترنت در بیرجند واقعا مناسب نیست، چرا مسؤولان نظارتی بر شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات اینترنت ندارند؟ این شرکت‌ها با تبلیغات کذب سر مشتری‌ها کلاه می‌گذارند.

مدیرکل دفتر حفظ و بهسازی منابع دریایی شیلات در گفت‌وگو با جام جم به ضعف این سازمان در نظارت بر آشفته بازار صید اعتراف می‌کند

آبزیان در محاصره ۱۶ هزار قایق غیرمجاز



فروردین‌یشت بیشتر شده، اساسا نباید از این یگان انتظار داشت که بتواند با تخلفات حوزه صیادی برخورد کند. او در میان صحبت‌هایش به آمار مهم دیگری نیز اشاره می‌کند و می‌گوید از حدود ۷۲۰ هزار تن صید جنوب کشور در سال گذشته، حداقل ۱۵۱ هزار تن آن سهم صیادان غیرمجاز بوده‌است. شاهی‌فر البته قصور سازمان شیلات در برخورد با تخلفات حوزه صیادی را می‌پذیرد، اما در این باره توپ را به زمین نهادهای دیگر از جمله دادسراهای شهرهای ساحلی و دریایی نیروی انتظامی نیز می‌اندازد.

اما جایی نیست که همیشه بر آن نظارت داشته باشیم. چون اصولا نظارت بر بازارهای ماهی‌فروشی تهران جزو شرح وظایف ما نیست. همچنین من در اداره خود مجموعا سرپرست ۷ نیروی دیگر هستم. یعنی اساسا نیرویی ندارم که بخواهم به این بازارها سربرزم.

اما به نظر می‌رسد که حتما لازم است سازمان شیلات متخلفان نیز باعث گسترش این تخلفات شده‌است. به طور مداوم به این بازارها سربرزم. بله، من هم موافقم که باید نظارت قوی‌تری بر بازارهای ماهی‌فروشی وجود داشته باشد. اما باید توجه داشت مهم‌ترین مشکلی که باعث ایجاد این ضعف نظارتی شده، کمبود نیروی انسانی است، مثلا همین یگان حفاظت سازمان شیلات ۶-۵ کارمند در تهران دارد.

متخلفان سازمان شیلات در سال ۹۸، از حدود ۲۰ هزار تن صید انواع آبزیان در جنوب کشور، حدود ۱۵۱ هزار تن یعنی ۲۱ درصد آن مربوط به صیادی غیرمجاز می‌شود.

آیا انداختن توپ به زمین دیگر نهادهای توجیهی برای ضعف نظارتی یگان حفاظت سازمان شیلات نیست؟ خیر، این واقعیت ماجراست. ببینید، الان وضعیت به گونه‌ای است که نیروهای یگان ما با وجود کمبود شدید امکانات، با تلاش زیاد تعدادی صیاد متخلف را دستگیر می‌کنند، اما کسی از آنها حمایت نمی‌کند و حتی مصونیت قضایی هم ندارند.

اما آن طور که دیدیم بازاربان متخلف‌تهرانی هیچ نگرانی خاصی از برخورد قانونی نداشتند. وقتی هم این ماجرا را از مدیرکل دفتر حفظ و بهسازی منابع دریایی سازمان شیلات نیز پیگیری می‌کنیم، می‌بینیم او نیز خود به ضعف سازمان متبوعش در نظارت بر بازارهای ماهی‌فروشی اعتراف می‌کند. همچنین به این نکته تاکید دارد که وقتی تعداد نیروهای یگان حفاظت سازمان شیلات در سراسر کشور به ۵۰۰ نفر نمی‌رسد و از طرفی براساس آخرین تحقیقات سازمان شیلات تعداد قایق‌های صیادی غیرمجاز از ۱۵ هزار و ۸۶۰

پنج و چند وقت پیش که به یکی از بازارهای ماهی‌فروشی در تهران سرزدیم، دیدیم بسیاری از مغازه‌داران بدون هیچ ترسی از برخورد نهادهای قانونی کوسه‌های صیدشده از آب‌های جنوب کشور را می‌فروشند. این در حالی است که براساس مصوبه ۳۸ شورای عالی حفاظت محیط‌زیست از دی ۹۳ به این سو هر گونه صید و خرید و فروش انواع کوسه‌ماهیان ممنوع شده،

یعنی می‌گویید مشکل تداوم فعالیت‌های صیادی غیرمجاز سهل‌انگاری مراجع متولی است؟ مشکل اینجا است که اصولا هیچ‌کس متولی برخورد با فعالیت‌های صیادی غیرمجاز نیست. این در حالی است که براساس آخرین برآورد سازمان شیلات هم اکنون حداقل ۱۵ هزار و ۸۶۰ فروند قایق صیادی غیرمجاز در سطح کشور وجود دارد. اما متاسفانه دریایی نیروی انتظامی به جای این که برای برخورد با این قایق‌ها پای کار بیاید، از حدود سه سال پیش به

ما فشار می‌آورد که به این شناورها هم مجوز صید بدهیم. مگر شما متولی برخورد با صیادی غیرمجاز نیستید؟ بله، ما متولی اصلی هستیم، اما نکته اینجا است که یگان حفاظت سازمان شیلات نسبت به گذشته کاملا تحلیل رفته‌است، یعنی بسیاری از نیروها بازنشسته شده و تعداد کمی جایگزین آنها شده‌اند.

بله، قطعا پایین بودن بودجه هم در کمبود نیروی انسانی ما موثر است. فکر می‌کنم ما در کل سازمان شیلات در یک بازه زمانی ۱۷ ساله هیچ استخدامی نداشته‌ایم فقط در دو سال گذشته کمتر از ۵۰ نفر به سازمان ما اضافه شده‌اند. شیلات با این اوضاع، الان نیروهای یگان حفاظت سازمان صیاد کل چند نفر هستند؟ اکنون شاید تعداد کل نیروهای این یگان در سطح کشور به ۵۰۰ نفر هم نرسد.

این ۵۰۰ نفر چطور می‌توانند با ۱۵ هزار و ۸۶۰ قایق صیادی غیرمجاز برخورد کنند؟ قبول دارم که با این تعداد اندک نیروهای یگان حفاظت سازمان شیلات، فعالیت‌های صیادی غیرمجاز قابل کنترل نیست. همچنین یگان ما در مجموع اصلا کارایی سابق را ندارد. چون این یگان اصلا نه سوخت کافی دارد، نه تجهیزات، البته در سال‌های اخیر توانستیم برخی تجهیزات را از وزارت دفاع تهیه کنیم، اما هنوز مشکلات اساسی یگان ما پابرجاست.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد که شما نظارت مناسبی نمی‌توانستید برای کشف تخلفات بعدی باشید. فکر می‌کنید فقط همین یک مورد است! هر روز بارها سرخ‌هایی از انواع تخلفات غیرمجاز به دست ما می‌آید، اما وقتی پیگیری می‌کنیم، اغلب پرونده این افراد به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد، چون معمولا محاکم قضایی استان‌های ساحلی جنوب با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی حاکم بر منطقه برای این افراد حکم صادر می‌کنند و بیشتر مواقع حکم سنگینی به صیادان غیرمجاز نمی‌دهند. تا زمانی هم که این شرایط باشد، معضل صیادی غیرمجاز حل نمی‌شود.

بله، وقتی ما با این تعداد اندک نیروهای یگان حفاظت سازمان شیلات، فعالیت‌های صیادی غیرمجاز قابل کنترل نیست. همچنین یگان ما در مجموع اصلا کارایی سابق را ندارد. چون این یگان اصلا نه سوخت کافی دارد، نه تجهیزات، البته در سال‌های اخیر توانستیم برخی تجهیزات را از وزارت دفاع تهیه کنیم، اما هنوز مشکلات اساسی یگان ما پابرجاست. با این تفاسیر به نظر می‌رسد که شما نظارت مناسبی نمی‌توانستید برای کشف تخلفات بعدی باشید.



پادداشت: محمدرضا فارمی کارشناس محیط‌زیست دریایی

شیلات و حراست از منابع دریایی

امروز در جنوب کشور اتفاقات عجیبی در حوزه صیادی غیرمجاز رخ می‌دهد، زیرا در شرایطی که منابع دریایی جزو انتقال عمومی است و مدیریت آن برعهده سازمان شیلات قرار دارد، به نظر می‌رسد این سازمان توان و اراده کافی برای نظارت و ساماندهی برداشت از این منابع را ندارد. مثلا با وجود آن که در مصوبه دی ۹۳ شورای عالی حفاظت محیط‌زیست صید همه انواع کوسه‌ماهیان ممنوع شده‌است، اما هنوز در آیین‌نامه‌های ابلاغی این سازمان، صید همه کوسه‌ماهیان ممنوع نیست و همین مساله برای صیادان تناقض خاصی را ایجاد کرده. این در حالی است که شورای عالی حفاظت محیط‌زیست نهاد بالادستی سازمان شیلات محسوب می‌شود و این سازمان باید مصوبات این شورا را اجرا کند.

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر صید کوسه‌ماهیان در همه کشورهای دنیا از جمله ایران رشد چشمگیری داشته‌است. صیادان نیز بیشتر این گونه‌ها را به خاطر باله آنها صید می‌کنند و این باله‌ها نیز اغلب از طریق بنادر کشورهای حاشیه خلیج فارس به کشورهای آسیای شرقی قاچاق می‌شوند. علاقه مردم آسیای شرقی به مصرف خوراکی باله کوسه نیز باعث کاهش محسوس جمعیت این گونه‌ها در سراسر جهان شده‌است و اکنون حدود صد گونه از انواع کوسه‌ماهیان در فهرست قرمز اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت قرار گرفته‌اند که ۱۷ گونه از آنها در آب‌های خلیج فارس زیست می‌کنند. این اتحادیه نیز صید همه کوسه‌ماهیان را که در فهرست قرمز قرار دارند، در تمام کشورهای ممنوع اعلام کرده‌است، اما اکنون در سایه ضعف نظارتی سازمان شیلات صید کوسه‌ماهیان در آب‌های جنوب کشور چه به صورت ضمنی و چه به صورت هدف رواج دارد.

نکته دیگر اینجاست که در سال‌های اخیر سازمان شیلات با وجود علم به کمبود نیروی انسانی و امکانات یگان حفاظت خود، تعداد زیادی کشتی صیادی ترال راهی آب‌های آزاد جنوب کرده‌است و این کشتی‌ها نیز با ظاهر موج‌ولی در حقیقت قیرقانونی ذخایر آبزیان کشور را با تور ترال نابود می‌کنند. زیرا سازمان شیلات در اصل برای صید فانوس‌ماهیان به این کشتی‌ها مجوز داده‌است، اما بسیاری از این کشتی‌ها به بهانه صید فانوس‌ماهی، انواع گونه‌های کف‌زی آب‌های جنوب ایران را با تورهای بزرگ خود جمع می‌کنند، اما هیچ نهادی به‌طور قاطع جلوی این تخلف نمی‌آید. در این شرایط نیز وقتی صیادان محلی می‌بینند که خود سازمان شیلات راه را برای وقوع تخلف باز گذاشته‌است، بدون توجه به کاهش جمعیت کوسه‌ماهیان با دیگر گونه‌های آبزی به دل دریا می‌زنند تا سهمی از این سفره داشته باشند. آنها دیگر به این فکر نمی‌کنند که صیدشان مجاز است یا غیرمجاز، زیرا شاهد آن هستند که امروزه در پهنه‌های آبی کشور به قول معروف متولی امامزاده، خود حرمت آن را نگه نداشته‌است.

بیست و ششم خرداد در همین صفحه به مساله خرید و فروش غیرقانونی باله کوسه در بازار ماهی‌فروشی تهران پرداختیم



دنیای ربات‌ها

عملکرد مثبت ربات‌ها در کاهش درد بیماران

تعامل انسان و ربات‌ها و مطالعه و تحقیق در حوزه ربات‌های اجتماعی از اهمیت بالایی برای آینده بشر برخوردار است.



آریا صابری

پژوهشگر آزمایشگاه تعامل انسان و ربات

مخاطبان خود ایجاد کنند یا در فرآیندهای درمانی به عنوان کمک‌درمانگر استفاده شوند، چند سالی است که مورد مطالعه گروه متنوعی از دانشمندان و پژوهشگران از رشته‌های روان‌شناسی قرار دارد.

بخشی از این گونه ربات‌ها، حیوان‌های خانگی رباتیک هستند که به افراد سالمند کمک رسانده یا به بیماران خدماتی را ارائه می‌کنند. یکی از معروف‌ترین آنها ربات شیر دریایی است. یک محصول ژاپنی که در ابتدا ویژه تعامل با سالمندان درست شده بود اما تحقیقات جدید منتشر شده از آن ابعادی جدیدتر از تعامل انسان و ربات را آشکار کرده است.



یک سالمند در حال بازی با ربات پارس

آیا تعامل با ربات‌های اجتماعی خردار و پشمالو و صحبت با آنها مانند یک حیوان خانگی می‌تواند به تقویت روحیه بیماران کمک کرده و درد آنها را کاهش دهد؟ به ویژه مانند شرایطی که در همه‌گیری کرونا ایجاد شده است و تماس با بیمار مخاطرات خاص خود را دارد؟

طبق نتایج مطالعه اخیر محققان دانشگاه بن‌گورپون که به صورت یک مقاله علمی منتشر شده است، یک ساعت تعامل با یک ربات اجتماعی شبیه حیوان خانگی که دارای مو باشد مانند یک ربات شیر دریایی، گریه و ... باعث کاهش درد و تنظیم سطح هورمون اکسی‌توسین و افزایش حس خوشبختی در بیماران می‌شود.

ربات‌های ناشی از گوشی‌های هوشمند قدیمی که از رده خارج می‌شود، لطامت جبران ناپذیری به محیط زیست وارد می‌کنند. همین نگرانی‌ها و فشار افکار عمومی باعث شده شرکت اپل مجبور شود طرحی را برای جمع‌آوری و بازیافت مجدد گوشی‌های آیفون قدیمی به اجرا درآورد

همچنین محققان بی‌چی‌سو سطح اکسی‌توسین پایین‌تری را در افرادی که با ربات پارو تعامل داشتند نسبت به شرکت‌کنندگان در گروه دیگر - که با این ربات ارتباط نداشتند - مشاهده کردند.

به‌طور معمول، هورمون اکسی‌توسین (که به آن هورمون عشق نیز گفته می‌شود) در بین عشاق یا مادرانی که با فرزندان خود بازی می‌کنند بیشتر ترشح می‌شود. مطالعات جدید نشان داده‌اند که جدا از روابط عاشقانه، تولید اکسی‌توسین در بدن فرد نشان‌دهنده کاهش استرس و آرامش یافتن فرد است.

دکتر لونی تسدک می‌گوید: این یافته‌ها استراتژی‌های جدیدی را برای مدیریت درد و بهبود زندگی انسان ارائه می‌کند، که به ویژه در دوران کنونی شیوع کرونا مورد نیاز است.



فروشگاه‌های مایکروسافت برای همیشه تعطیل می‌شود!

مایکروسافت قصد دارد تمام فروشگاه‌های حضوری خود را در آمریکا و سایر نقاط جهان برای همیشه تعطیل کند و پیش بر فروش دیجیتالی محصولات خود تمرکز کند. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران فعال در حوزه فناوری بر این باورند که مسائل مختلف دیگری که اخیراً به وجود آمده است، نظیر شیوع گسترده و عالم‌گیری ویروس کووید-۱۹ و همچنین اعتراض‌های اخیر مردم آمریکا که به اغتشاش و ناآرامی منجر شد در این تصمیم‌گیری دخیل بوده است.



سیستم راستی‌آزمایی خودکار توییتر ارتقا می‌یابد

توییتر اعلام کرده سیستم راستی‌آزمایی خودکار برای مشخص کردن پست‌هایی با نظریه‌های جعلی ارتباط ویروس کرونا و نسل پنجم اینترنت (5G) را ارتقا می‌دهد. توییتر می‌داند سیستم این شبکه اجتماعی برای راستی‌آزمایی خودکار پست‌های حاوی کلیدواژه 5G و ویروس کرونا کمی سختگیرانه عمل می‌کند و تصمیم دارد این روند را اصلاح کند.

آیفون بدون جاذب



تیم کوک، مدیرعامل فعلی اپل

اپل در تاریخچه خود در رده مدیریتی نیز دستخوش تغییراتی شده است. در روز دوم شهریور ۱۳۹۰ هدایت اپل که توسط بنیانگذار خود یعنی استیو جابز رهبری می‌شد به «تیم کوک» سپرده شد که دوران مدیریت او تا به امروز ادامه دارد. فقط دو ماه پس از این جابه‌جایی قدرت بود که استیو جابز با دنیایی از بیوغ و خلاقیت از جهان مارفت.

با این‌که هسته اصلی ایده تولید آیفون در سال‌های گذشته بدون تغییر مانده، ولی خود این دستگاه دچار تغییرات فراوانی شده است. اگر بخواهیم روند تحول آیفون را از نظر سخت‌افزاری بررسی کنیم، باید بدانیم در نخستین سال‌های تولید آیفون، قدرتمندترین نسخه آن «آیفون تری‌جی» (iPhone 3G) نام داشت که دومین نسخه تولید شده از آیفون بود و در آن پردازنده‌ای تک هسته‌ای با فرکانس ۴۱۲ مگاهرتز به کار رفته بود. اما امروزه «آیفون ۱۱ پرو» (iPhone 11 Pro) که آخرین جهش بزرگ اپل در زمینه گوشی‌های هوشمند است به پردازنده‌ای شش هسته‌ای با بیشینه سرعت ۲/۶۵ گیگاهرتز مجهز شده است.

همچنین آیفون در زمینه نمایشگر نیز رشد بسیار زیادی داشته است. در سال ۲۰۱۰/۱۳۸۹ ۳٫۵ اینچی با وضوح ۱۵۳ هزار پیکسل بود. این در حالی است که نمایشگر جدیدترین آیفون‌ها اندازه‌ای بالغ بر ۶/۵ اینچ و بیش از ۲/۶ میلیون پیکسل دارد.

فناوری برای نجات زمین

اما تأثیرات شگفت‌آور این همراه‌های کوچک به همین تغییرات ظاهری در سبک زندگی و دسترسی‌های از راه دور ختم نمی‌شود. در بررسی‌های صورت گرفته در خصوص تأثیرات عمیق توسعه فناوری گوشی‌های هوشمند در سال‌های اخیر، مشخص شده پیش از توسعه گوشی‌های هوشمند، میزان تولید زباله‌های پلاستیکی با سرعت ۵۰ درصد بیش از سرعت پیش‌بینی شده بر مبنای رشد اقتصادی جهانی در حال افزایش بوده است در حالی که از سال ۲۰۰۹ این روند با کاهش سرعت چشمگیری روبه‌رو شد و مصرف پلاستیک ۱۵ درصد کمتر از نرخ پیش‌بینی شده بر مبنای شاخص کلی اقتصاد جهانی شد. حتی مصرف برق نیز در طول دهه گذشته در ایالات متحده نرخ ثابتی داشت و آن طور که پیش‌بینی می‌شد، افزایش نیافت. البته این رشد منفی در خصوص مصرف بسیاری از منابع طبیعی دیگر نیز رخ داد و حتی برخی صنایع مربوط به استخراج معادن طبیعی در برابر نرخ مصرف پیش‌بینی شده خود رشد منفی داشتند. شاید در نگاه اول این کاهش مصرف منابع در مقابل رشد و توسعه کشورها کمی عجیب به نظر برسد. اما واقعیت این است که با ورود آیفون و رشد فناوری گوشی‌های هوشمند در زندگی روزمره، بسیاری از نیازهای ما برای همراه داشتن دستگاه‌ها و ابزارهای مختلف محدود به گوشی هوشمند هم‌راهمان شد. این یعنی مصرف کمتر منابع آبی، پلیمرها و پلاستیک، فلزات ارزشمند مانند طلا، آلومینیوم، استیل، مس، کاهش نیاز به ساخت کارخانه‌های عظیم متعدد برای تولید محصولات مختلف و بعضاً بزرگ. به دنبال بهینه شدن مصرف انرژی و هدفمندتر شدن مصرف منابع اولیه برای تولید ابزارهای فناورانه‌ای به نظر می‌رسد روند تخریب زمین توسط ما آهسته‌تر خواهد شد.

با آیفون بهشت نمی‌روید!

با تمام این اوصاف، بدون شک می‌توان اپل را بزرگ‌ترین قربانی موفقیت خودش دانست. برخی از مشکلات حقوقی اخیراً دامنگیر این شرکت باعث شده است تیم کوک به‌عنوان مدیر اپل به همراه چندین غول دیگر دنیای فناوری مانند فیس‌بوک و گوگل مجبور به پاسخگویی درباره روند رسیدگی به پرونده افشای اطلاعات کاربران و از بین رفتن اعتماد عمومی شوند. همچنین این شرکت متهم به منحصربساز و ایجاد تک‌قطبی در صنعت گوشی‌های هوشمند شده است. اما علاوه بر این مشکلات که ناشی از گسترش افسار گسیخته ایجاد شرکت و رشد اقتصادی غیرمنطقی آن است، اپل در زمینه‌های دیگری نیز با معضلات عدیده‌ای روبه‌روست که ادامه روند موفقیت آن را با ابهامات جدی توم‌کرد است.

یکی از این مشکلات قیمت بسیار بالا و گرانی محصولات این شرکت و از جمله گوشی‌های آیفون است. این امر باعث شده در سال‌های اخیر مصرف‌کنندگان در سراسر دنیا اقبال کمتری نسبت به محصولات اپل نشان دهند و خرید آنها را مقرون به‌صرفه ندانند.



از سوی دیگر نگرانی شدید فعالان محیط زیست متوجه هزینه‌هایی است که تولید انبوه سالانه آیفون و فروش میلیونی آن به طبیعت تحمیل می‌کند. زباله‌های ناشی از گوشی‌های هوشمند قدیمی که از رده خارج می‌شود، لطامت جبران ناپذیری به محیط زیست وارد می‌کنند. همین نگرانی‌ها و فشار افکار عمومی باعث شده شرکت اپل مجبور شود طرحی را برای جمع‌آوری و بازیافت مجدد گوشی‌های آیفون قدیمی به اجرا درآورد.

اما در نهایت یکی از مهم‌ترین پیامدهای ناشی از موفقیت آیفون که گریبانگیر شرکت اپل شده، آسیب است که استفاده بسیار زیاد و نگاه کردن طولانی مدت به صفحه نمایشگر گوشی‌های هوشمند به چشم کاربران وارد می‌کند و سلامت افراد را به خطر می‌اندازد. در پاسخ به این مشکل، اپل سعی کرده نسخه‌های جدید آیفون را به نرم‌افزارهایی برای محدود کردن استفاده ممتد و همچنین گوشزد کردن طولانی شدن زمان خیره ماندن به صفحه نمایش مجهز کند. هر چند بسیار بعید به نظر می‌رسد این‌گونه ترغیب‌ها برای افرادی که به گوشی هوشمندشان اعتیاد پیدا کرده‌اند، چندان کارساز باشد!



عروسه آیفون و دیگر گوشی‌های هوشمند در جهان با استقبال مردم روبه‌رو شد

در نخستین روز از چهاردهمین سال ورود آیفون به زندگی ما، ببینیم آیفون به‌عنوان پرچمدار گوشی‌های هوشمند چطور دنیای مان را زیر و رو کرد

این سیب ۱۳ ساله

۵۰ سال پیش از گوشی‌های همراه فقط برای برقراری تماس تلفنی استفاده می‌شد و شاید کمتر کسی می‌توانست تصور کند این تلفن‌های قابل حمل قرار است در آینده‌ای نه چندان دور به همراهی همیشگی برای انسان تبدیل شود و طیف گسترده‌ای از کارهای روزمره را یک‌تنه به دوش بکشد. شاید تا همین ۱۰ سال پیش برای سفری کوتاه نیاز بود وسایل مختلفی از تقویم جیبی، چراغ قوه، دستگاه پخش موسیقی، قطب‌نما و حتی ساعت زنگدار به همراه داشته باشید! اما موفقیت گوشی‌های هوشمند (و در راس آنها آیفون) زمانی شروع شد که به جایگزینی برای همه این ابزارها تبدیل شدند.

اگر ۱۳ سال قبل به‌طور اتفاقی از کسانی که در یک ایستگاه اتوبوس به انتظار نشسته بودند، عکس می‌گرفتید به احتمال زیاد کسی در حال خواندن روزنامه، چترنفر در حال مکالمه یا حتی یک نفر خیره شده به منظره روبه‌رویش دیده می‌شد. حالا فرض کنید همین عکس امسال گرفته شود. تقریباً می‌توان مطمئن بود بیشتر افراد حاضر در این عکس در حال کار کردن با گوشی همراه خود خواهند بود.

در سال ۲۰۰۷ میلادی، استیو جابز برای اولین بار از محصول جدیدی رونمایی کرد که با ترکیب گوشی تلفن، دستگاه پخش موسیقی و رابط کاربری وبگاه‌های اینترنتی، انقلابی در دنیای فناوری ایجاد کرد. اما اولین آیفون با همین امکانات ساده، فقط نقطه آغازی بود از آنچه ما امروزه از یک گوشی هوشمند انتظار داریم. امروز پس از گذشت ۱۳ سال از عرضه اولین آیفون در ۹ تیر ۲۹/۱۳۸۶ ژوئن ۲۰۰۷، تحولات این فناوری و تغییراتی که گوشی‌های هوشمند در زندگی مان ایجاد کرده است را بررسی می‌کنیم.

برگرفته از: CNBC و Deseret, CNET, Wired

اولین گوشی آیفون سال ۱۳۸۶ تولید شد و در مدتی کوتاه توانست از نظر تجاری به قله موفقیت برسد. فقط در سه ماهه ابتدای سال ۲۰۱۰ شرکت اپل موفق به فروش ۸/۷ میلیون عدد آیفون شد. این آمار در سه ماهه اول سال ۲۰۱۸ به تعداد حیرت‌انگیز ۴۷ میلیون دست پیدا کرد. اما وقتی بدانیم اپل به ثبت رکورد فروش دو میلیارد آیفون تا پایان سال جاری میلادی بسیار نزدیک است، قطعاً هوش از سرمان می‌پرد! طبق اعلام رسمی اپل در سال گذشته میلادی بیش از ۹۰۰ میلیون آیفون فعال در دنیا وجود داشته که در دست کاربران در حال استفاده بوده.

می‌توان گفت آیفون موتور حرکتی شرکت اپل است که طی دهه گذشته، دلیل اصلی رشد چشمگیر این شرکت بوده است. در این سال‌ها اپل موفق شده از یک شرکت بزرگ ساخت رایانه و دستگاه‌های پخش موسیقی همراه، به غول پیکه‌زار میلیارد دلاری دنیای فناوری بدل شود که شعب پرشمارش در سراسر دنیا گسترش یافته‌اند و حدود ۳۷ هزار کارمند و

از شکار لحظه‌ها تا بازار پر رونق نرم‌افزارهای همراه

به‌طور حتم یکی از بهترین نمونه‌ها برای درک بهتر قدرت متحول‌سازی آیفون، میزان فروش دوربین‌های دیجیتال در سال‌های گذشته است. در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۹ میلیون دوربین عکسبرداری غیرحرفه‌ای (دوربین‌های دیجیتال جیبی) در دنیا فروخته شد. این دوربین‌ها یکی دیگر از زمینه‌هایی که شکل‌گیری‌شان را مدیون آیفون و به دنبال آن توسعه دیگر گوشی‌های هوشمند هستند، بازار نرم‌افزارهای همراه است. این بازارها فضایی آسان و ایمن در اختیار تولیدکنندگان نرم‌افزارهای همراه زندگی ما تبدیل شده‌اند. ایجاد بانکداری اینترنتی که انقلابی در صنعت بانکی دنیا محسوب می‌شود یا همه‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی نیز از جمله مواردی است که بدون ظهور گوشی‌های هوشمند هرگز میسر نمی‌شدند.

یکی دیگر از زمینه‌هایی که شکل‌گیری‌شان را مدیون آیفون و به دنبال آن توسعه دیگر گوشی‌های هوشمند هستند، بازار نرم‌افزارهای همراه است. این بازارها فضایی آسان و ایمن در اختیار تولیدکنندگان نرم‌افزارهای همراه زندگی ما تبدیل شده‌اند. ایجاد بانکداری اینترنتی که انقلابی در صنعت بانکی دنیا محسوب می‌شود یا همه‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی نیز از جمله مواردی است که بدون ظهور گوشی‌های هوشمند هرگز میسر نمی‌شدند. یکی دیگر از زمینه‌هایی که شکل‌گیری‌شان را مدیون آیفون و به دنبال آن توسعه دیگر گوشی‌های هوشمند هستند، بازار نرم‌افزارهای همراه است. این بازارها فضایی آسان و ایمن در اختیار تولیدکنندگان نرم‌افزارهای همراه زندگی ما تبدیل شده‌اند. ایجاد بانکداری اینترنتی که انقلابی در صنعت بانکی دنیا محسوب می‌شود یا همه‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی نیز از جمله مواردی است که بدون ظهور گوشی‌های هوشمند هرگز میسر نمی‌شدند.



تنگر

دیه یک میلیارد و ۳۰۰ میلیونی
برای بخشش داماد قاتل



مردی که به اتهام همسرکشی از چهار سال پیش به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، این مرد هفدهم فروردین سال ۹۵ همسر ۲۸ ساله خود را در محله نظام‌آباد خفه کرد. او بعد از دستگیری به قتل اعتراف کرد و گفت: همسر دخترعمویم بود و او دوست داشتم از این قتل پشیمانم. پیک موتوری بودم و ظهرها برای ناهار به خانه می‌آمدم. روز قتل به خانه رفتم که بعد از ناهار با مادرش تلفنی حرف زد و بعد عصبانی شد. می‌گفت چرا بدگوی او را پیش خانواده‌اش کرده‌ام. و پتیرین خانه را شکست و قصد داشت به خانه برادرش برود که سدراهش شدم و با هم درگیر شدیم. در این درگیری خفه‌اش کردم. او حکم قصاص گرفت و سال گذشته پای چوبه‌دار رفت اما برای جلب رضایت شش‌ماه مهلت گرفت. خانواده مقتول دیه یک میلیارد و پانصد میلیون تومانی می‌خواستند. خانواده مرد اعدامی همه زمین و املاک‌شان را فروختند و یک میلیارد تومان جور کردند. مهلت تعیین شده پایان گرفت و چند روز پیش دوباره پای چوبه‌دار رفت و این‌بار با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران، مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان بقیه پول دیه به ۳۰۰ میلیون تومان کاهش یافت. این‌بار خانواده مقتول گفتند این ۳۰۰ میلیون تومان باید تا دو ماه دیگر تأمین شود. در غیر این صورت حکم را اجرا می‌کنند.



از شرکت‌های دولتی کلاهبرداری کرده بود. متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات تکمیلی از وی ادامه دارد. این در حالی است که افرادی که برای استرداد مجرمان به خارج از کشور اعزام می‌شوند باید علاوه بر روزیدگی ذهنی و جسمی به روابط، حقوق و زبان بین‌الملل مسلط باشند.

۲ برادرکش قصاص نشدند

همان موقع پدر و مادر پویا هم که موقع درگیری فرزندانشان منزل نبودند از راه رسیدند، اما دوباره بین دو برادر درگیری شد. پویا با صندلی ناهارخوری به برادرش حمله کرد و برادرش قمه در دست داشت. در حالی که پدرشان و مامور کلانتری سعی داشتند با میانجیگری درگیری را پایان دهند، پویا قمه را از دست برادرش گرفت و با ضربه‌ای او را جلوی چشم مامور کلانتری از پای درآورد. پدر پویا در همان مراحل رسیدگی مقدماتی از قصاص او گذشت کرد و متهم برای رسیدگی به لحاظ جنبه عمومی جرم روز گذشته در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت و در دفاع از خود گفت: بعد از ظهر از خواب بیدار شدم و یک‌دفعه برادرم را داخل اتاقش به من فحاشی کرد. او فکر می‌کرد به گوشی و وسایلش دست زده‌ام. من از برخوردش عصبانی شدم و با هم درگیر شدیم و می‌گفت سرت رامی برم. من ترسیده بودم اما قصد کشتن برادرم را نداشتم، چون او را دوست داشتم.»

متهم در آخر تقاضا کرد با احتساب روزهای بازداشت با آزادی موافقت شود و قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

دارو مصرف می‌کرد و روز حادثه ساعت مصرف دارویش رسیده بود و با جیغ و فریاد قرص رانمی خورد و بی‌تابی و بی‌قراری می‌کرد. رفتار او مرا کلافه کرده بود و برای این‌که او را آرام کنم یک پلاستیک روی سرش کشیدم و چند دقیقه بعد متوجه شدم که نفس نمی‌کشد. متهم در این لحظه از توضیحات خود به‌گریه افتاد و ادامه داد: «همیشه دلم برای شروین می‌سوخت و او را دوست داشتم. از این اتفاق خیلی ناراحتم و عذاب وجدان دارم.» قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم برای صدور رای وارد شور شدند.

قصدکشتن برادرم رانداشتم

بر اساس محتویات دومین پرونده، سوم اسفند ۹۸ پسر جوانی به نام پویا با پلیس تماس گرفت و ادعا کرد برادرش اقدام به قتل او کرده است و به همین دلیل او خانه را ترک کرده و از ماموران کمک خواست. ماموران کلانتری جنت آباد مقابل خانه پویا رسیدند و او با اصرار از ماموران پلیس خواست با او به خانه‌شان برود، چون ادعا می‌کرد امنیت جانی ندارد و برادرش قصد دارد سرش را برید.



ارسال شده و پلیس اینترپل رومانی هم اعلام کرده که پرواقیل دی‌ان‌ای در دست آماده‌سازی است و به‌زودی به ایران ارسال می‌شود. وی در خصوص خبرهای مطرح‌شده در رابطه با حضور یک ایرانی، لحناتی قبل از مرگ منصوروی در هتل محل اقامت او، با تکذیب این دست از اخبار، تأکید کرد: هیچ پیام رسمی از سوی اینترپل در خصوص این موضوع ارسال نشده است و بحث‌های مطرح‌شده در رسانه با توجه به این‌که پیامی از سوی پلیس بخارست ارسال نشده مورد تأیید نیست. قاضی منصوروی، متهم ردیف نهم پرونده طبری، با اعلان فریز پلیس اینترپل در بخارست دستگیر و بعد از تحقیقات مقدماتی تا روز دادگاه آزاد شد، اما ظه‌ر س‌ام خرداد در هتل محل اقامتش بر اثر سقوط جان باخت.

جزئیات جدید از مرگ قاضی منصوروی

رئیس پلیس بین‌الملل نیروی انتظامی جزئیات جدیدی از پیگیری‌های پرونده فوت قاضی منصوروی در رومانی را تشریح کرد. به گزارش میزان، سردار هادی شیرزاد در پاسخ به این سوال که پلیس ایران دقیقاً چه زمانی متوجه مرگ منصوروی شد، گفت: بعد از این اتفاق، نامه‌ای از پلیس بین‌الملل بخارست به پلیس بین‌الملل تهران ارسال شد. در این نامه توضیحاتی در مورد مرگ منصوروی داده و همچنین عنوان شده بود که این فرد خودکشی کرده و جسد به‌واحد جنایی بخارست منتقل شده. در این نامه هویت فرد فوت شده، غلامرضا منصوروی عنوان شده بود. رئیس پلیس بین‌الملل ناجا در خصوص عملکرد پلیس بین‌الملل بخارست در این حادثه، عنوان

رئیس پلیس بین‌الملل نیروی انتظامی جزئیات جدیدی از پیگیری‌های پرونده فوت قاضی منصوروی در رومانی را تشریح کرد. به گزارش میزان، سردار هادی شیرزاد در پاسخ به این سوال که پلیس ایران دقیقاً چه زمانی متوجه مرگ منصوروی شد، گفت: بعد از این اتفاق، نامه‌ای از پلیس بین‌الملل بخارست به پلیس بین‌الملل تهران ارسال شد. در این نامه توضیحاتی در مورد مرگ منصوروی داده و همچنین عنوان شده بود که این فرد خودکشی کرده و جسد به‌واحد جنایی بخارست منتقل شده. در این نامه هویت فرد فوت شده، غلامرضا منصوروی عنوان شده بود. رئیس پلیس بین‌الملل ناجا در خصوص عملکرد پلیس بین‌الملل بخارست در این حادثه، عنوان

استرداد کلاهبردار ۶۰۰ میلیارد تومانی به کشور

جانشین رئیس پلیس بین‌الملل نیروی انتظامی از استرداد یکی از مفسدان اقتصادی که حدود ۶۰۰ میلیارد تومان از یک شرکت دولتی کلاهبرداری کرده بود به کشور خبر داد. به گزارش جام جم، سردار کاظم مجتبیایی در این باره گفت: شامگاه هشتم تیر امسال متهم با پیگیری‌های پلیس بین‌الملل و هماهنگی با

در کمتر از ۴ ساعت در تهران رخ داد

۲ مغازه‌دار قربانی ۲ جنایت

مرد جوان و پسر ۱۶ ساله که در جنایت‌های جداگانه در پایتخت، دو مغازه‌دار را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده بودند، تحت تعقیب پلیس جنایی قرار گرفتند. به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، واپسین ساعات هشتم تیر امسال اهالی خیابانی در محله یافت‌آباد، مردی را دیدند که بی‌دلیل عریضه‌کشی می‌کرد. چند نفر از اهالی او را می‌شناختند. مرد جوان شریک مغازه میوه‌فروشی در آن خیابان بود. این مرد مست بود و تلاش اهالی برای آرام کردن او فایده‌ای نداشت. وقتی به مقابل مغازه میوه‌فروشی رسید، پسر شریکش به سمت او آمد تا شاید بتواند او را آرام کند. اما مرد مست با برداشتن چاقویی از مغازه، فرزند شریکش را زخمی کرد. همسایه‌ها سعی کردند چاقو را از دست او بگیرند اما نتوانستند و مرد خشمگین با زخمی کردن یکی از همسایه‌ها که در آنجا مرغ‌فروشی داشت از محل گریخت. مردم با پلیس و اورژانس تماس گرفتند و دو مرد زخمی را به بیمارستان منتقل کردند که یکی از آنها زنده ماند و دیگری که صاحب مغازه مرغ‌فروشی بود تسلیم مرگ شد. موضوع این جنایت از کلانتری یافت‌آباد به حیم‌دشتبان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. با دستور قضایی نام و مشخصات متهم به قتل فراری برای دستگیری در دستور کار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. پلیس پایتخت در جست و جوی متهم به قتل فراری بود تا این‌که سه ساعت بعد از این جنایت، قتل مرد مغازه‌داری در خیابان شهرستانی در حوالی میدان امام حسین (ع) تهران به بازپرس جنایی گزارش شد. زمانی که ماموران در آنجا حاضر شدند با تحقیق از همسایه‌ها متوجه شدند بساط سبزی‌فروشی پسر نوجوانی در این خیابان باعث شلوغی محل و اعتراض اهالی شده بود. شامگاه یکشنبه او با یکی از مغازه‌داران بر سر بساط‌گردنش درگیر شد و در حالی که چاقویی به دست داشت، ضربه‌ای به قلب او زد و مادرش هم که شاهد این درگیری بود به هواخواهی از فرزندش قالب یخی را سمت مرد زخمی پرتاب کرد. مرد زخمی به بیمارستان منتقل شد اما به‌خاطر شدت جراحات جان باخت. تحقیقات کارآگاهان پلیس برای شناسایی مخفیگاه پسر نوجوان و دستگیری او ادامه دارد.

آگهی مناقصه شماره ۳۵/۱۵-۹۹ (یک مرحله‌ای)

شرکت مخابرات ایران (منطقه کرمان) به نظر دارد، تعداد ۲۴۰ سلول باتری ۱۲ ولت ۲۰۰ آمپر ساعت سیلد، مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه خریداری نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آگهی مناقصه در سایت شرکت مخابرات ایران به آدرس www.Tci.ir و منطقه کرمان www.Kermantel.ir مراجعه نمایند. اطلاعیه‌های و مدارک مناقصه در سایت شرکت مخابرات منطقه کرمان

مناقصه عمومی نوبت اول

یک مرحله‌ای

شرکت آتی‌ساز در نظر دارد خرید و حمل تابلوهای برق پروژه فیروزه (سهامی‌فامیر) شرق مشهد را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به تأمین کننده واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان محترم در صورت تمایل به همکاری می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ درج این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۰۴/۱۷ به نشانی‌های ذیل مراجعه نمایند.

نشانی دریافت اسناد: تهران - شهرک قدس (غرب) - میدان صنعت - بلوار خورده‌بین - ۲۰۰ متر بالاتر از چهارراه هرمان - دبیرخانه مرکزی شرکت آتی‌ساز. تلفن ۸۸۰۹۱۰۸۸

نشانی دریافت اسناد: مشهد - خیابان پاسداران - نیش پاسداران ۲ - روبروی فرمانداری - پروژه فیروزه شرق مشهد.

نشانی تحویل اسناد: تهران - شهرک قدس (غرب) - میدان صنعت - بلوار خورده‌بین - ۲۰۰ متر بالاتر از چهارراه هرمان - دبیرخانه مرکزی شرکت آتی‌ساز.

هزینه اسناد مناقصه به مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال هنگام دریافت اسناد از متقاضیان اخذ می‌گردد. تلفن جهت هماهنگی و بازدید از پروژه: ۰۵۱۳۸۵۳۷۹۹۵

ضمناً تاریخ تحویل مدارک تکمیل شده حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۴/۲۵ می‌باشد. شرکت در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادها مختار می‌باشد. «مراجعه‌نمایند»

امور قراردادهای شرکت آتی‌ساز

آگهی مناقصه عمومی بدون اخذ سپرده

گیت پارس گشت زنده‌بان

درخواست شماره: RHD-9809013-T20

موضوع آگهی:

خرید الکتروموتور

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR مراجعه نمایید. روابط عمومی

آگهی مناقصه عمومی بدون اخذ سپرده

گیت پارس گشت زنده‌بان

درخواست شماره: RHP-7302508208-T20

موضوع آگهی:

خرید صفحه کلاچ

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR مراجعه نمایید. روابط عمومی

آگهی تملک اراضی

شرکت آب منطقه‌ای سمنان

شرکت آب منطقه‌ای سمنان با استفاده از اختیارات حاصله از لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مورد نیاز دولت و... مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و ماده واحده قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، به منظور احداث پروژه ساختمان سد فینسک به شرح کروکی ذیل را دارد.

● لذا این آگهی در یک نوبت جهت اطلاع مالکین و صاحبان حقوق قانونی اراضی مورد نیاز منتشر می‌گردد، مالکین و متصرفین اراضی موضوع کروکی ذیل این آگهی حداکثر یک‌ماه از تاریخ انتشار این آگهی مهلت دارند ضمن ارائه اسناد و مدارک رسمی مالکیت یا واگذاری اراضی مورد نظر جهت دریافت حقوق قانونی متعلقه به شرکت آب منطقه‌ای سمنان (معاونت طرح و توسعه - دفتر حقوقی) مراجعه و یا با تلفن ۰۲۳۳۳۳۳۶۱۸۳۳ تماس حاصل نمایند، در غیر اینصورت ادعاها و اعتراضات بعدی مسموع نخواهد بود.

اطلاعیه سازمان ملی استاندارد ایران

بر مبنای مصوبات نود و دومین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۱۳۷۴/۷/۸ انواع جعبه‌های مقوایی مورد استفاده برای شیرینی و مواد غذایی مشمول مقررات استاندارد اجباری می‌باشد. استاندارد ملی ایران به شماره ۲۳۴۱ تحت عنوان بسته‌بندی - ورق مقوایی و جعبه مقوایی موادخوراکی - ویژگی‌های فیزیکی و روش‌های آزمون در دو دست وی و دومین اجلاس کمیته ملی مربوطه مورد تجدیدنظر سوم قرار گرفته است که مراتب جهت اطلاع عموم و توجه به الزامات قانونی آگهی می‌گردد.

الزامات قانونی:

- لذا کلیه تولیدکنندگان و واردکنندگان این فرآورده ۳ ماه از تاریخ انتشار آگهی در روزنامه رسمی مهلت خواهند داشت تا نسبت به رعایت استاندارد مذکور اقدام لازم را به عمل آورند.
- واردات فرآورده‌های مشمول مقررات استاندارد اجباری پس از انقضای مهلت مقرر حسب ضرورت و اولویت باید منطبق با استاندارد ملی و یا استانداردها و ضوابط فنی معتبر و مورد قبول سازمان باشد.
- صادرات فرآورده‌های مشمول اجرای استاندارد اجباری منوط به صدور گواهی

برف ۱۳۷۴/۷/۸

دفتر روابط عمومی و ارتباطات بین‌الملل

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد، خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تأمین نماید.

شماره مناقصه	۹۸/۸۷۳
موضوع مناقصه	انجام خدمات سالیانه بازرسی فنی سایت ۱ شرقی (1B) مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۷۲۶.۰۰۰.۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۲۰/۱۳۳۰-۲/۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۱۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱.۲۷۴.۵۳۱.۷۲۸ ریال
آخرین مهلت بازگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه)	۱۳۹۹/۰۴/۲۸
آخرین مهلت تحویل پاکت پیشنهادت مالی	۱۳۹۹/۰۵/۲۵
آدرس مناقصه‌گذار	استان بوشهر، شهرستان عسقلویه، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، ساختمان اداری مرکزی ستاد، امور بیمان‌ها

متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۲۳۱۳۲۷۶۱-۲ تماس حاصل فرمایند. شماره مجوز: ۱۳۹۹/۱۵۹۴

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی مناقصه عمومی با اخذ سپرده

گیت پارس گشت زنده‌بان

درخواست شماره: RHP-7302506371-T17

موضوع آگهی:

خرید دستگاه و کیوم لاری صنعتی

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR مراجعه نمایید. روابط عمومی

آگهی مناقصه عمومی با اخذ سپرده

گیت پارس گشت زنده‌بان

درخواست شماره: RHP-9841209004-T20

موضوع آگهی:

خرید متعلقات خط هوایی

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR مراجعه نمایید. روابط عمومی

شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان

۸۹۶۲۷۷



رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در گفت‌وگو با جام‌جم:

به ماسک هم یارانه بدهیم

قرار است از ۱۵ تیرماه ماسک زدن پرنزگ‌تر از همیشه اجباری شود؛ در مکان‌های سرپوشیده، در تجمع‌های زیاد یا در کل شهر. موضوع این است که آمار مبتلایان به بیماری کرونا و تعداد کشته‌شدگانش آتقدر بالا رفته و اوضاع خطرناک‌شده که قانون اجباری شدن ماسک، از وسایل حمل و نقل عمومی فراتر رفته و رسیدنش به سطح شهر اجتناب‌ناپذیر شده. باحسین‌علی شهریار، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی درباره آمادگی دولت برای اجرایی شدن این قانون و چرایی افزایش آمارها گفت‌وگو کرده‌ایم.

از ۱۵ تیرماه، ماسک برای همه مردم در سطح شهر اجباری می‌شود، به‌نظرتان ماسک‌کافی در اختیار مردم قرار دارد؟

دولتمردان مدعی هستند که روزانه هفت تا ده میلیون ماسک تولید می‌شود که خب اگر واقعا این اتفاق بیفتد، این تعداد، عدد کمی نیست و نیاز مردم را برطرف می‌کند. طبق گفته سازمان جهانی بهداشت، یکی از اصلی‌ترین راه‌ها برای مقابله با ویروس کرونا، استفاده از ماسک است. این‌که دولت از مردم بخواهد تا به‌صورت اجباری و به شکل اجرای یک قانون از ماسک استفاده‌کنند تصمیم درستی است اما باید این را درنظر بگیریم که آیا همه آحاد جامعه قدرت خرید روزانه ماسک دارند یا خیر.

در روزهای گذشته، استفاده از ماسک در مترو و دیگر وسایل حمل و نقل عمومی اجباری شد، اما باز هم عده‌ای از مسافران از ماسک استفاده نمی‌کنند. به‌نظرتان سازوکار نظارت بر اجباری شدن ماسک باید چطور باشد؟

هنوز اطلاعاتی راجع به عوامل نظارت بر این قانون ندارم اما موضوع مهم این است که امروز، ماسک زدن در جامعه نوعی منکر محسوب می‌شود و همه باید برای جلوگیری از این کار به همدیگر تذکر بدهیم. مثلا برای نمونه می‌توانم از مجمع خیرین سلامت زنان خراسان رضوی بگویم که با همکاری استانداری به میان مردم می‌روند و به افرادی که ماسک ندارند تذکر می‌دهند و اگر کسی هم بگوید ماسک ندارم، به او ماسک می‌دهند. اگر این افراد در کنار ناظران قانونی حضور داشته باشند، اوضاع بهتر از چیزی که هست خواهد بود.

اماد دیزو، ویروس‌کرونا ۱۶۲ کشته، رکورد زد و به بالاترین تعداد در طول این چند ماه رسید. به‌نظرتان چرا تعداد کشته‌های کشور ما افزایش یافته است؟

متأسفانه دولت کمی خوش‌خیال بود و به پنهان مساله اقتصاد خیلی زود اقدام به بازگشایی مکان‌های عمومی کرد. مساله اقتصادی، واقعیت جامعه

است اما نه این‌طور که همه چیز را آزاد کنیم تا دوباره همه چیز به وضعیت قبلی برگردد. چیزی که امروز می‌بینیم این است که در کشورهای اروپایی،

برای کسانی که مسائل بهداشتی را رعایت نمی‌کنند، جریمه‌های سنگینی وضع می‌شود؛ کاری که ما هم باید آن را انجام بدهیم. در حال حاضر هم باید

برای حفظ جان مردم، قانون استفاده از ماسک اجباری و در صورت عدم اجرای آن، جریمه در نظر گرفته شود. مساله این است که با حرف و توصیه و

نصیحت، مشکلات برطرف نمی‌شود.

به نظر شما نباید محدودیت روزهای اول دوباره برگردد؟

متأسفانه شاهد این هستیم که در خیلی از استان‌ها، مراسم‌های عروسی و عزادارگزار می‌شود و با وجود تذکر به رعایت فاصله‌گذاری و ماسک، این نکات رعایت نمی‌شود و خب طبیعتا با چنین آمارهایی روبه‌رو می‌شویم. این‌طور که به نظر می‌رسد در خیلی از مکان‌ها باید محدودیت‌های جدی دوباره اعلام و اجرایی شود چون اگر این روند ادامه پیدا کند، با مشکلاتی بیشتر از قبل مواجه می‌شویم.

اما بحث دیگر شرایط درمان بیماران مبتلا به کرونا است. ما دیروز به بیمارستان مسیح دانشوری رفتم. بازید میدانی ما از بیمارستان‌ها نشان می‌دهد تخت‌خالی نیست و آنها در محیط‌های نامناسبی درمان می‌شوند.

بله می‌دانم. تعداد بیماران زیاد شده است و از آنجایی که بیمارستان‌ها وظیفه دارند همه را پذیرش کنند، این اتفاق‌ها رخ داده است و با توجه به محدودیت امکانات، متأسفانه صحنه‌های خوشایندی را شاهد نیستیم.

و برخلاف ادعای مسؤولان از مردم هزینه دریافت می‌شود.

دولت باید برای ماسک و هزینه درمان یارانه در نظر بگیرد. در ابتدا قرار بود که هیچ هزینه‌ای از بیماران مبتلا دریافت نشود اما بعد از مدتی گفتند که از آنهایی که توان مالی و قدرته درمانی دارند، هزینه فرانشیز دریافت می‌شود. متأسفانه، بیمارستان‌های ما عملا به بیمارستان‌های ورشکسته تبدیل شده‌اند. نیروها و کادر درمان، خسته و شگسته شده‌اند. علی‌رغم این‌که مقام معظم بهبری دستور دادند که یک‌میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی برداشت شود و برای مقابله با بیماری کرونا استفاده شود اما هنوز مشکل جدی در این زمینه وجود دارد.

با توجه به نظراتی که باید کمیسیون بهداشت و درمان مجلس بر عملکرد وزارت بهداشت داشته باشد، فکر می‌کنید اکنون نقاط ضعف این وزارتخانه در برخورد با کرونا چیست؟

به نظر من آنها تمام توانشان را در این راه گذاشته‌اند. بسیاری از همکاران، پزشکاران، پرستاران و کادر درمان در این راه به شهادت رسیده‌اند و همه می‌دانیم که آنها از تمام توان و امکانات در اختیارشان برای مهار کرونا استفاده کرده‌اند و بیشتر از این امکان ندارد. اما تنها راه نجات از این معضل، رعایت اصول بهداشتی و فردی است که بیشتر در این گرفتاری فرو نرویم.

اکنون در برخورد با کرونا، شاهد موازی‌کاری هستیم. در واقع استانداری، فرمانداری و وزارت بهداشت هرکدام به شیوه‌ای متفاوت عمل می‌کنند. فکر می‌کنید چرا ستاد مقابله با کرونا مدیریت واحدی ایجاد نمی‌کند؟

در مرحله اول، رئیس ستاد مقابله با کرونا رئیس جمهور است که اختیارات را به استان‌ها داده است؛ اما خب استان‌ها شاید نتوانند آن‌طور که باید دستورالعمل‌ها را اجرایی کنند و همه چیز فقط در حد دستور و نوشته باقی بماند. طبیعتا در ادامه چنین روندی، نتیجه چیزی می‌شود که می‌بینید. به نظر می‌رسد که با این روند افزایشی که شاهدش هستیم، ستاد ملی مقابله با کرونا آن‌طور که باید نتوانسته به وظیفه‌اش عمل کند.

ورود بدون ماسک ممنوع

علی‌اصغر باقرزاده، عضو هیات‌رئیسه کمیسیون بهداشت مجلس گفت: پروتکل‌های بهداشتی برای اماکن عمومی، ادارات و مراکز تجاری باید به نحوی تنظیم گردد که از ورود افراد بدون ماسک در اماکن عمومی و فضاهای سرپوشیده جلوگیری شود. وی افزود: به دلیل شرایط اقتصادی و مشکلات معیشتی نمی‌توانیم افرادی را که از ماسک استفاده نمی‌کنند، جریمه کنیم اما می‌توانیم ارائه خدمات به آنها را ممنوع کنیم؛ مثل ممنوعیت استفاده از سیکار در اماکن عمومی که اکنون به آن عمل می‌شود. جام‌جم‌دیلی

توصیه رهبر انقلاب

به استفاده از ماسک

لزوم استفاده از ماسک آن قدر جدی است که رهبرانقلاب نیز اخیرا به‌طور خاص به این مساله اشاره و بر استفاده همگانی از ماسک تاکید کرده‌اند. ایشان در سخنرانی روز هفتم تیر خود بعد از انتقاد از سست‌شدن مردم و مسؤولان در مبارزه با کرونا این‌طور گلايه کردند: «من می‌بینم که مسؤولان محترم در تلویزیون حضور پیدا می‌کنند، در حالی‌که دور و برشان هم آدم هست، ماسک هم نزنده‌اند؛ خب حالا من هم الان ماسک ندارم، اما دور و بر من کسی نیست؛ اگر چنانچه دو نفر، سه نفر بیایند دور و بر من، بنده هم حتما ماسک می‌زنم، خب وقتی که شما که مسؤول دولتی هستید، در یک اجتماع مردمی ماسک نمی‌زنید، این جوانی هم که در خیابان دارد راه می‌رود و حوصله ماسک ندارد، تشویق می‌شود که نزند.»

ایشان بی‌توجهی به لزوم استفاده از ماسک را یکی از دلایل افزایش آمار جان‌باختگان ناشی از کرونا در کشور دانستند و عنوان کردند: «نتیجه این اتفاقات همین می‌شود که بعد از آن‌که تلفات ما دورقمی شده‌بود و به حدود سی و چند نفر رسیده بود، حالا رسیده به صد و سی و چند نفر؛ این انسان را غصه‌دار می‌کند. حدود یک‌ماه، یک‌ماه‌ونیم قبل، در آمارهایی که به ما دادند، از بعضی از استان‌ها نام آوردند که در آنها هیچ تلفاتی نبوده، بنده واقعا ته دل خوشحال شدم، خدا را شکر کردم که الحمدلله این تعداد استان‌هایی هستند که در آنها هیچ تلفاتی وجود نداشته؛ حالا همین اخیرا، یعنی چند روز قبل از این گزارشی به من دادند، دیدم بعضی از همان استان‌هایی که آن روز در گزارش بود که هیچ تلفات نداشتند تلفات متعددی در آنها گزارش کرده‌اند؛ انسان غصه‌اش می‌شود، خب نباید این کار را بکنیم، باید ملاحظه کنیم، باید مراقبت بکنیم؛ هم مردم مراقبت کنند، هم مسؤولین مراقبت کنند.»

۱۵

آماده‌باش ۷۷ بیمارستان تامین اجتماعی برای مقابله با کرونا

ابوالفضل آفریده، مدیرکل درمان مستقیم سازمان تامین اجتماعی از آماده‌باش ۷۷ بیمارستان و ۳۱۰ مرکز سرپایی برای خدمت‌رسانی به بیماران کووید-۱۹ خبر داد و گفت: به‌کارگیری بیش از ۵۰۰۰ تخت بیمارستانی برای بستری و به‌کارگیری بیش از ۷۰۰۰ نفر از پزشکان و ۲۵ هزار نفر از پرسنل غیرپزشک در مراحل خدمات و درمان بیماران مبتلا به کرونا از مهم‌ترین اقدامات این حوزه محسوب می‌شود. /به‌ارنا

از ماسک که برماست!

۱۶۲ نفر، رکورد تازه‌ای است که از کشته‌های کرونا در کشور ثبت شده است اتفاقی که با استفاده از ماسک می‌توان مانع تکرارش شد

شویب ابتلا و مرگ به‌واسطه کرونا به‌سرعت بالا رفته است، همین دیروز ویروس کرونا ۱۶۲ نفر را به کام مرگ کشتاده است، بیشترین تعداد مرگ از اول اسفند تا امروز. در خانه ماندن و قرنطینه‌هر چند موثر اما امکان‌پذیر نیست، تولید و دسترسی به واکسن هم همین‌طور اما راه‌حل موثری که حتی برخی می‌گویند میزان ابتلا را تا یک‌پنجم کاهش می‌دهد در حال حاضر استفاده از ماسک است، راهی که حالا برای استفاده شهروندان از آن پویش‌های به‌راه افتاده است و دولت در برخی از مکان‌ها برای استفاده از آن متوسل به اجبار شده است. از زمانی که سازمان بهداشت جهانی استفاده از ماسک را برای ابتلا بی‌تاثیر می‌دانست تا حالا که پویش «من ماسک می‌زنم» به‌راه افتاده است تنها پنج ماه گذشته است، همین تناقض در تاثیرگذاری ماسک هم شاید دلیلی باشد بر بی‌توجهی اغلب شهروندان در استفاده نکردن از آن. حالا اما از ۱۵ تیرماه استفاده از ماسک اجباری شده است، بالاخره پس از بحث و تبادل‌نظرنهای زیاد، اعضای ستاد ملی کرونا، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اعلام کرد از ۱۵ تیرماه همه مردم باید در فضاهای شلوغ و پرتردد ماسک بزنند.

از ۲۵ خرداد که تعداد مرگ روزانه مبتلایان به ویروس کرونا به عدد امیدوارکننده ۳۴ نفر رسیده بود تا دیروز که رکورد همه این ماه‌ها با ۱۶۲ نفر کشته شکسته شد تنها ۱۵ روز می‌گذرد. بسیاری بالا رفتن این تعداد کشته در این بازه زمانی کم را تعبیر به آغاز موج دوم شیوع کردند اما آنچه نمودار مرگ و میر را با شیب عجیبی بالا برد نه آغاز موج دوم که عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی بود. در موج آغازین شیوع آن‌طور که مسؤولان وزارت بهداشت و درمان می‌گویند تا ۸۰ درصد شهروندان خود را ملزم به رعایت این اصول می‌دانستند، حالا اما تنها ۱۱ درصد از شهروندان خود را مقید به رعایت پروتکل‌های بهداشتی می‌دانند. هر چند این تنها قصور مردم نیست و بازگشایی کسب و کارها و ادارها و... هم بی‌تاثیر در کاهش شگفت ایند رسد نبوده است. میزان ابتلا و مرگ و میرها افزایش چشمگیری داشته است اما چرا دولت استفاده از ماسک را از ۱۵ تیرماه اجباری کرده است؟ مگر تهیه ماسک با توجه به آنچه خود ستاد ملی مقابله با کرونا ادعا کرده و در دسترس است یک هفته زمان نیاز دارد؟ اگر وضعیت هشدار دهنده است که حداقل آمار روزانه مبتلایان و کشته‌ها دال بر این است، چرا از هفته آینده استفاده از ماسک اجباری شده است؟ مرگ بر اثر ابتلا حالا دارد ساعت می‌زند اما راهکارهای پیش‌رو برای کم‌شدن این مرگ و میرها به هفته می‌کشد.

ماسک زدن فایده‌ای ندارد و پوشیدن دستکش و استفاده از ضد عفونی‌کننده‌ها کفایت می‌کند. این یکی از باورهای غلط درباه ماسک است چون مطالعات مختلف در جهان نشان داده ماسک، محافظت‌کننده است. وزارت بهداشت کشورمان اعلام کرده در صورت استفاده از ماسک، ریسک ابتلا به کرونا ۸۵ درصد کاهش می‌یابد.

ماسک حتما باید گران قیمت باشد تا خاصیت محافظت‌کنندگی داشته باشد. این نیز یکی از باورهای غلط رایج درباره ماسک است. درحالی‌که عده‌ای باور دارند فقط ماسک‌های گران قیمت و حرفه‌ای می‌توانند از آنها در برابر ویروس محافظت کنند. مسؤولان وزارت بهداشت می‌گویند: انواع ساده ماسک‌ها حتی نوع خانگی آنها نیز می‌تواند خاصیت حفاظتی داشته باشد.

ماسک زدن فایده‌ای ندارد و پوشیدن دستکش و استفاده از ضد عفونی‌کننده‌ها کفایت می‌کند. این یکی از باورهای غلط درباه ماسک است چون مطالعات مختلف در جهان نشان داده ماسک، محافظت‌کننده است. وزارت بهداشت کشورمان اعلام کرده در صورت استفاده از ماسک، ریسک ابتلا به کرونا ۸۵ درصد کاهش می‌یابد.

۵ باور غلط درباره ماسک

ناشناخته بودن ویروس کرونا به مفهوم رایج شدن شائبه‌هایی در رابطه با درمان آن بود. در این میان ذهنیت‌هایی اغلب اشتباه شکل می‌گرفت و به مدد رسانه‌های مجازی فراگیر می‌شد. از خوردن زنجبیل و عسل بگیرد تا تاثیر گرما بر شیوع ویروس. در اینجا مهم‌ترین ذهنیت‌های اشتباهی را بررسی کردیم که در رابطه با استفاده از ماسک میان شهروندان رواج پیدا کرده است.

گزارش میدانی از بیمارستان مسیح دانشوری؛ جایی که دوباره برای بیماران کرونایی تخت پیدا نمی‌شود

بیماران کرونایی در حیات بیمارستان

هنوز دو ماه هم نشده است که همه خوشحال شدند از کاهش مراجعه به بیمارستان‌ها. زمانی که آمار فوت بیماران کرونا، دو رقمی شد و بعد آمار بستری در بیمارستان‌ها هم کاهش پیدا کرد. حالا اما وضع به روزهای اول برگشته است. کابوس سیاه و وحشتناک ویروس، دوباره تکرار شده است. اگر دو ماه پیش، ما در جنگ تن‌به‌تن پیروز بودیم، حالا ویروس پیشروی کرده است و بیماری و مرگ را به جان خیلی از هموطنان انداخته است. این را تعداد مراجعه و بستری‌هایی که در بیمارستان مسیح‌اندشوری، بیمارستانی که قلب پذیرش بیماران کرونایی است، نیز تایید می‌کند. شرایط از دو ماه پیش، زمانی که ما در آنجا حاضر شده و گزارشی از تعداد بستری‌ها گرفته بودیم، متفاوت شده است. حالا ساختمان بیماران کرونایی، شکل و شمایل دیگری به خود گرفته است. این روزها ویروس در بخش کرونایی، قوی‌تر می‌تازد و صحنه‌های دلخراش‌تری به تصویر می‌کشد.

باز سرایشی جاده‌هایم و باز بیمارستانی که در پایه کوه، بین درختان و سنگ‌های عظیم، در میان رودخانه و حوضچه‌هایی که آب در آن روان است؛ باز بیمارستان مسیح دانشوری، بیمارستانی که هنوز بیماران کرونایی در آن بستری می‌شوند، بیمارستانی که دو ماه پیش، زمانی که به آنجا رفته بودیم، شرایطش از زمین تا آسمان با امروز، فرق می‌کرد. محوطه پر از همراه بیمار است، کسانی که ماسک‌نزنده به صورت، نشسته‌اند روی نیمکت‌های چوبی و با چشمانی تر از اشک، زیر سایه درختان استراحت می‌کنند. ساختمانی که بیماران کرونایی در آن بستری‌اند، جایی در بالای پله‌های قدیمی و ترک‌خورده است، درست بالای کوه. مانند دو ماه پیش، سه‌بخش برای بستری بیماران درنظر گرفته شده است، در این تفاوتی نیست؛ تفاوت‌ها بعد از گذر از پله‌ها، بعد از رسیدن به بالاترین نقطه بیمارستان، جایی که بیماری روی شهر سایه انداخته است، دیده می‌شود.

دوباره کرونا

پا را که به پله آخر می‌گذاریم، نفس تنگ می‌شود ناخودآگاه، اینجا هوا کم است، نفس بیشتر تنگ می‌شود وقتی، پرستاران، با ماسکی که تمام صورتشان را پوشانده، با لباس‌های جراحی آبی‌رنگ دیده می‌شوند. بعد صدای فریاد مسؤول انتظامات سرگیجه می‌آورد. مسؤول انتظامات، ماسکش را کنار می‌زند و داد می‌زند بر سر مردی که لباس محلی دارد: «چرا می‌روی داخل بخش؟ مگر نمی‌دانی که نباید بروی؟ هیچ‌کس اجازه ورود به داخل بخش را ندارد.»

مرد محلی‌پوش، چیزی نمی‌گوید و بی‌اعتنا ماسکش که بینی‌اش را نصف



رفتم شمال، کرونا گرفتم!

جلوی پنجره‌های آهنی راتوری زده‌اند. توری قهوه‌ای شده از گردو خاک، چندپشه هم چسبیده به آن؛ توری آن قدر تیره است که حتی تصویر داخل اتاق از پشت توری، پیدا نیست. تمام تخت‌های بستری، تمام چهار، پنج‌تختی که در اتاق بزرگ مستطیل شکل قرار دارد، پر هستند. همه بیماران سه‌اتاقی اول، ماسک اکسیژن به صورت دارند. پیرمردی، با چشمان بی‌حالش نگاه می‌کند به بیرون از پنجره، چند بار پلک می‌زند. انگار که سلام داده باشد به عابران. دست که تکان می‌دهیم برای پیرمرد، صدای سلام زنی شنیده می‌شود. صدا از طبقه بالاست، از زن میان‌سالی که سرش را از پنجره بیرون آورده است. زن: ۲۱ روزی است که در بیمارستان بستری شده. حالش به ظاهر خوب است، اما به خاطر بیماری‌های دیابت و مشکلات کبدی که دارد، در بیمارستان بستری شده است، می‌گوید: «هر یک روز درمیان، یک آمپول مخصوص تزریق می‌کنم.» آمپولی که ۵۰۰ هزار تومان می‌شود. او می‌گوید سفر به شهرهای شمالی باعث و بانی این بیماری شده است. در اتاق پنج نفرهای که او بستری است، به جز او، دو خانم میانسال

بدون ماسک از خانه خارج نشویم

یابک عشرتی، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ایران بر لزوم استفاده همگانی از ماسک تاکید کرد و گفت: مردم بدون ماسک از خانه خارج نشوند و در بیرون از منازل حتما از ماسک استفاده کنند. وی افزود، مردم همچنان بهداشت دست‌ها از جمله شست‌وشو با آب و صابون را رعایت کرده و تا جای ممکن از سفر و جابه‌جایی‌های غیرضروری خودداری کنند. / ایрна

قضاوت جامعه ایرانی نسبت

به خودش بی‌رحمانه است.

این نمونه از خلقیات ایرانی‌ها اما پنهان خوبی است برای آن که دولت‌ها بی‌تدبیری شان را

پشت آن پنهان کنند. در ماجرای کرونا هم این اتفاق بارها و بارها افتاده‌است، این که تمام تصمیمات بالاقرن میزان مرگ و میر و شیوع دوباره کرونا را فقط به پای رعایت‌نکردن پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم بدانیم.

در همان روزهای ابتدایی وقتی ماسک در بازار نایاب شد مقصر این کمبود «محتکران بودند»، دستور به ماندن در خانه که شد تصاویری از مسافرت مردم مدام دست به دست می‌شد تا این باور که «تقصیر خودمان است» بیشتر هوادار بیابد. حالا هم که استفاده از ماسک اجباری شده احتمالا همه آنها که از آن استفاده نکنند همدست مرگ دیگر شهروندان خواهند شد. این در حالی است که وقتی استفاده از ماسک در مترو اجباری شد قرار بر این بود که قیمت ماسک‌ها ۴۱۰ تومان باشد. قراری که البته هیچ‌وقت محقق نشد و همین حالا در مترو نمی‌توان با کمتر از ۱۵۰۰ تومان ماسک تهیه کرد.

وقتی حرف از اجبار می‌شود باید بستری برای استفاده سهل‌تر شهروندان از آن هم مهیا شود، این که از یک‌سو شهروندان را مجبور به استفاده از ماسک کنیم و از سوی دیگر با کمبود ماسک در بازار و افزایش قیمت آن روبه‌رو شویم تنها ارمغانش یک دلسردی عمیق از دولتمردان است و بس. نه با اجبار که تنها با یک توصیه هم می‌شد مردم را مجاب به استفاده از ماسک کرد، توصیه‌ای همراه با تحقق وعده‌ای که داده شده بود؛ یعنی کاهش قیمت ماسک. همین حالا اگر قیمت ماسک به همان عدد وعده داده‌شده کاهش پیدا کند قطعا تعداد بسیاری از مردم بدون هیچ اجباری از آن استفاده خواهندکرد.

بدون ماسک از خانه خارج نشویم

یابک عشرتی، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ایران بر لزوم استفاده همگانی از ماسک تاکید کرد و گفت: مردم بدون ماسک از خانه خارج نشوند و در بیرون از منازل حتما از ماسک استفاده کنند. وی افزود، مردم همچنان بهداشت دست‌ها از جمله شست‌وشو با آب و صابون را رعایت کرده و تا جای ممکن از سفر و جابه‌جایی‌های غیرضروری خودداری کنند. / ایрна

اجبار به استفاده از ماسک قطعا تاثیر مهمی در میزان تقاضای آن خواهد

داشت. میزان تولید ماسک از ابتدای فراگیری تاکنون هم جهش معناداری داشته است. از تولید روزانه ۳۰۰ هزار ماسک گرفته تا حالا که مدیرکل اداره تجهیزات سازمان غذا و دارو می‌گوید تولید ماسک سه لایه در کشور به بیش از ۲،۵ میلیون رسیده‌است. آن طور که حسین صفوی گفته در حوزه ماسک ۸۹۵ تنها روزانه ۱۵ هزار ماسک تولید می‌شد اما امروز بیش از ۱۵۰ هزار ماسک ۸۹۵ تولید می‌شود که برای بخش‌های مورد نیاز مصرف می‌شود. این آمار در حالی است که اواخر فروردین امسال بزرگ‌ترین کارخانه تولید ماسک در جنوب غرب آسیا در اشتهارد کراج آغاز به کار کرد. کارخانه‌ای که به همت ستاد اجرایی فرمان امام(ره) راه‌اندازی شد و آن طور که مسؤولانش می‌گویند در آنجا روزانه یک میلیون ماسک پزشکی سه‌لایه تولید می‌شود.

نتایج نظرسنجی‌ای که از سوی یک خبرگزاری رسمی صورت گرفته نشان

می‌دهد بیش از ۹۰درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی موافق اجباری‌شدن ماسک هستند.

نمونه‌ آماری این نظرسنجی کمی بیشتر از ۳۰۰۰ نفر است اما اگر همین تعداد را بتوانیم با کمی اغراق به جمعیت بزرگ‌تری تعمیم بدهیم، نتیجه این می‌شود که اجبار در استفاده از ماسک احتمالا روش موثری خواهد بود. امروزه بسیاری از کارشناسان بهداشتی در داخل و خارج از ایران به این نکته تاکید می‌کنند که استفاده همه از ماسک می‌تواند راه شیوع کرونا را سد کند. به راحتی می‌شود با اجباری‌کردن استفاده از ماسک در معابر و مکان‌های عمومی، شهرهای ایران را از حالت قرمز به زرد و سفید نزدیک کرد. قوانین سفت و سختی هم می‌شود برای آنهاپی که ماسک استفاده نمی‌کنند وضع کرد. در برخی کشورها از جمله آلمان، ترکیه، اسپانیا و فرانسه هم استفاده از ماسک اجباری شده‌است. در آلمان کسانی که از قانون اجباری‌شدن ماسک تبعیت نکنند، ۱۵۰ یورو جریمه می‌شوند؛ این جریمه برای فروشندگانی که قانون‌شکنی کنند، می‌تواند تا ۵۰۰۰ یورو افزایش یابد.

کودکان در برابر کرونا مصون نیستند

مینو محرز، عضو کمیته کشوری بیماری‌های عفونی گفت؛ خطر بیماری کرونا برای کودکان کمتر از بزرگسالان نیست. میزان شیوع کرونا در بین کودکان در ماه‌های گذشته بیشتر نشده، اما میزان موارد شناسایی بیشتر شده. به‌عنوان مثال بخش کرونای بیمارستان کودکان مفید همیشه تعداد قابل توجهی کودک بدحال مبتلا به کووید-۱۹ دارد. به گفته وی، در مواردی کودکان با علائم شدید به بیماری کووید-۱۹ مبتلا می‌شوند و حتی فوت می‌کنند. / تام‌جم‌دیلی

پی‌بردن به چرایی استفاده نکردن اغلب

شهروندان از ماسک نیاز به پژوهش دارد، این‌که چرا تا اجبار در استفاده نباشد از ماسک استفاده نمی‌کنیم هم همین‌طور. حتی با آگاهی از این نکته‌که استفاده از ماسک می‌تواند به عدم ابتلای اطرافیان مان بینجامد هم نکته مهمی است. جالب این‌که در بسیاری از موارد

برخی نه تنها از ماسک استفاده نمی‌کنند بلکه استفاده‌کنندگان آن را هم به سخره می‌گیرند و این در حالی است که ایرج حریریچی، معاون کل وزیر بهداشت و درمان استفاده از ماسک و ترویج دیگران به استفاده از آن را یکی از موارد «امر به معروف» می‌داند و معتقد است استفاده از ماسک به طور معمولی ۸۵درصد احتمال انتقال ویروس را کم می‌کند. کیانوش جهانپور هم در تویییت‌اش اهمیت استفاده از ماسک را این‌طور عنوان کرده و نوشته: «اگر روش یا وسیله‌ای ۸۵ تا ۹۵درصد در پیشگیری از کرونا موثر باشد از آن استفاده خواهید کرد؟ پس ماسک بزنید.»

حالا استفاده از ماسک در کنار تاثیرش بر سلامت فردی به

نوعی امری اخلاقی هم بدل شده‌است. استفاده از ماسک وقتی تاثیر بسیار بیشتری در کنترل بیماری خواهد داشت که تعداد بیشتری از شهروندان از آن بهره ببرند، همین نکته‌کافی است تا استفاده از ماسک

را اخلاقی بدانیم. هر چند همچنان آگاهی نسبت به تاثیرات بسیار زیاد استفاده از ماسک در کنترل این بیماری کم است و در کنار اجبار به استفاده باید آگاهی بخشی هم صورت بگیرد. مهم‌تر از آن باید دسترسی شهروندان به ماسک آسان‌تر و قیمت آن هم کمتر شود تا بتوان شهروندان را در استفاده از آن ترغیب کرد. جمشید گلپور، دبیر ستاد لجستیک مقابله با کرونای وزارت صمت هفته گذشته قیمت مصوب ماسک تولید کارگاهی را ۱۵۰۰تومان اعلام کرده و حسین صفوی، مدیرکل اداره تجهیزات و ملزومات پزشکی سازمان غذا و دارو هم قیمت مصوب ماسک سه لایه صنعتی را «در کارخانه ۲۰۰تومان» اعلام کرده‌است. در بازار اما تفاوت قیمت‌ها بیشتر است. با وجود قیمت‌های مصوب اعلام شده، در مراجعه به مراکز توزیع، قیمت‌ها چندان استاندارد و معقول به نظر نمی‌رسد و با نرخ‌های مصوب فاصله زیادی دارند. تا جایی‌که بسته‌های ماسک با قیمت‌های نامتعارف عرضه می‌شوند. برای مثال قیمت ماسک N95 یا فیلتردار از ۸۰۰۰تومان شروع و تا ۴۰،۱۳۵، ۵۰ هزار تومان و گاه ۸۰ هزار تومان می‌رسد.

ماسک‌های یکبار مصرف را باید پس از یک‌بار مصرف دور انداخت. این باور اشتباه سبب شده عده‌ای استفاده از ماسک را مترادف با تحمیل هزینه‌های گزاف بر خود بدانند اما کارشناسان می‌گویند ماسک‌ها را می‌توان شست و به دفعات استفاده کرد اما اگر برائثر شست و شو قطر منافذ آن تغییر کرد می‌توان برای جبران یک لایه دستمال کاغذی به‌کار برد.

پوشاندن دهان با ماسک کفایت می‌کند و نیازی نیست بینی پوشانده شود. به واسطه این باور اشتباه، تعداد افرادی که تنها دهان خود را با ماسک می‌پوشانند در حال افزایش است. البته برای عده‌ای سخت شدن تنفس، علت آزاد گذاشتن بینی است اما حقیقت این است که فطرت تنفسی از دهان و بینی قابلیت انتشار دارد و لازم است هر دو با ماسک پوشانده شوند.

ماسک زدن به تنهایی کافی است و نیازی به رعایت بهداشت نیست. این نیز یکی از باورهای غلط درباره ماسک است. در حالی که عده‌ای تصور می‌کنند با زدن ماسک در برابر ویروس کرونا کاملا مصون می‌شوند اما کارشناسان می‌گویند نباید هنگام استفاده از ماسک دچار امنیت کاذب شد زیرا مکمل ماسک، شست و شوی مکرر دست‌ها و پرهیز از حضور در محیط‌های شلوغ است.



عکس‌ها، تام‌جم

همسن و سالش، یک زن جوان و یک نوجوان ۱۴ساله دیگر هم بستری هستند.

خداحافظ آزمایش رایگان

تریازو و پذیرش بخش کرونا، جایی در انتهای راهروی پاریک ساختمان، قرار دارد. از ساختمان آجری که می‌گذریم، بوی گازی به مشام می‌رسد، بعد سه‌کانکس طوسی بزرگ که روی آن، نوشته شده است، O۲. خودش را نشان می‌دهد. چند کیسول بزرگ سفید کنار کانکس‌ها نشسته‌اند. چند قدم آن طرف‌تر، چند کانکس دیگر قرار دارد. روبه‌روی همه کانکس‌ها صف‌های طولانی از مردم ایستاده‌اند. با ماسک و با دستانی که با عکس سی‌تی‌اسکن پر است. درست روبه‌روی پذیرش، یک دستگاه خودپرداز گذاشته‌اند. دو ماه پیش، پذیرش بیماران کرونایی، رایگان بود، حالا اما برای پذیرش باید ۱۸ هزار و ۶۰۰تومان پرداخت کرد. آن طرف‌تر، روبه‌روی اتاق معاینه و تست اکسیژن خون هم صف تشکیل شده است. مسؤول پذیرش آزمایشگاه، پنجره



کانکسش را بسته است و از پشت پنجره، جواب همه را می‌دهد. بیماران باید داد بزنند تا او صدا را بشنود. تا دو ماه پیش، هر کسی که می‌خواست در بیمارستان مسیح دانشوری، تست کرونا بدهد، با بیمه، ۴۰ هزار تومان و آزاد ۲۷۰ هزار تومان، هزینه پرداخت می‌کرد، هرچند قبل از آن تست کرونا در این بیمارستان، رایگان بود. در این دو ماه اما هزینه‌ها نه رایگان که بیشتر هم شده است. البته آزمایش آزاد کم و ۲۳۰ هزار تومان شده است و هزینه آزمایش با بیمه، بیمه‌های تامین اجتماعی، سلامت و خدمات درمانی، ۶۹ هزار تومان آب می‌خورد. صدای مردی، همهمه محیط را ساکت می‌کند. مرد داد می‌زند: «حال مادرم بد است.» دو پرستار خانم می‌دوند، پیرزن را می‌نشانند روی ویلچیر و او را می‌برند کمی آن طرف تر جایی که چند کیسول اکسیژن قرار دارد، نفس پیرزن به شماره افتاده است.

دارم می‌میرم

پشت کیوسک‌های پذیرش، درست زیر سایه بان، جایی که شبیه پارکینگ

۴

۴

۵

۵

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹ • شماره ۵۶۹۳

جامعه

۱۹

جامعه



رئیس اداره مراقبت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت

روی مردم حساب باز کرده‌ایم

ستاد ملی مبارزه با کرونا، استفاده از ماسک در اماکن عمومی سرپوشیده را از ۱۵ تیر اجباری کرده است. اما سوال اصلی اینجاست که دولت چطور می‌تواند این طرح اجباری را در سطح کشور اجرایی کند و آیا اساسا وزارت بهداشت دارد؟ اینها سوالاتی است که با رئیس اداره مراقبت

کافی ناظر بهداشتی در اختیار دارد؟ اینها سوالاتی است که با رئیس اداره مراقبت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت در میان می‌گذاریم و او نیز در پاسخ می‌گوید وزارت بهداشت برای اجرایی شدن طرح استفاده اجباری از ماسک در درجه اول روی خود مردم حساب باز کرده است، اما از متولیان هرکدام از اماکن عمومی نیز انتظار برخورد با افرادی را دارد که از زدن ماسک خودداری می‌کنند. افرادی که به گفته حسین عرفانی، ممکن است حتی از ۱۵ تیر به بعد کارشان به دادگاه، جریمه نقدی و حبس تعزیری نیز بکشد.

آیا ساز و کار نظارتی برای اجرای دقیق طرح اجباری شدن استفاده از ماسک وجود دارد؟

ما برای اجرایی کردن این طرح در درجه اول روی رفتار خود مردم حساب باز کرده‌ایم. معتقدم که می‌توان با ارائه آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب و هشدار به شهروندان برای درک خطر درباره وضع بیماری در جامعه، از آنها انتظار رفتاری معقولانه، عالمانه و داوطلبانه داشت. علاوه بر این، مسؤولیت نظارت بر هر بخش از جامعه به عهده یک بخش از ارگان‌های دولتی یا حاکمیتی قرار دارد. به عنوان مثال سینماها، مراکز فرهنگی، قطارهای مترو و اتوبوس‌ها هرکدام متولیان قانونی دارند که آنها مسؤولیت دارند بر اجرای طرح اجباری بودن استفاده‌از ماسک نظارت کنند.

البته بسیاری از مجتمع‌های تجاری و فضاهای متعلق به بخش خصوصی، متولی دولتی ندارند.

در این فضاها نیز همان افرادی که مسؤولیت بازگشایی این مراکز را بعد از ثبت‌نام در سامانه مربوط وزارت بهداشت برعهده گرفته‌اند، باید بر اجرای پروتکل‌های ابلاغ شده از سوی ستاد ملی مبارزه با کرونا نظارت کنند. البته نظارت کلی بر اجرای طرح اجباری شدن استفاده از ماسک از نظر فنی با وزارت بهداشت و از نظر برخورد قانونی با ضابطان قضایی مثل نیروهای انتظامی است.

یعنی اگر این پروتکل‌ها در مراکز تجاری وابسته به بخش خصوصی رعایت نشود، وزارت بهداشت می‌تواند با مدیران این مراکز برخورد کند؟

بله، حتی اگر این افراد از اجرای پروتکل‌ها امتناع کنند، دستگاه قضایی می‌تواند مطابق قانون این افراد را به جرم به خطر انداختن سلامت عمومی به حبس تعزیری نیز محکوم کند.

با همه این حرف‌ها، اما هنوز می‌بینیم با وجود اجباری بودن استفاده از ماسک در وسایل در حمل‌ونقل عمومی خیلی‌ها در مترو و اتوبوس ماسک نمی‌زنند؟

الان مساله اجباری شدن استفاده از ماسک در همه اماکن عمومی با زمانی که این موضوع فقط در حمل‌ونقل عمومی اجرایی شد، تفاوت دارد. امروز رئیس جمهور به عنوان بالاترین مسؤول اجرایی کشور و رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان بالاترین مقام در سطح کشور از مصوبات ستاد ملی مدیریت کرونا درباره ماسک حمایت کرده‌اند.

اتفاقا ما هم می‌خواهیم مطمئن شویم آن بیانات در مرحله پیاده‌سازی به طور قاطع اجرامی شوند.

این هم‌بازی‌کردن به همان صحبتی که اول داشتیم، یعنی مردم خودشان باید رعایت کنند، مطمئن باشید ما مردم با فرهنگ، متمدن، سلامت‌دوست و همراهی داریم.

با این حال، هنوز می‌بینیم بخش قابل توجهی از این مردم پروتکل‌های ابلاغ‌شده را رعایت نمی‌کنند.

توجه داشته باشید ما علاوه بر ناظران خاص یعنی ضابطان قضایی، یک سری ناظران عام هم داریم که خود مردم هستند و بهتر است افرادی که پروتکل‌ها را رعایت می‌کنند با زبان خوش و بدون درگیری به افرادی که این ضوابط را رعایت نمی‌کنند، تذکر دهند. البته اگر نیاز به برخورد باشد، پای ناظران خاص نیز به ماجرا باز می‌شود و ممکن است نیروهای انتظامی و حتی مأموران تعزیرات نیز وارد عمل شوند. حتی ممکن است یک شهروند به خاطر ماسک نزدن مجازات شود.

این مجازات شامل جریمه نقدی می‌شود یا برخورد قضایی؟

درباره جزئیات مجازات اطلاع کافی ندارم، اما مسلما ما مشخصی را که نکات بهداشتی را در سطح جامعه رعایت نمی‌کنند، به دادگاه معرفی می‌کنیم و قاضی نیز می‌تواند به تناسب مواد قانونی موجود در این زمینه، فرد را به جریمه نقدی یا حبس تعزیری محکوم کند.

ممکن است بعد از اجرایی شدن این طرح از ورود افرادی که ماسک ندارند به اماکن عمومی مثل مترو یا اتوبوس به‌طور کامل جلوگیری شود؟

دقیقا نمی‌دانم و ساز و کار این موضوع باید تعریف شود. اما احتمالا این اتفاق خواهد افتاد، چون حضور چنین شخصی در یک مکان عمومی سرپوشیده باعث به خطر افتادن سلامت همه افراد حاضر در محل خواهد شد و رفتار او شبیه شخصی است که متاهی در دست گرفته و می‌خواهد کشتی را سوراخ کند و طبیعتا ناخدا اجازه حضور چنین شخصی را در کشتی نمی‌دهد.

به نظر شما الان که قرار است استفاده از ماسک اجباری شود، آیا همه مردم به اندازه کافی به ماسک دسترسی دارند؟

ما بارها گفته‌ایم مردم می‌توانند از ماسک‌های متنوعی استفاده کنند و لازم نیست همه افراد حتما ماسک‌های گران قیمت داشته باشند.

با این حال، خیلی‌ها توان مالی برای خرید ماسک‌های ارزان قیمت را نیز ندارند؟

این افراد می‌توانند از ماسک‌های خانگی قابل شست‌وشو بارها استفاده کنند تا نیازی به خرید روزانه ماسک نداشته باشند. ما معتقدیم استفاده از ماسک‌های خانگی هم می‌تواند از انتقال بیماری جلوگیری کند.

اما هنوز خیلی از مردم نمی‌دانند چطور باید ماسک خانگی بسازند؟

این هم جزو آموزش‌هایی است که ما باید ارائه و تلاش کنیم تا قبل از ۱۵ تیر در رسانه‌های مختلف از جمله صدا و سیما این آموزش‌ها را تکمیل کنیم.



حدیث روز: امام صادق(ع): آن کس که هنگام خشم، طمع، ترس و خواهش نفس خویشتن دار باشد، خدا بدینش را بر آتش حرام می کند.

پلک احساس: شیوه چشمت فریب جنگ داشت ما غلط کردیم و صلح انگاشتم

اوقات شرعی: اذان ظهر: ۱۳:۰۸ غروب آفتاب: ۲۰:۱۴ اذان مغرب: ۲۰:۴۵ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۵ اذان صبح (فردا): ۴:۰۶ طلوع خورشید(فردا): ۵:۵۲

پیش بینی آب و هوا چهارشنبه

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روح... رجایی

ج.ا.م

شایه: ISSN1735-3637
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

سه شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹ | ۸ ذی القعدة ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۶۹۳ | استان تهران و البرز و ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - June 30, 2020

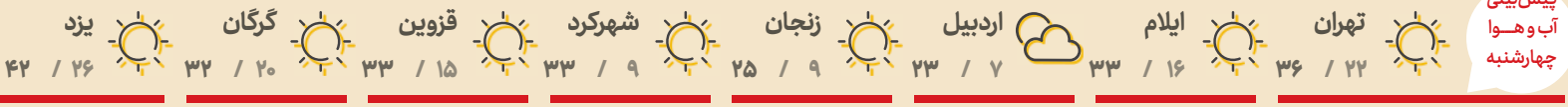
تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۳۹
تلفن: ۰۲۰-۲۳۰۶۰۰۰ | ۰۲۱ - دورنگار تحریریه: ۲۲۲۴۶۲۵۴
سازمان شهرستان ها: ۴۵۸۹۷ | کد پستی: ۱۹۱۱۴۱۸۴۱۳۰
امور مشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ | سازمان آگهی ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
پیامک: ۳۰۰۱۱۴۰۰ | روابط عمومی: ۲۲۲۴۶۲۱۴۴
چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان ها (چاپخانه های روزنامه جام جم)

امروز در تاریخ:

امام موسی صدر به عنوان اولین رئیس مجلس اعلا شیعیان لبنان انتخاب شد. (۱۳۴۸ش)
سازمان انرژی هسته ای ایران موافقت نامه ای با شرکت افرات و ورک بیونین (آلمان برای احداث نیروگاه هسته ای بوشهر به ارزش ۷/۸ میلیارد مارک منعقد کرد. (۱۳۵۵ش)
هیات دولت تغییر نام استان و شهر یارختان به استان کرمانشاهان و شهر کرمانشاه را تصویب کرد.

حکمت ۳۹۵:

هر مقدار که قناعت کنی کافی است.



راپورت های میرزا ادريس

گلف یا جوگان؛ مساله این است

الایوم در اندرونی همایونی جلوس کرده و به شکستن هسته زردآلو مشغول بودیم که خشایار راپورت آورد قبله عالم، گویا این مردک زردنیسو، آخر هفته ماضیه از ترس

کرونا یا تظاهرات مردمی گلف بازی خودش را در تفرجگاه اختصاصی خویش لغو و در منزل تمرکیده است. فرمودیم گلف چی هست حالا؟ فتوییی نشان داد. مردک دبیلاق به کلاه مزلف بر سر گذاشته و یک جفت دستکش زپرتی دست کرده، یک چوب گرفته دستش می زند زیر کلاه گوی که برود بیفتد توی یک چاله و مثلا برنده شود. چنان پس گردنی به خشایار زدیم که برق از سه فارش پرید. عارض شد قبله عالم، چرا می زنی؟ فرمودیم پدر سوخته، این که همان جوگان خودمان است. اینها چرا درزیده اند؟ عارض شد ما چه بدانیم. فی الفور قلم و کاغذ خواستیم. حاضر شد. فرمودیم بنگار: مردک نکبت پیزوری، بی سلام و حال و احوال

بعدا سراین که این چه وضع مملکت داری است که سیاه و زرد و سرخووست از دستت آسایش ندارند، آچار کشی ات خواهم کرد. عجالتا بحث ما سر این مسخره بازی ای است که امش را گذاشته ای گلف. مردک بابو! اسب و زین و گوی و میدان تو؟ برداشته ای ورزش مارا درزیده ای و پز هم می دهی؟ یک بار دیگر ببینیم چوب دست گرفته ای داری گردالی می اندازی توی سوراخ، اسب زین می کنیم می آییم همان چوب را می کنیم توی سوراخ بینی ات، بعد خودمان به یاد ایام شباب یک جوگانی بازی می کنیم که بفهمی یک من ماست، چند من کره داره. یک بار دیگر چوب گلف دست گرفتی نگرفتی ها! از ما گفتن، والسلام نامه تمام. قربانم بروی. عجالتا خشایار رفته نامه را پست کند. ما یک چایی بریزیم، اعصاب نداریم.



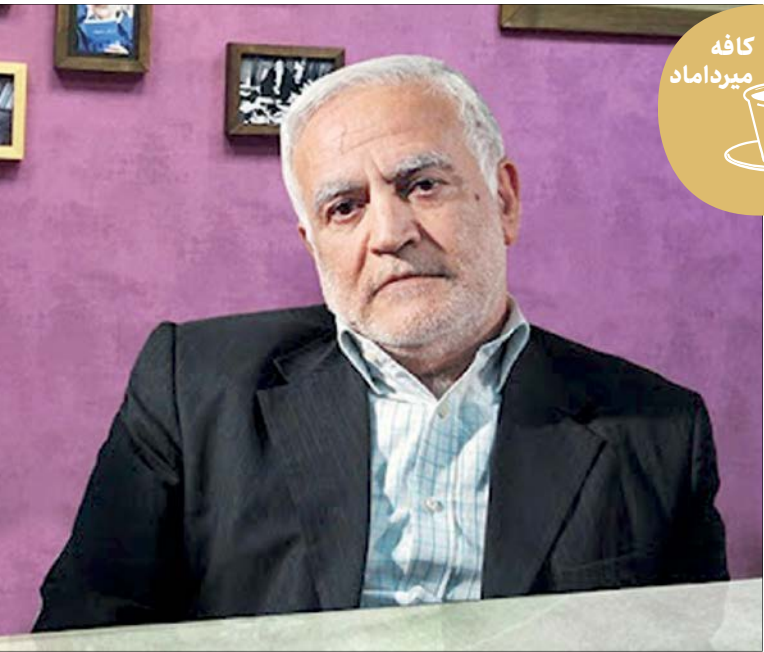
گفت وگو با نصرت... محمودزاده نویسنده دفاع مقدس درباره آزادسازی مهران

نمایش اقتدار ایران

مهران به جنگ خاکریزها نیز شهرت دارد. نیروهای جهاد سازندگی در این عملیات سنگ تمام گذاشتند و کاری کردند کارستان. اما باز هم یادآوری می کنم زیاد روی این عملیات تبلیغات رسانهای نشد و گرنه چیزی کمتر از آزادسازی خرمشهر نداشت. در همین خاکریزسازی های غیورانه بود که شهید ملاقلی که از نیروهای جهادی و بسیجی بود روی یکی از خاکریزها رفت و رجزی خواند بی نظیر، با صدای بلند فریاد زد اینجا خاکریز اسلام و کفر است؛ بایبید و بجنگید برای پیروزی اسلام. همین نطق او بود که به رانندگان بولدوزر جرات داد که با همه توان به خط بزنند و خاکریز بسازند تا نیروهای پیاده نظام و آربی جی زن بتوانند به میدان بایبند و با عراقی ها بجنگند. تصور کنید بولدوزرهای ایرانی در مقابل تانک های عراقی مقاومت می کردند. در این عملیات نیروهای زیادی از جهاد سازندگی به شهادت رسیدند یا مجروح شدند، اما اقتدار ایران در آن زمان آنقدر زیاد بود که مهران را تصرف کرده و صدام یکی از بزرگترین شکست هایش را در همین عملیات تجربه کرد.

اینها را نصرت... محمودزاده می گوید. نویسنده ای که خودش هم در جنگ حضور داشته و خیلی از اتفاقات را با چشم دیده و برای بسیاری از آنها تحقیق کرده و با سند درباره آنها صحبت می کند. محمودزاده بسیار خوش صحبت است و آنقدر تصویری صحبت می کند که همه آنچه می گوید را می توانی مانند یک فیلم سینمایی تصور کنی. خودش هم می گوید که حیف این همه رشادت و مبارزه و شجاعت که تصویری نمی شود. اگر اتفاقات واقعی جنگ ایران و عراق به فیلم خوب تبدیل شود، می تواند دنیا را متاثر کرده و جوانان را هم از دوران دفاع مقدس بیشتر آگاه کند.

جنگ خاکریزها
این نویسنده می گوید: یادتان هست، سردار سلیمانی به ترامپ گفت: «تو با من طرف هستی». این صلابت و اقتدار ریشه در دوران دفاع مقدس داشت و عملیات والفجر و کربلای یک که به آزادسازی مهران منجر شد آن زمان سردار سلیمانی فرمانده لشکر ثار... بود که یکی از لشکرهای مهم عملیات مختلف بود. آزادسازی



یکی جبهه اقتصادی - نفتی که بعد از عملیات خیبر جنگ نفتکش ها را راه انداخت. در این عملیات متوجه شد که در زمین نمی تواند با ایران بجنگد برای همین راهی دریاها شد که در همان زمان نیروی دریایی سپاه شکل گرفت که قدرتمند هم بود. عراق با موشک های کروز که از فرانسه گرفته بود وارد جنگ دریاها شد با این تصور که پیروزی بزرگی به دست خواهد آورد اما چنین نشد و اما در این جنگ هم شکست خورد و این قضیه آنقدر مهم بود که روزنامه تایمز آن زمان نوشت که عراق نتوانست جلوی صادرات نفت ایران از جزیره خارک را بگیرد. صدام تصمیم داشت صادرات نفت ایران را به صفر برساند اما نتوانست. بعد از شکست در جنگ دریاها دوباره به سمت جنگ زمینی آمد. از آن طرف

بسیار بزرگ که باعث شد ما فو را بگیریم. در همین عملیات هم جهاد سازندگی کار بزرگی کرد؛ پل بعثت را ساخت که برای عملیات حیاتی بود. والفجر ۸ ثابت کرد که ایران هنوز می تواند در جنگ زمینی حرف اول را بزند. عراق غافلگیر شده بود و این همزمان شده بود با ورود ناوهای آمریکایی به خلیج فارس و درگیر شدن در جنگ. عملیات والفجر ۸ همه پیش بینی خارجی ها را بر هم زد و ثابت کرد ایران قدرت منطقه است. صدام برای جبران این شکست و اصلاح افکار عمومی جهان دست به انتحاری زد که آن را دفاع متحرک گذاشت و یکسری عملیات کوچک راه انداخت که ایران می دانست اینها نمایش های صدام است. نقطه عطف این عملیات تصرف سه باره مهران بود که در اردیبهشت ۶۵ این شهر را تصرف کرد. ایران اما می دانست که پس گرفتن مهران از عراق نمایش اقتدار و توانایی ایران است. این شهر قلعه ای دارد به نام قلاویزان که دست هر کشوری که بود یعنی مهران و شهرهای آن طرف عراق هم در تصرفش بود. صدام برای تصرف مهران تبلیغات زیادی در جهان راه انداخت و همین باعث شد ایران که در اوج قدرت بود برای آزادسازی مهران هم برنامه ریزی کند. مهران برای ایران هم بعد سیاسی داشت و هم نظامی، یعنی پیروزی در این عملیات مهر تایید قدرت و اقتدار ایران در جنگ بود. قرارگاه نجف در فو برای این عملیات برنامه ریزی کرده بود و از همان اول بنا بر این بود که مهران آزاد شود و دیگر هرگز به دست عراق نیفتد که این برنامه ریزی به سرانجام هم رسید و مهران در ۱۰ تیر آزاد شد. بعد از این عملیات بود که صدام دیگر نتوانست اقتدار و قدرت خود را به رخ ایران بکشد یا به جهانیان بگوید که من حرف اول را در جنگ می زنم.



زن، یک نخ و مؤسسه لاغری

در جلسه افتتاحیه دوره جدید مؤسسه لاغری و زیبایی باریک اندیشان، دکتر باریک اندیش در سخنرانی انگیزشی ای که انجام داد و با پریدن به بالا و پایین و تاکید بر اهمیت اراده و اعتماد به نفس و شهریه های بالا، از متقاضیان ثبت نام در دوره جدید خواست برای آن که بتوانند زودتر به لاغری و زیبایی دست یابند و هیکل مطلوب خود را داشته باشند، هر چقدر هم که امروز چاق و عریضند، تصویری از خود را در زمانی که لاغر بوده اند به خاطر بسپارند و برای دیگران تعریف کنند و در طول دوره تلاش کنند به آن تصویر نزدیک شوند و ضمنا برای رعایت پروتکل های بهداشتی شهریه را با استفاده از اپلیکیشن پرداخت نمایند. پس از اتمام سخنرانی، متقاضیان ثبت نام به سالن انتظار رفتند تا از طریق اپلیکیشن ها هزینه کلاس ها را پرداخت نمایند. سه زن که دور یک میز نشستند، پس از آن که نگاهی به هیکل همدیگر انداختند و زیر لب خدا به دور گفتند، به هم لیخن زدند. در این لحظه یکی از زنها رو به زن دوم و سوم کرد و گفت: من تا چندین پیش لاغر بودم، شما چطور؟ زن دوم و سوم گفتند: بله بله ما هم همین طور. زن اول گفت: من به حدی لاغر بودم که مدارم از کسورات های پدرم برابرم مانده می دوخت. زنان دیگر گفتند: وای. در این لحظه زن دوم گفت: من از این هم لاغرتر بودم. من به حدی لاغر بودم که یک بار که توری راهآب حمام خراب شده بود با جریان آب وارد لوله فاضلاب شدم و پدر و برادرم با بدبختی توانستند مرا از داخل لوله نجات دهند. زنان دیگر گفتند: واهای. در این لحظه زن سوم گفت: من حتی تا مدتی بعد از ازدواج نیز لاغر بودم، به حدی که روزی یک آلبالو را با هسته خوردم و آن روز هرکس به من می رسید می بود، که مهران آمد و دختر است یا پسر؟ زنان دیگر گفتند: واهای. در این لحظه یک نخ، که مسؤول ثبت نام مؤسسه بود به نزد آنها آمد و به آنها تذکر داد و آنها نیز با دیدن میزان لاغری وی خاموش شدند و به ادامه نصب اپلیکیشن پرداختند.



امید مهدی نیاذ
طنز نویس

عکس: پایگاه خبری حوزه هنری



پرتزه فاتح قسطنطنیه یک میلیون دلار

اواسط ماه ژوئن (اواخر خرداد) حراج کریستیز در لندن تابلویی از پرتزه سلطان محمد دوم، هفتمین سلطان امپراتوری عثمانی به مزایده گذاشت. به گزارش فرارو، این اثر یک تابلوی رنگ روغن به ابعاد ۳۳۴ در ۴۵۴ سانتی متر است که ۲۵ ژوئن به مبلغ یک میلیون و ۱۷۲ هزار و ۸۰۳ دلار به فروش رفت. سلطان محمد دوم به دلیل فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ میلادی و تبدیل آن شهر به پایتخت محمد فاتح به محمد فاتح لقب گرفت. محمد فاتح به شعر، هنر و فرهنگ علاقه بسیار داشت و هنرمندان بسیاری را از ادیان و شهرهای مختلف دنیا به استانبول دعوت کرده بود. یکی از این هنرمندان جنتیله بلینی بود که در زمان خود یکی از چیره دست ترین نقاشان ونیز به شمار می رفت. او سال ۱۴۷۹ به درخواست سلطان محمد فاتح و دستور حاکم ونیز به دربار عثمانی در استانبول رفت. پرتزه ای که در حراج کریستیز به مزایده گذاشته شده اثر این هنرمند ونیزی است.

انگار از مرگ نمی ترسیم



مرگنا می گذرد، چقدر رسانه ها گفته اند و نوشته اند و چقدر در شبکه های اجتماعی نوشته می شود و عکس و فیلم منتشر می شود که دستکش و ماسک را در معابر عمومی رها نکنید و نکته جالب این که بیشتر مردم به تنها چیزی که دقت نمی کنند گاهی آدم با خودش فکر می کند این همه مقاومت در برابر بدیهی ترین رفتارها چرا اتفاق می افتد. چه نیروی مرموزی در ذهن افراد آنها را وادار می کند به نکات بهداشتی و محیط زیستی پایبند نباشند. مگر همه ما از بیماری و مرگ نمی ترسیم، پس چرا کوچک ترین مواردی را که به سلامت مان، محیط و اطرافیان مان منجر می شود، نادیده می گیریم. سال هاست می گویند و هشدار می دهند پلاستیک و زباله را در طبیعت، کوچه و خیابان رها نکنید، شاخه درختان را نشکنید، از کیسه های پارچه ای به جای کیسه های نایلونی استفاده کنید، حیوان آزاری نکنید و... اما انکار نه انگار. برخی گویا در این سرزمین زندگی نمی کنند که حیثیت برایشان مهم باشد. حتی حیات و سلامت خود این افراد هم برایشان مهم نیست چه برسد به دیگران و محیط زیست و... اما کرونا شوخی بردار نیست، از رگ گردن به ما نزدیک تر است و گاهی یکبار فرود می آید و تمام... حداقل این هشدار را جدی بگیریم و دست کم ماسک و دستکش آلوده و استفاده شده را در معابر رها نکنیم.

باران باستانی
روزنامه نگار

عکس: چلوش همایوندی

روزهای اول بهار ۱۳۰۶ قمری که ناصرالدین شاه فیلس یاد هندوستان کرده و پا کرده در یک کفش که می خواهم بروم فرنگ و به وزیرمختارش در بلاد روس فشار می آورد بعد از چند ماه به این درو آن دردن با سفرش موافقت می شود و یک روز صبح شاه به مرکب می نشیند و به اهل و عیال و حرمسرا می گوید دارم می رود سلطنت آباد و وقتی از دربار بیرون می آید درگوشی به اطرافیان می گوید که من شب عشرت آباد خواهم بود و فردا از عشرت آباد می رویم سمت فرنگ!

داشتم فکر می کردم اگر در آن زمان موبایل اختراع شده بود لابد چند روز بعدش عصمت الدوله زنگ می زد که: قربان سر قبله عالم بروم! بنا بود چند روزی به تفرج سلطنت آباد رفته و برگردید. کجا ماندید پس دلمان هزار راه رفت... ناصرالدین شاه هم که لابد تا آن روز به منزل زنجان، شاید هم تبریز رسیده بوده به اطرافیان می گفته ساکت باشند و آرام چیزی در تلفن سرهم می کرده و چند روز دیگر از حرمسرا وقت می خریده! شاید هم عصمت الدوله اصرار می کرده من به قبله عالم اعتماد دارم اما به جامعه اعتماد ندارم! پس لطفا یک «لایو لوکیشن» از خودتان برای این فقیر ارسال بفرمایید! خلاصه وقایع روزانه دربار قاجار را که ورق بزنی با بخشی از تاریخچه مفهوم «بیچاندن» آشنا می شوی که طی صدها سال که با پیشرفت تکنولوژی شکل همه چیز تغییر کرده، شکل این یک رقم ثابت مانده است!

تلنگر
مفهوم ثابت بیچاندن!



علیرضا رفیقی
روزنامه نگار

سفر کردن تا قبل از اختراع هواپیما مفهوم پیچیده تری از الان بوده است. مثلا در دوره قاجار یک زن «اینفلوئنسر» اگر می خواسته برود جایی از جهان را بگردد و با عکس هایش تبلیغات بگیرد و روغنی به نان شب بزند باید از هفت خوان رستم می گذشته، سفرنامه حج عالیه خانم شیرازی گواه این مصائب سفر یک زن است. یا مثلا اگر یک مرد اصیل آریایی می خواسته اهل و عیال را بیچاند و با رفقا بیرون تفرج باید دلائل محکم تری برای چند ماه نبودن جور می کرده! اسم اعتماد السلطنه را شاید نشنیده باشید اما حتما اسم امیرکبیر را شنیده اید. پس بهتر است برای معرفی اعتماد السلطنه بگویم همان قاتل امیرکبیر! یکی از اهالی دربار ناصرالدین شاه که برو و بیایی و دم و دستگاهی داشته و اتفاقا دست به قلم هم بوده و وقایع روزانه خود را می نوشته. دستنوشته های روزانه اش با عنوان «روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه» گردآوری و چاپ شده که وقایع جالبی را از دربار ناصرالدین شاه روایت می کند. مثلا جایی از کتاب می رسمیم به